
تفسیر آیات حج
ویژه جوانان
محمدعلی رضایی اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر آیات حج : ویژه جوانان

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر آیات حج : ویژه جوانان

مشخصات کتاب

سرشناسه:رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور:تفسیر آیات حج : ویژه جوانان/ محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر:تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری:۱۸۳ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

شابک:۴۵۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۴۷۲-۵ :

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:کتابنامه: ص. [۱۷۷] - ۱۸۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع:حج -- جنبه های قرآنی

رده بندی کنگره:BP۱۰۴ /ح۳ ر۶ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی:۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی:۳۳۴۰۷۹۰

ص :۱

اشاره

دیباچه

از دیرباز تاکنون، در میان کتاب های آسمانی و غیرآسمانی، هیچ کتابی مانند قرآن کریم مخاطبان را به خود جلب نکرده است؛ به گونه ای که تاکنون صدها شرح و تفسیر بر آیات آن نگاشته شده است. با این حال، هیچ مفسری نتوانسته ادعا کند که به تمام محتوای قرآن و مقصود خداوند دست یافته است. بلکه هر مفسری که به تفسیر قرآن پرداخته، مطالب جدیدتری از قرآن استنباط کرده است؛ به عبارت دیگر، قرآن کریم، اقیانوس بی کرانی است که هر غواصی مروارید جدیدی از آن صید می کند.

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) درباره شگفتی های قرآن کریم می فرماید:

انّ القُرآنَ ظاهِرُهُ انیقٌ وَباطِنُهُ عَمیقٌ لا تَفنَی عَجائِبُهُ وَلاَ تَنْقَضِی غَرائِبُهُ ولا تُکشَفُ الظُّلُماتُ الّا بِهِ. (۱)

به درستی که قرآن، ظاهرش دوست داشتنی و باطنش عمیق است؛ عجایبش از بین نمی رود و سخنان ژرفش پایان نمی یابد و تاریکی ها کشف نمی شود، مگر به قرآن.

۱- (۱) . غررالحکم، ص ۱۱۰.

ازاین رو در هر روزگاری، پژوهشگران علوم قرآنی با بهره گیری از سخنان ائمه معصوم(علیهم السلام) به شرح و تفسیر آیات قرآن پرداخته و سطوح مختلف جامعه را با این کتاب ارزشمند آشنا ساخته اند.

اثر پیش رو با عنوان «تفسیر آیات حج ویژه جوانان» به آیات حج - اعم از مناسک، اسرار و تاریخ آن - اشاره دارد که با قلمی روان، برای استفاده بیشتر جوانان، جمع آوری شده است.

در اینجا لازم می دانیم از زحمات حجت الاسلام و المسلمین آقای «محمدعلی رضایی اصفهانی» و همکاران محترمشان که در تدوین این اثر تلاش کرده اند، تشکر و قدردانی کنیم. امیدواریم خوانندگان عزیز، به ویژه جوانان گرامی، با مطالعه این اثر ارزشمند، بیشتر با سیمای حج از دیدگاه قرآن آشنا شوند.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه اخلاق و اسرار

ص:۱۰

درآمد

اگرچه حـج، در تعـالیم پیـامبران پیشـین ریشه دارد، اما قرآن، حـج را از انحرافات جاهلی عرب پیراست و به صورت یک عمل عبادی کامل به بشر عرضه کرد.

آیات حـج، نه تنها ما را با تاریخ کعبه و اعمال حج آشـنا می کند، بلکه ضـمن بیان احکام و مناسک، به حکمت ها و آثار آن نیز اشاره می کند و روح حقیقی و معنوی آن را در دل ها می دمد.

حـج عبادتی انسان ساز است که موجب پاکی و رشـد معنوی انسان ها می شود. از آنجا که مجموعه اعمال حـج یکی از روش های تربیتی دین مبین اسلام است، شایسته است که ابتدا از منظر قرآن بدان بنگریم؛ قرآنی که حج ابراهیمی را کامل به تصویر کشیده و بدون هیچ گونه تحریف، بشر را به انجام دادن فرائض و مناسکش، دعوت کرده است.

ص:۱۱

در این نوشتار، آیات مستقیم حج و آیات غیرمستقیم که موضوعات مرتبط با حج را مثل مکه، کعبه، برائت و... بیان می کند، بررسی می کنیم. البته مقدمات لازم برای شناخت قرآن، تفسیر و شیوه استنباط اسرار حج، در فصل کلیات بیان می گردد. همچنین برخی نکات عرفانی آیات حج از آثار امام درآمد (۱) [۱]

خمینی(قدس سره) به مباحث اضافه شده است.

گفتنی است مخاطب این کتاب، جوانان حج گزارند که می خواهند با بیانی شیوا و روان با حج از دیدگاه قرآن آشنا شوند. بسیاری از تفاسیر آیات حج از تفسیر «مهر» نگارنده، و ترجمه آیات نیز از نخستین ترجمه گروهی گرفته شده است. (۲)

شایان ذکر است که ضمن تفسیر آیات حج، نخست به نکات تفسیری آیات حج می پردازیم، سپس به آموزه ها و پیام های آیه براساس قاعده بطن آیه، با الغای خصوصیت از آیه، اشاره می کنیم که این روش می تواند برای نسل جدید آموزنده و کاربردی باشد.

امید است این نوشتار مورد قبول خدای متعال و عنایت امام عصر(علیه السلام) قرار گیرد و قرآن دوستان و قرآن پژوهان و خادمان حج از آن بهره برند. به یقین، این نوشتار با پیشنهادهای دوستان کامل تر خواهد شد.

والحمدلله رب العالمین

محمدعلی رضایی اصفهانی

۴/۹/۱۳۹۰

ه.ش

ص:۱۲

۱- (۱) . این مقدمه در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۲۷ در مسجدالحرام نگاشته شد و در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۴ در مسجدالنبی(صلی الله علیه و آله) تکمیل گردید. بخشی از این کتاب در مکه مکرمه و بخش دیگر در مدینه منوره، در ایام حج (ذی الحجه ۱۴۳۲ه .ق) نگاشته شد.

۲- (۱) . این ترجمه ضمن تفسیر قرآن «مهر» است و با همکاری جمعی از قرآن پژوهان تهیه شده است که انتشارات دارالذکر آن را به صورت مستقل در سال ۱۳۸۴ه .ش و انتشارات بین المللی المصطفی در سال ۱۳۸۷ه .ش چاپ کردند.

فصل اول: کلیات

اشاره

ص:۱۳

مفهوم شناسی تفسیر و تاریخچه آن

۱. تعریف تفسیر

تفسیر در لغت، به معنای کشف، پرده برداری و بیان است (۱) و در اصطلاح، به معنای توضیح ابهامات کلمات و جمله های قرآن و بیان مقاصد و اهداف آنهاست. (۲)

۲. اشاره ای به تاریخچه تفسیر

نخستین مفسر قرآن، پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) بود که خداوند به او دستور داد قرآن را برای مردم بیان کند. (۳) ازاین رو ایشان ضمن توضیح آیات، به پرسش ها نیز پاسخ می داد. سپس امام علی(علیه السلام)، امامان معصوم(علیهم السلام) و برخی صحابیان و تابعان به تفسیر قرآن پرداختند و در دوره های بعد،

ص:۱۵

۱- (۱) . ر.ك: مفردات راغب اصفهانی و قاموس قرآن، مادّه «فسّر».

۲- (۲) . ر.ك: المیزان، طباطبایی، ج۱، ص۴ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص۹۳۵.

۳- (۳) . نحل: ۴۴.

احادیث تفسیری آنان نوشته شد و تفسیرهای روایی پدید آمد؛ از جمله در شیعه: تفسیر «عیاشی»، از محمدبن مسعود عیاشی (متوفای ۳۲۰ه.ق)، تفسیر «صافی»، از فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ ه .ق)، تفسیر «البرهان»، از بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ ه .ق)، تفسیر «نورالثقلین»، از عبدعلی عروسی حویزی (متوفای ۱۱۱۲ ه .ق) و از اهل سنّت: تفسیر «جامع البیان»، از طبری (متوفای ۳۱۰ ه .ق)، تفسیر «الدرالمنثور»، از سیوطی (متوفای ۹۱۱ ه .ق).

سپس مفسران در قرن های بعدی افزون بر احادیث، دیدگاه های تفسیری خود را نیز بیان می کردند؛ از جمله در شیعه: تفسیر «تبیان»، از شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه .ق)، تفسیر «مجمع البیان»، از شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ه.ق)، تفسیر «روض الجنان»، از ابوالفتوح رازی (قرن ششم)، تفسیر «المیزان»، علامه طباطبایی (متوفای ۱۴۰۲ ه .ق)، تفسیر «نمونه»، آیت الله مکارم شیرازی (معاصر) (۱) و در اهل سنت: تفسیر «کشاف»، از زمخشری (متوفای ۵۳۸ ه .ق)، تفسیر «مفاتیح الغیب»، از فخر رازی (متوفای ۶۰۲ه.ق)، تفسیر «انوارالتنزیل»، از بیضاوی (متوفای۶۹۱ه .ق) و تفسیر «فی ظلال القرآن»، از سید قطب (متوفای ۱۳۸۶ ه .ق).

روش ها و گرایش های تفسیری

در میان مفسران، روش های تفسیری متعددی پیدا شده است؛ از جمله روش تفسیر قرآن به قرآن، عقلی، روایی، علمی، اشاری (باطنی، صوفی و

۱- (۱) . ر.ک: طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی؛ روش های تفسیر قرآن، و مؤدّب.

شهودی) و نیز روش تفسیر به رأی که ممنوع و حرام است؛ (۱) همان طور که گرایش های اجتماعی، فقهی، کلامی، فلسفی، ادبی و... در تفسیر به وجود آمده است. (۲)

این روش ها گاهی به صورت تفسیر ترتیبی (از ابتدای هر سوره تا پایان آن) و گاهی به صورت تفسیر موضوعی به انجام رسیده است. البته توضیح تاریخ تفسیر و بیان روش ها و گرایش ها از اهداف و حوصله این نوشتار خارج است. تنها در این قسمت به بیان چند نکته بسنده می کنیم:

نکته ها

۱. تفسیر قرآن، دانش شریف و مهمی است. همان طور که قرآن ثقل اکبر است، دانش تفسیر و علوم قرآن نیز با عظمت است و امروزه به صورت یک رشته مستقل در علوم اسلامی پی گیری می شود. البته در دانش های دیگر، همچون فقه و کلام اسلامی نیز از دانش تفسیر استفاده می شود.

۲. هدف قرآن، تربیت و هدایت انسان به سوی خداست. ازاین رو لازم است قرآن پژوه به این هدف اساسی توجه داشته باشد و بکوشد دردهای اجتماعی، اخلاقی و عقیدتی خود را با قرآن درمان، و زندگی خود را بر مبنای آیات آن سازگار کند.

۳. دانش تفسیر، مراتب و درجات متعددی دارد و برای فهم و تفسیر کامل هر آیه یا موضوع قرآنی، لازم است از تمام روش ها و گرایش های

۱- (۱) . ر.ک : منطق تفسیر۲، روش ها و گرایش های تفسیری، از نگارنده؛ روش های تفسیر قرآن، مؤدب؛ روش ها و گرایش های تفسیری، علوی مهر.

۲- (۲) . همان.

صحیح، البته متناسب با هر مورد، استفاده کرد؛ همان طور که باید به تفسیرهای گذشتگان رجوع کرد و در تفسیر آیات آن اندیشید.

منابع استنباط و استخراج اسرار حج

۱. قرآن

در قرآن کریم حدود سی آیه درباره احکام، تاریخ و اسرار حج بیان شده است که یکی از منابع معتبر برای استنباط و استخراج اسرار حج است. این آیات دربردارنده حکمت، اهداف، فواید، بطن، پیام و آموزه های مناسک حج است.

البته استفاده از قرآن کریم در این موارد، پیش نیاز و پیش فرض هایی دارد که در مبانی و روش های تفسیر و شرایط مفسر بیان شده است (۱) که از جمله آنها دلالت صحیح متن به صورت دلالت مطابقی یا تضمنی یا التزامی است.

۲. سنت

سنت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیهم السلام) دربردارنده بسیاری از اسرار حج است که برخی به صورت سنت عملی و برخی به صورت سنت لفظی، در ضمن احادیث حکایت شده است.

البته استفاده از احادیث در این موارد، متوقف بر رعایت مبانی و قواعد حدیثی، بعد از اطمینان از سند و دلالت معتبر (مطابقی، تضمنی و التزامی) آنهاست.

۱- (۱) . ر.ك: منطق تفسیر قرآن و درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، از نگارنده.

۳. تاریخ

تاریخ یکی از منابع معرفتی بشر است. تاریخ پیامبران (۱) و اولیای الهی که در قرآن کریم بیان شده است، مثل داستان ساخت کعبه به دست ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام)، (۲) دارای اسرار و پیام های بسیاری است.

همچنین حکایاتی که در کتاب های حدیثی و تاریخی معتبر آمده است، مثل جریان آدم(علیه السلام) و حواء و همچنین هاجر در صفا و مروه (۳)، درگیری ابراهیم(علیه السلام) با شیطان (۴) و مانند آنها، بسیاری از اسرار حج را برای ما روشن می سازد.

بنابراین تاریخ انبیای الهی سنت ساز است، نه تاریخ صرف. البته استفاده از تاریخ پیامبران و اولیای الهی در استنباط اسرار حج، نیازمند بررسی روایات آنها از نظر سند و دلالت است.

۴. عقل

عقل به دو معنا به کار می رود: برهان عقلی و قوه تفکر، (۵) که در واقع امکان کاربرد دو معنا در مورد حج وجود دارد؛ یعنی اگر ما به وسیله برهان عقلی اسراری از حج را کشف کردیم، آن مطلب معتبر است؛ چراکه عقل، حجت باطنی است. همچنین اگر با تفکر و خردورزی هم

۱- (۱) . هرچند تاریخ پیامبران و اولیای الهی که در قرآن و احادیث آمده است، بخشی از دو منبع قبلی (قرآن و سنت) به شمار می آید، اما به علت اهمیت آنها و نیز به سبب آنکه بخشی از تاریخ، خارج از قرآن و حدیث مصطلح است، این منبع را جداگانه ذکر کردیم.

۲- (۲) . ر.ک: بقره: ۱۲۵- ۱۲۹ و آل عمران: ۹۶ و ۹۷.

۳- (۳) . ر.ک: بحارالانوار، ج ۹۹، صص ۲۳۳ و ۲۳۴ و علل الشرایع، ص ۴۳۲.

۴- (۴) . همان، ص ۲۳۴.

۵- (۵) . ر.ک: مفردات راغب اصفهانی، ماده «عقل».

توانستیم برداشت هایی، حتی از نوع استحسان عقلی، از مناسک حج داشته باشیم، می توانیم آن را به صورت احتمالی بیان کنیم؛ چراکه بیان چنین برداشت هایی به معنای صدور فتوا نیست.

برای مثال، در سعی صفا و مروه، هروله تنها برای مردان قرار داده شده است. ممکن است انسان با تفکر به این نتیجه برسد که چون هروله زنان، موجب تحریک جنسی مردان می شود، ازاین رو برای آنان قرار داده نشده است. هرچند این برداشت عقلی، نمی تواند علت و ملاک حکم را روشن سازد، ولی می تواند توجیهی برای تفاوت هروله زنان و مردان باشد. بنابراین نمی توان نتیجه گرفت که اگر در سعی صفا و مروه مردی نباشد، هروله بر زنان لازم می شود.

گفتنی است برداشت های عقلی نباید به گونه ای باشد که به «تفسیر به رأی» ختم شود. که در احادیث حرام و ممنوع شمرده شده است. (۱) تفسیر به رأی آن است که انسان بدون توجه به قرائن عقلی و نقلی مطلبی را براساس رأی و گمان خود از آیات برداشت کند و به صورت قطعی به خدای متعال نسبت دهد. (۲)

۵. سخنان دانشمندان و عارفان

سخنان بزرگان دین می تواند همچون چراغی روشنگر برای ما باشد تا ما را به سر منزل مقصود رهنمون کند. بنابراین استفاده از راهنمایی آنان

۱- (۱) . ر.ک: عیون اخبار الرضا(علیه السلام)، صدوق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۹۹.

۲- (۲) . ر.ک: منطق تفسیر قرآن (درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن)، مبحث تفسیر به رأی، از نگارنده.

بر مـا لازم است. البته بایـد توجه داشت که سـخنان آنـان، در صورتی که به یکی از منابع معتبر (قرآن، سـنت، عقل و تاریـخ) مستند باشد، پذیرفتنی است. ازاین رو اگر سخن آنان براساس منابع غیرمعتبر، مثل شهود، مکاشفه یا رؤیا باشد، نمی توانیم آنها را بپذیریم و به شارع نسبت دهیم.

درباره اسـرار حج نیز لازم است از نقل مطالب سـست، خواب های فراوان و مکاشـفات بدون سـند پرهیز کنیم؛ چراکه نقل این گونه مطالب سست، موجب بدبینی افراد به مناسک حج می شود.

بنابراین لازم است اسـرار حج از منابع معتبر، و با شـیوه صحیح استخراج و استنباط گردد. به یقین در آیات و احادیث، به اندازه ای اسرار و مطالب علمی وجود دارد که ما را از نقل مطالب سست، بی نیاز سازد.

سیمای کلی آیات حج در قرآن

ص:۲۱

فضایل و سیمای سوره حج

سوره حج دارای ۷۸ آیه، ۱۲۹۱ کلمه و ۵۰۷۰ حرف است. این سوره در مدینه بر پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) نازل شده (۱) و صد و سومین سوره در ترتیب نزول است؛ یعنی بعد از سوره نور و قبل از سوره منافقون. البته در چینش کنونی قرآن، بیست و دومین سوره به شمار می آید.

تنها نام این سوره، «حج» است که در اصل به معنای «قصد و آهنگ» است. ولی در اصطلاح به یکی از عبادت های اسلامی که جزء فروع دین

ص:۲۳

۱- (۱) . التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۷. ولی برخی معتقدند که این سوره مکی است و آیات ۳۸-۴۱ که در مورد جنگ است، مدنی است و برخی دیگر معتقدند که سوره حج، مشترک بین مکه و مدینه است.

است، گفته می شود. سبب نامگذاری این سوره، آیات ۲۵ تا ۳۷ است که از ساختن کعبه و فواید و آثار حج سخن گفته، و اعلام عمومی حج را از زبان ابراهیم(علیه السلام) حکایت کرده است.

درباره فضیلت این سوره «ابی بن کعب» از پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) نقل کرده است:

من قرأ سوره الحج أعطی من الأجر کحجه حججها و عمره اعتمرها بعدد من حج و اعتمر فیما مضی و فیما بقی. (۱)

هرکس سوره حج را بخواند، ثواب کسی دارد که حج و عمره به جا آورده است و ثواب حج و عمره به عدد همه حج گزاران و عمره گزاران به او داده خواهد شد.

همچنین امام صادق(علیه السلام) فرمود:

من قرأ سوره الحج فی کل ثلاثه أیام لم تخرج سنه حتی یخرج الی بیت الله الحرام و ان مات فی سفره دخل الجنه. (۲)

هر کس در هر سه روز یک بار سوره حج را بخواند، در همان سال به سوی حج رهسپار می شود و چنانچه در سفر از دنیا برود، داخل بهشت می شود.

البته روشن است که این ثواب ها با شرایطی همچون تفکر در آیات و پیروی از آنها به افراد داده خواهد شد.

گفتنی است تنها سوره قرآن که دو سجده مستحب دارد، سوره حج است. همچنین تنها سوره ای است که به نام یکی از فروع دین، نامگذاری شده است. در ضمن از سوره هایی است که برخی مضامین آن متناسب با سوره های مکی

۱- (۱) . مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۹؛ مصباح کفعمی، ص ۴۴۲؛مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۴۵.

۲- (۲) . نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۶۹.

و برخی احکـام آن، مثـل اجـازه جنـگ، متناسب با سوره های مـدنی است. ازاین رو برخی آن را سوره مشترک مکه و مـدینه دانسته اند. (۱)

رابطه قرائت قرآن و حج

در بسیاری از احادیث، نقل شده است که اگر کسی سوره خاصی از قرآن را قرائت کند، خداوند توفیق حج یا ثواب حج را به او می دهد. قبل از بیان این گونه احادیث، توجه به چند نکته لازم است:

۱. این گونه آثـار، از روی تفضل و لطف الهی است، نه اسـتحقاق افراد؛ یعنی ممکن است خوانـدن یک سوره با ثواب حـج یا توفیق حج برابری نکند، ولی خدای متعال از روی لطف خویش این ثواب را می دهد.

۲. این گونه احادیث از باب مقتضـی است؛ یعنی بیان می کنـد که مثلاً قرائت سوره حـج در هر سه روز، زمینه و امکان حج را در آن سـال برای خواننـده سوره فراهم می کنـد. (۲) امـا ایـن مطلب علت تـامه نیست؛ یعنی ممکن است زمینه و مقتضـی حج فراهم شود، اما مانعی پیدا شود که شخص توفیق حج پیدا نکند.

۳. این گونه احادیث، اشاره به آن دارد که خواننده سوره با رعایت شرایط آن مستحق حج یا ثواب آن می شود؛ یعنی خواننده سوره باید به معانی آن سوره توجه نماید و به دسـتورهای الهی در آن سوره نیز عمل کند؛ نه اینکه فقط الفاظ را بخواند. ازاین رو در برخی احادیث، تعبیر «تلاوت» آمده است که به معنای خواندن و پیروی کردن است.

۱- (۱) . التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲- (۲) . وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۲ و ج ۱۱، ص ۱۶۱.

سوره هایی که خواندن آنها زمینه ساز حج است:

- قرائت سوره «حج» در هر سه روز:

وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَوْرَهَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله(علیه السلام) قَالَ مَنْ قَرَأَ سُورَهَ الْحَجِّ فِي كُلِّ ثَلَاثَهِ أَيَّامٍ لَمْ تَخْرُجْ سَنَتُهُ حَتَّى يَخْرُجَ إِلَى بَيْتِ الله الحَرَامِ وَ إِنْ مَاتَ فِي سَفَرِهِ أُدْخِلَ الْجَنَّهَ. (۱)

از امام صادق(علیه السلام) روایت شده است که حضرت فرمود: «هرکس سوره حج را در هر سه روز یک بار بخواند، در همان سال موفق به سفر حج می شود و چنانچه در سفر حج از دنیا برود داخل بهشت می شود».

- قرائت سوره «نبأ» در هر روز:

ومَنْ قَرأَ عَمَّ يَتَساءلون لَم تَخرُج سَنتُه إذا كَان يُدمِنُها فِي كُلِّ يومٍ حَتَّى يَزوُر بَيتَ الله الحَرامَ. (۲)

و هرکس سوره نبأ را بخواند و هر روز بر خواندن آن مداومت کند، در آن سال موفق به حج می شود.

سوره هایی که خواندن آنها ثواب حج دارد:

- خواندن سوره فلق در هر شب:

وروی عن النبی(صلی الله علیه و آله) أنه قال مَنْ قَرأَ سُورهَ الفَلَق فِي كُلِّ ليلَهٍ عِنـدَ مَنامِه، كَتبَ اللهُ لَه مِن الأجرِ كَأجر مَنْ حَجَّ وَ اعتَمَر وَ صامَ، و هِي رقيه نافِعه وَ حِرزٌ مِن كُلِّ عَين ناظرهٍ بسُوءٍ. (۳)

۱- (۱) . وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۲۵۲.

۲- (۲) . فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۲۵.

۳- (۳) . البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۸۱۴.

از پیامبر(صلی الله علیه و آله) حکایت شده است که فرمود: «هرکس سوره فلق را در هر شب، هنگام خواب بخواند، خدا برای او پاداش حج گزاران و عمره گزاران و روزه داران را ثبت می کند و این سوره موجب امان از هر چشم بد است».

- خواندن سوره حج:

وَ عَنْهُ(صلی الله علیه و آله) قَالَ مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْحَجِّ أُعْطِیَ مِنَ الْأَجْرِ کَحَجَّةٍ حَجَّهَا وَ عُمْرَةٍ اعْتَمَرَهَا بِعَدَدِ مَنْ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ فِیمَا مَضَی وَ فِیمَا بَقِیَ. (1)

از پیامبر(صلی الله علیه و آله) حکایت شده است که فرمود: «هرکس سوره حج را بخواند، به تعداد حاجیان و عمره گزاران گذشته و آینده، به او پاداش حج و عمره داده می شود».

۱- (۱) . مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۴۵.

فصل دوم: عمره

اشاره

ص:۲۹

«عُمره» در اصل به معنای «آبادانی» است و عبادتی مخصوص است که آبادانی سرزمین دل را در پی دارد. اعمال عمره عبارت اند از:

احرام (پوشیدن لباس مخصوص حج)، طواف (هفت بار گشتن به دور خانه خدا)، دو رکعت نماز طواف در پشت مکانی به نام مقام ابراهیم(علیه السلام) در مسجدالحرام، سعی بین دو کوه صفا و مروه (هفت بار طی کردن فاصله آن دو)، کوتاه کردن کمی از مو یا ناخن که حج گزار با این عمل از احرام خارج می شود.

احکام عمره

وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَهَ لِلّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتّى يَبْلُغَ الْهَدْىُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ بِهِ أَذىً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَهٌ مِنْ صِيامٍ أَوْ صَدَقَهٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَهِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ ثَلاثَهِ أَيّامٍ فِى الْحَجِّ وَ سَبْعَهٍ إِذا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَهٌ كامِلَهٌ ذلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حاضِرِى الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ اتَّقُوا اللّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ . (بقره: ۱۹۶)

ص:۳۱

و حـج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید و اگر بازداشـته شدید، پس آنچه از قربانی فراهم شود [قربانی کنید] و سـرهایتان را مَتراشـید، تا قربانی به محلش برسد و هرکس از شما بیمار بود و یا برایش ناراحتی از ناحیه سرش برسد [و ناچار شود در احرام سر بتراشد] پس تاوانی از [قبیل] روزه یا بخششی صادقانه یا قربانی [بدهد]. و هنگامی که ایمنی یافتید، پس هرکس با عمره از حـج بهره منـد شود [و حـج تمتّع نماید] پس آنچه از قربانی برای او فراهم شود [قربانی کند] و هرکس نیافت، پس سه روز در [مـوسم] حـج و هفت روز هنگـامی که بازگشتیـد، روزه بـدارد. این، ده روز کامـل است. این حـج تمتّع برای کسـی است که خانواده اش ساکن [اطراف] مسجدالحرام نباشد و خودتان را از [عذاب]خدا نگه دارید و بدانید که خدا، سخت کیفر است.

نکته ها و اشاره ها

۱. تمام اعمال حج و عمره باید خالصانه برای خدا انجام گیرد و ریا در آن نباشد.

۲. اگر کسـی لباس احرام پوشـید و برای حـج یا عمره آماده شـد، بایـد آن را به پایان برسانـد و نمی توانـد رهایش کند و اگر مانعی ماننـد بیماری یا ترس از دشـمن پیش آمـد، به انـدازه توانایی خویش، قربانی دهد؛ یعنی حیوانی مثل گوسـفند را در راه خدا قربانی کند و از احرام خارج شود.

آیات مرتبط با عمره

غیر از آیه ۱۹۶ بقره که بیان شد، سه دسته دیگر از آیات وجود دارد:

دسته اول: آیات مربوط به احرام و محرمات آن (مائده : ۲؛ بقره : ۱۹۷)؛

ص:۳۲

دسته دوم: آیه مربوط به طواف (حج : ۳۰)؛

دسته سوم: آیات مربوط به سعی بین صفا و مروه (بقره : ۱۵۸).

عمره شامل احرام، طواف و سعی می شود. پس لازم است آیات فوق در ذیل مبحث عمره بررسی گردد. اما از آنجا که این آیات با آیات حج، مشترک است، آنها را در فصل بعد بررسی می کنیم.

ص:۳۳

فصل سوم: حج

اشاره

ص:۳۵

حج از عبادات پراهمیت، و شیوه ای تربیتی است که در قرآن به وجوب، اهداف، فواید، اقسام و زمان آن اشاره شده است. حج شامل اعمال متعدد است که بیشتر آنها در قرآن آمده است. برخی موارد نیز در سنت پیامبر(صلی الله علیه و آله) بیان شده است که ما در اینجا موضوعات و اعمال حج را به ترتیب از قرآن استخراج و با تفسیر آن ارائه می کنیم.

شرط استطاعت در وجوب حج

(فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِیمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً وَ لِلّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ). (آل عمران: ۹۷)

در آن، نشانه های روشن [از جمله] مقام ابراهیم است و هرکس در آن داخل شود، در امان خواهد بود و برای خدا، بر [عهده] مردم است که آهنگ [حج] خانه [او] کنند؛ [البته هر] کسی که بتواند به سوی آن راهی بیابد و هرکس کفر ورزد، [و حج را ترک کند] پس در حقیقت خدا از جهانیان بی نیاز است.

ص:۳۷

نکته ها و اشاره ها

۱. واژه «حج» به معنای قصد است و در اصطلاح به معنای قصد زیارت کعبه و انجام دادن اعمال مربوط به آن است.

۲. حج بر هر انسانی که توانایی لازم را داشته باشد، در طول عمر، فقط یک بار واجب می شود. (۱)

از تعبیر «بر مردم» استفاده می شود که وجوب حج، مخصوص مسلمانان نیست. بلکه همه مردم، حتی کافران موظف به انجام دادن حج می باشند؛ (۲) گرچه شرط صحیح بودن حج این است که نخست اسلام را بپذیرند.

۳. «استطاعت» (توانایی برای انجام دادن حج)، شرط وجوب حج است که در روایات اسلامی و کتاب های فقهی، به معنای داشتن توشه سفر و مرکب سواری، توانایی جسمی، باز بودن راه مسافرت به مکه و توانایی بر اداره زندگی به هنگام بازگشت از حج، تفسیر شده است. (۳) البته همه این امور از واژه استطاعت استفاده می شود.

۴. واژه «کفر» در اصل به معنای پوشانیدن است و از نظر اصطلاح دینی، معنای وسیعی دارد و هرگونه مخالفت با حق، چه در اصول و چه در فروع دین را شامل می شود؛ هرچند بیشتر در مورد مخالفت با اصول به کار می رود.

در واقع، کفر و فاصله گرفتن از حق، دارای مراحل و درجاتی است که هرکدام برای خود احکامی دارد؛ گاهی کفر نظری و اعتقادی است که

۱- (۱) . این مطلب از اطلاق آیه به دست می آید.

۲- (۲) . این مطلب یکی از مصادیق این قاعده معروف است: «الکفار مکلّفون بالفروع کما انّهم مکلّفون بالاصول»؛ «کافران همان گونه که به اصول دین موظف اند، به انجام دادن فروع نیز مکلف اند».

۳- (۳) . ر.ک: مناسک حج امام خمینی و تحریر الوسیله «مبحث حج».

همان مخالفت با اصول دین است و گاهی کفر عملی است که همان مخالفت با فروع و احکام دین است. به همین مناسبت در آیه مذکور، در مورد «ترک حج»، واژه «کفر» به کار رفته است. امام صادق(علیه السلام) نیز واژه کفر را در اینجا، به معنای «ترک» تفسیر کرده اند. (۱)

۵. به کار بردن تعبیر «کفر» در آیه، بیانگر اهمیت بسیار عمل حج است. در روایتی، پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به علی(علیه السلام) فرمود:

یا عَلیُّ تَارِکَ الحَجِّ وَهُوَ مُستَطیعٌ، کافِرٌ یقُولُ اللهُ تَبارَکَ و تَعالی (وَ لِلّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ)

،یا عَلیُّ مَنْ سَوَّفَ الحَجَّ حَتّی یمُوتَ، بَعَثَهُ اللهُ یومَ القیامَهِ یهُودِیّاً او نَصرانیّاً. (۲)

ای علی! کسی که حج را با آنکه توانایی دارد، ترک کند، کافر به شمار می آید،... ای علی! کسی که حج را به تأخیر اندازد تا از دنیا برود، خدا او را در قیامت یهودی یا مسیحی محشور می کند.

تو ز پیوند حریمی زنده ای تا طواف او کنی پاینده ای

۶. فایده انجام دادن دستورهای الهی، به خود انسان برمی گردد؛ وگرنه خدا به کسی نیاز ندارد و غنی مطلق است. (۳)

۷. تعبیر (آیاتٍ بَیِّناتٍ) ؛ «نشانه های روشن»، اشاره به این دارد که مکه و کعبه، بیانگر قدرت و نشانه های الهی است و تاریخ آن پر از خاطرات و سرگذشت های درس آموز است.

ص:۳۹

۱- (۱) . تهذیب، ج ۵، ص۱۸؛ البرهان، ج ۱، ص ۶۶۳.
۲- (۲) . من لایحضره الفقیه، صدوق، ج ۴، ص ۳۶۸؛ مکارم الاخلاق، ص ۴۴۱؛وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱؛تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۹.
۳- (۳) . تفسیر نور، ج ۲، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.

آثاری از پیامبران بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام) در آنجا باقی مانده است؛ مانند زمزم، صفا، مروه، حجرالاسود، حجر اسماعیل (۱) و مقام ابراهیم که هرکدام تاریخ مجسمی از گذشته است.

همچنین، یکی از نشانه های روشن الهی بقای کعبه در طول تاریخ مقابل دشمنانی نیرومند، همچون فیل سواران ابرهه است.

۸. مقام ابراهیم، محل ایستادن ابراهیم(علیه السلام) بوده است. (۲) او برای بنای کعبه، یا برای انجام دادن مراسم حج یا برای دعوت عمومی مردم به حج در آنجا می ایستاد. این مکان از مهم ترین نشانه های روشن سرزمین مکه است که خاطرات بی نظیری از فداکاری، اخلاص و اجتماع را زنده می کند.

۹. ابراهیم(علیه السلام) پس از بنا نهادن خانه کعبه، امنیت شهر مکه را از خدا درخواست کرد (۳) و خدا دعای ابراهیم را اجابت کرد و این شهر را مرکز امن قرار داد که مایه آرامش روح و امنیت اجتماع مردمی است که به آن شهر سفر می کنند و از آن الهام می گیرند. از نظر قوانین اسلامی هم، امنیت مکه آن چنان محترم شمرده شده که هرگونه جنگ و مبارزه در آن ممنوع است. حتی حیوانات وحشی در این سرزمین از هر نظر در امان

۱- (۱) .حجر اسماعیل، محل خاصی است که به صورت یک قوس در ضلع شمال غربی کعبه ساخته شده است و مثل جزئی از کعبه، داخل محدوده طواف قرار می گیرد.
۲- (۲) . برخی مفسران احتمال داده اند مقصود از مقام ابراهیم، تمام حرم مکه یا تمام مواقف حج باشد. اما در روایتی از امام صادق(علیه السلام) حکایت شده که محل ایستادن ابراهیم(علیه السلام) بوده است؛ ر.ک: بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۱.
۳- (۳) . رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً (بقره: ۱۲۶)

هستند و نباید کسی مزاحم آنها شود و اگر قاتلی به آنجا فرار کند، نباید متعرض او شد و برای جلوگیری از سوء استفاده جانیان، فقط می توان از نظر آب و غذا آنها را در مضیقه قرار داد تا مجبور شوند آنجا را ترک کنند. این از امتیازات اسلام است که یک منطقه از کره زمین را منطقه امن قرار داده است تا محل فریاد همه مظلومان تاریخ و هم چون بهشت زمین باشد.

بهشت آنجاست که آزاری نباشد کسی را با کسی کاری نباشد

آموزه ها و پیام ها

۱. با سفر به مکه، نشانه های الهی را در آنجا ببینید.

۲. به آثار باستانی که نشانه های الهی و یادگار پیامبران الهی است، اهمیت دهید.

۳. حرمت مکه را پاس دارید و امنیت آنجا را [برای انسان و حیوان] حفظ کنید.

۴. ترک حج، نوعی کفر است.

۵. سود حج به شما می رسد؛ نه به خدای توانگر بی نیاز.

فراخوان جهانیان به حج

وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ (حج: ۲۷)

و حج را به مردم اعلام کن تا به سوی تو آیند؛ درحالی که پیاده و [سوار] بر هر مرکب لاغری هستند که از هر درّه ژرف [و راه دور] می آیند.

ص:۴۱

نکته ها و اشاره ها

۱. برخی مفسران حکایت کرده اند، هنگامی که به ابراهیم دستور داده شد حج را به مردم اعلام کند، او گفت: «خداوندا صدای من به جهانیان نمی رسد». ولی خدا فرمود: «تو اعلام کن. رساندن آن به عهده من است». (۱)

۲. هنگامی که به ابراهیم(علیه السلام) دستور داده شد حج را به مردم اعلام کند، او بر محل «مَقام» (۲) درمسجدالحرام رفت و رو به سوی شرق و غرب جهان کرد و صدا زد: «ای مردم! حج خانه خدا بر شما نوشته شده است. پس دعوت پروردگارتان را اجابت کنید».

خدا نیز صدای او را به گوش جهانیان و حتی نسل های بعدی رساند و مردم همه ساله به ندای او پاسخ مثبت می دهند و لبیک گویان به طرف مکه می روند. (۳)

بنابراین تمام کسانی که به حج می روند، در حقیقت دعوت رب جلیل و فراخوان ابراهیم خلیل را لبیک می گویند.

۳. «فجٍّ عمیقٍ» به معنای «فاصله میان دو کوه و درّه ژرف» و در اینجا به معنای «جاده های وسیع و دور» است؛ یعنی مردم برای برگزاری حج، راه های طولانی و دره ها را می پیمایند.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۶۹.
۲- (۲) . مقام ابراهیم، سنگی کوچک است که کنار کعبه قرار دارد و در عصر ما در محفظه ای شیشه ای نگهداری می شود.
۳- (۳) . عوالی اللآلی، ابن ابی جمهور احسائی، ج ۴، ص ۳۵؛ بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۶و ج ۹۶، ص۱۸۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۸۸؛ روح المعانی و تفسیر کبیر، ذیل آیه.

۴. آیه، نخست حاجیان پیاده و سپس حاجیان سواره را ذکر می کند؛ چراکه رنج سفر برای پیادگان بیشتر، و فضیلت آنها زیادتر است. پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) فرمود: «هرکس پیاده به حج رود، در هر گام، هفتصد حَسَنه (نیکی) برای اوست؛ درحالی که اگر کسی سواره به حج رود، هر گام هفتاد حَسَنه دارد». (۱)

۵. «ضامر» یعنی حیوان لاغری که حاجی برای سواری، از آن استفاده می کند تا به حج رود. این تعبیر اشاره دارد که راه طولانی حج و بیابان های خشک آن، حیوانات حاجیان را لاغر می کند؛ یعنی این راهی مشکل است و مرکب های نیرومند می خواهد.

۶. هدف از حج، لبیک گفتن به دعوت حق و نفی شرک است.امام خمینی(رحمه الله) در این مورد می فرماید:

لبیک های شما، جواب دعوت حق تعالی می باشد و خود را محرم برای وصول به آستانه محضر حق تعالی نمایید و لبیک گویان برای حق، نفی شریک به همه مراتب کنید و از «خود» که منشأ بزرگ شرک است، به سوی او «جلّ و اعلی» هجرت نمایید. (۲)

آموزه ها و پیام ها

۱. به دعوت جلیل و خلیل لبیک گویید و از هر مکانی، آهنگ حج کنید.

۲. حج، مراسمی الهی است که لازم است درباره آن تبلیغ شود.

ص:۴۳

۱- (۱) . عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۸۶؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۲۹؛ تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۲۰؛ الدرالمنثور، ج ۴، ص۳۵۵.
۲- (۲) . صحیفه نور، ج ۱۹، صص ۱۸، ۴۲ و ۴۴.

فواید و اهداف حج

لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللّهِ فِي أَيّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلى ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَهِ الْأَنْعامِ فَكُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِيرَ (حج: ٢٨)

تا [در حج] شاهد سودهایشان باشند و در روزهای معیّنی نام خدا را [به خاطر نعمت ها و به هنگام قربانی] بر دام های زبان بسته، که به آنان روزی داده است، ببرند. پس از [گوشت] آنها بخورید و [نیز] به سختی کشیده نیازمند، بخورانید.

نکته ها و اشاره ها

١. حج برای مسلمانان فواید فراوانی دارد که شامل تمام برکات معنوی، مادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی می شود. (١) در احادیث اهل بیت(علیهم السلام) هم به این مطلب اشاره شده است که این آیه منافع دنیا و آخرت را شامل می شود. (٢)

٢. مراسم حج دارای ابعاد و فواید متعددی است:

الف) فواید معنوی: این عمل موجب سازندگی اخلاقی و روحی است؛ چراکه لحظه لحظه حج ارتباط با خدا، مراقبت از خویشتن و تمرین اطاعت از خداست.

ب) فواید سیاسی: اجتماع میلیونی مسلمانان از همه کشورها و با یک لباس و در مراسمی هماهنگ، عظمت اسلام و مسلمانان را به نمایش می گذارد و دشمنان را به هراس می اندازد و می تواند عامل مؤثری در وحدت مسلمانان و پیشرفت اهداف سیاسی اسلام باشد.

١- (١) . تفسیر نمونه، ج ١۴، ص ٧٢.

٢- (٢) . کافی، ج ۴، ص ۴٢٢؛ تفسیر نور الثقلین، ج ٣، ص ۴٨٨؛ وسائل الشیعه، ج ١٣، ص ٣٩١.

ج) فواید فرهنگی: تمام نژادها کنار همدیگر قرار می گیرند و کنگره عظیم فرهنگی تشکیل می گردد.

د) فواید اقتصادی: مسلمانان می توانند بعد از مراسم حج، به تجارت بپردازند و حتی بازار مشترک اسلامی را در مکه بنا نهند. همچنین در مراسم حج، صدها هزار حیوان قربانی می شود که می توان برای تغذیه مسلمانان فقیر از آنها استفاده کرد.

۳. امام علی(علیه السلام) فرمود: «حج، تقویت دین [اسلام] است». (۱) همچنین حضرت فرمود: «حج، جهاد افراد ناتوان است». (۲)

روایات، شناخت آثار پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اخبار او، تجارت و شناخت مسلمانان از همدیگر را از آثار حج دانسته است. (۳)

امام صادق(علیه السلام) فرمود: «مادامی که کعبه برپاست، اسلام هم برپاست». (۴)

امام علی(علیه السلام) نیز فرمود: «خدا را خدا را درباره خانه خدا، تا هستید آن را خالی مگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمی شوید». (۵)

۴. در این آیه، به مراسم قربانی حج اشاره شده است. البته ما در مباحث بعدی، ذیل مبحث قربانی نکات این آیه را ذکر خواهیم کرد.

۵. مقصود از «ایام معلومات» یا روزهای معیّنی است که نام خدا در آنها

ص:۴۵

۱- (۱) . نهج البلاغه، کلمه قصار ۲۵۲.

۲- (۲) . نهج البلاغه، کلمه قصار ۱۳۶؛ خصال، ج ۲، ص ۶۲۰.

۳- (۳) . ر.ک: علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۵؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۴ و ج ۲۷، ص ۹۷.

۴- (۴) . کافی، ج ۴، ص ۲۷۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۳؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۶.

۵- (۵) . نهج البلاغه، نامه ۴۷؛ کافی، ج ۷، ص ۵۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۹؛ بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۴۸.

برده می شود یا همان ده روز آغازین ذی الحجه یا روزهای یازدهم تا سیزدهم ذی الحجه است؛ هرچند احتمال اول با ظاهر آیه سازگارتر است. (۱)

آموزه ها و پیام ها

۱. با سفر به مکه، به اهداف و منافع حج توجه کنید.

۲. در ایام حج از یاد خدا غافل نشوید.

۳. از گوشت های قربانی خودتان استفاده کنید و به فقیران نیز بدهید.

اقسام حج (تمتع، قِران و افراد)

وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتّى يَبْلُغَ الْهَدْىُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ بِهِ أَذىً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ ثَلاثَةِ أَيّامٍ فِى الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كامِلَةٌ ذلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حاضِرِى الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ اتَّقُوا اللّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ (بقره: ۱۹۶)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید و اگر بازداشته شدید، پس آنچه از قربانی فراهم شود [قربانی کنید]؛ و سرهایتان را مَتراشید، تا قربانی به محلش برسد و هرکس از شما بیمار بود و یا برایش ناراحتی از ناحیه سرش برسد [و ناچار شود در احرام سر بتراشد]، پس تاوانی از [قبیل] روزه یا بخششی صادقانه یا قربانی [بدهد] و هنگامی که ایمنی یافتید، پس هرکس با عمره از حج بهره مند شود [و

ص:۴۶

۱- (۱) . آیه ۲۰۳ سوره بقره مشابه این آیه است: وَ اذْكُرُوا اللّهَ فِى أَيّامٍ مَعْدُوداتٍ . ولی برخی مفسران این دو آیه را اشاره به دو مطلب می دانند؛ ر.ك: تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۷۳ و ۷۴.

حج تمتّع نمایـد] پس آنچه از قربـانی برای او فراهم شود [قربـانی کنـد] و هرکه نیـافت، پس سه روز در [موسم] حـج و هفت [روز] هنگـامی که بـازگشت، روزه بـدارد. این، ده [روز] کامل است. این [حـج تمتّع] برای کسـی است که خانواده اش ساکن [اطراف] مسجدالحرام نباشد و خودتان را از [عذاب] خدا نگه دارید و بدانید که خدا، سخت کیفر است.

نکته ها و اشاره ها (۱)

۱. حج دارای اقسامی است: تَمتُّع، قِران و افراد.

حـج قِران و افراد بر کسانی واجب است که اطراف مسـجدالحرام زنـدگی می کننـد. ولی حـج تَمتُّع بر کسانی واجب است که حداقل ۴۸ میل (حدود ۸۶ کیلومتر) دورتر از مسـجدالحرام هسـتند. حـج تَمتُّع شامـل یک عمره و مراسم حـج است و طبق آیه مـذکور، یک عبادت اسـلامی محسوب می شود که در زمان پیامبر(صـلی الله علیه و آله) انجام می گرفته است و هم اکنون نیز بسـیاری از مسـلمانان، همه ساله آن را به جا می آورنـد. در این زمینه روایات زیادی از شـیعه و اهل سـنت نقل شده است؛ (۲) هرچند خلیفه دوم (عمر) آن را ممنوع ساخت و برخی افراد از او پیروی کردند. (۳)

۲. حج از عبادات مهم اسلامی است که آن را قهرمان توحید،

ص:۴۷

۱- (۱) . برخی از نکات مربوط به آیه، در مبحث عمره اشاره شد.

۲- (۲) . ر.ک: تفاسیر قرآن، از جمله البرهان، ج ۱، ص ۴۱۳ به بعد؛ نورالثقلین، ذیل آیه؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۷ ؛ پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۸۰؛تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۸ و کتاب های فقهی، از جمله تحریرالوسیله، مبحث حج.

۳- (۳) . ر.ک: منهـج الصـادقین، ج ۱، ص ۴۴۴ به بعد. نویسـنده در تفسـیر خود، فتاوای مذاهب مشـهور اهل سـنت را درباره جزئیات حج آورده است.

حضرت ابراهیم(علیه السلام)، بعد از بنای خانه خدا اعلام کرد و مردم جهان را برای طواف، به این مکان مقدس دعوت نمود.

حج همان عبادتی است که امیرمؤمنان علی(علیه السلام) آن را پرچم و شعار مهم اسلام می نامد و در وصیت خویش می فرماید: «خدا را خدا را درباره خانه خدا، تا هستید آن را خالی مگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمی شوید». (۱)

به سبب همین اهمیت است که در پایان آیه، تأکید شده است که تقوا پیشه کنید و درباره حج کوتاهی نکنید و از عقاب شدید پروردگار بترسید.

۳. هر یک از مراسم حج، زنده کننده خاطره ای تاریخی و کنایه و اشاره ای به مسائل اخلاقی و اجتماعی است که در آیات بعد و نیز در سوره حج به آنها اشاره خواهیم کرد.

۴. یکی از اعمال حج تراشیدن موی سر است که باید قبل از کشتن قربانی انجام گیرد؛ مگر آنکه برای شخصی، مانعی مثل بیماری پیش آید که در این صورت پیش از موقع، سرخود را می تراشد.

۵. برای تراشیدن سر قبل از موقع، لازم است کفاره بدهد. این کفاره می تواند سه روز روزه یا غذا دادن به شش فقیر و یا کشتن گوسفندی باشد.

۶. کسی که مانعش، بیماری یا ترس از دشمن است، پس از بهبودی یا برطرف شدن ترس، برای به جا آوردن حج تمتع، باید به اندازه توانایی اش، شتر، گاو یا گوسفند قربانی کند و اگر قربانی پیدا نشد یا توان مالی مناسب نداشت، سه روز در ایام حج (روز هفتم، هشتم و نهم ذی الحجه) و هفت روز پس از بازگشت از حج، یعنی ده روز کامل، روزه بدارد.

۱- (۱) . ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۷. برنامه حج تمتع برای کسانی است که از نزدیکان به مسجدالحرام نباشند؛ یعنی باید حداقل ۴۸ میل تا مکه فاصله داشته باشند. (۱)

۸. از این آیه و آیات مشابه آن متوجه می شویم که جزئیات احکام و قوانین حج بسیار مهم است؛ به طوری که خدای متعال، آنها را توضیح داده و موارد استثنا و وظایف حاجیان را مشخص ساخته و بقیه جزئیات نیز در احادیث بیان شده است. در واقع همین احکام جزئی در شکل گیری حج ابراهیمی و تکامل معنوی حاجیان بسیار مؤثر است؛ هرچند ما فلسفه و علت برخی از آنها را به طور کامل متوجه نشویم.

زمان حج

ماه های مخصوص حج

اَلْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُوماتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِى الْحَجِّ وَ ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللّهُ وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزّادِ التَّقْوى وَ اتَّقُونِ يا أُولِى الْأَلْبابِ (بقره: ۱۹۷)

حج در ماه های معیّنی است و هرکس که در این [ماه]ها حج را [بر خود] واجب گرداند، پس در [هنگام] حج، هیچ هم بستری با زنان و نافرمانی و ستیزه روا نیست و هر آنچه از [کارهای] نیک انجام دهید، خدا آن را می داند و توشه برگیرید و در حقیقت، بهترین توشه، خودنگه داری است. پس ای خردمندان! خودتان را از عذاب من نگه دارید.

۱- (۱) . جزئیات احکامی که در قرآن نیامده است و ما به آنها اشاره کردیم، در احادیث پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیهم السلام)آمده است؛ ر.ک: تفسیر صافی، ج ۱، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

شأن نزول

برخی مفسـران نوشـته انـد که در آن عصـر، گروهی از مردم «یمن» برای زیارت خانه خـدا به راه می افتادند و هیچ گونه زاد و توشه ای برنمی داشتند و منطقشان این بود که ما چون به زیارت خانه خدا می رویم، ممکن نیست که او به ما غذا ندهد.

قرآن در این قسـمت از آیه به آنان دسـتور می دهـد که برای سـفر حج، زاد و توشه تهیه کنید و غذا با خویش بردارید؛ چراکه خدا غذای همه را از طریق وسایل عادی در اختیار آنها می گذارد. (۱)

نکته ها و اشاره ها

۱. مقـدمات و برخی اعمـال حـج، ماننـد عمره را می توان قبـل از ذی الحجه به جـا آورد. ولی اعمال دیگر بایـد در ذی الحجه انجام شوند.

۲. باید لذت های جنسی، گناه و بحث و جدل (۲) را در حج کنار گذاشت. در واقع، حج، برای عبادت، خلوص و ترک لذت های مادی است تا روح انسان از آن نیرو بگیرد و با فاصله گرفتن از جهان مادّه، به حقایق دست یابد.

۳. «تقوا» توشه ای ضـروری برای این سفر است؛ یعنی حج گزار افزون بر توشه مادی، به توشه معنوی هم که همان پرهیزکاری است، نیاز دارد و باید خودش آن را تهیه کند.

۱- (۱) . اسباب النزول، واحدی نیشابوری، ص ۳۳؛ لباب النقول، سیوطی، ص ۳۵.

۲- (۲) . واژه «جـدال» در اصـل به معنـای «محکم کردن ریسـمان» است. البته این واژه به معنای «زمین زدن دیگران» نیز آمـده است. در اینجا نیز مقصود «بحث و ستیز» است.

در واقع، هر سفری، توشه مناسب خود را می طلبد. سفر پرفراز و نشیب زندگی انسان نیز نیازمند بهترین توشه است که آن توشه جز پرهیزکاری نیست.

۴. به یقین، سفر حج، زمینه مناسبی برای تهیه توشه معنوی است؛ چرا که در آنجا جلوه های ویژه ای از پروردگار دیده می شود که در هیچ جای دیگر نیست. بنابراین کسانی که روحی بیدار و اندیشه ای زنده دارند، می توانند توشه معنوی عمر خویش را از این سفر روحانی فراهم سازند.

۵. خردمندان کسانی اند که سرمایه های وجودی خود را به بهای اندک نمی فروشند و فرصت ها را غنیمت می شمارند. ازاین رو، خردمندان باید فرصت حج را غنیمت بشمارند و تقوا پیشه سازند و خود را از عذاب الهی حفظ کنند.

امام خمینی(رحمه الله) درباره عظمت این سفر معنوی فرمود:

سفر حج، سفر تحصیل دنیا نیست. سفر الی اللّه است. شما دارید به طرف خانه خدا می روید. شما اموری که دارید انجام می دهید، به طور الوهیت باید انجام بدهید. ... باید همان طوری که مسافرین الی اللّه مثل انبیا(علیهم السلام) و بزرگان دین ما مسافرتشان الی اللّه در تمام زمان حیاتشان بوده است و یک قدم تخلف نمی کردند از آن چیزی که برنامه وصول الی اللّه بوده است، شما هم الآن وفود الی اللّه (سفر به سوی خدا) دارید می روید؛ شما در آنجا می روید، در میقات که می روید، لبیک به خدا می گویید؛ یعنی تو دعوت

کردی و ما اجابت. مبادا یک عملی انجام دهید که خدای تبارک و تعالی بفرماید که خیر، شما را من قبول ندارم. برای اینکه شما اسلامی نیستید... . (۱)

آموزه ها و پیام ها

۱. خدا برای حج زمان معیّنی قرار داده است. او زندگی و عبادت شما را هم منظم و زمان بندی شده می خواهد.

۲. حج جای خلافکاری، ستیزه جویی و لذت های مادی نیست.

۳. حج جای تمرین نیکوکاری و پارسایی است.

۴. تقواپیشگی بهترین گزینه زندگی خردمندان است.

گاه شمار طبیعی حج

یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْأَهِلَّهِ قُلْ هِیَ مَواقِیتُ لِلنّاسِ وَ الْحَجِّ وَ لَیْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقی وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (بقره: ۱۸۹)

درباره هلال های ماه از تو می پرسند؛ بگو: «آنها، گاه شماری برای مردم و حج است» و نیکی، آن نیست که از پشتِ خانه ها وارد شوید. بلکه نیکی [و نیکوکار] کسی است که [خود را] حفظ کند و به خانه ها، از درهایشان وارد شوید و خودتان را از [عذاب] خدا نگه دارید؛ باشد که شما رستگار گردید.

شأن نزول

حکایت شده است که برخی از مردم از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) پرسیدند: «این

۱- (۱) . صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۳۸.

هلال ماه چیست و چرا ماه تدریجی به صورت کامل درمی آید و باز به حالت اول برمی گردد». در پی این پرسش ها، قسمت اول این آیه نازل شد و اعلام کرد که حالات مختلف ماه، فواید گوناگون مادی و معنوی در نظام زندگی انسان دارد و برای بیان اوقات و تعیین وقت حج و امثال آنها به کار می آید.

اما در مورد قسمت دوم آیه، داستان دیگری حکایت شده است؛ بدین صورت که یکی از عادات خرافی عرب جاهلی این بود که وقتی برای حج، لباس احرام به تن می کردند، از راه معمولی و در خانه وارد نمی شدند؛ چون معتقد بودند شخصی که لباس احرام پوشیده است، نباید از در خانه وارد شود. ازاین رو از پشت خانه راهی می گشودند و از آن وارد می شدند و این کار را نیک می پنداشتند.

بدین مناسبت قسمت دوم آیه نازل شد و بیان کرد که نیکی در وارد شدن از پشت خانه یا عادات و رسوم خرافی نیست. بلکه نیکی در تقواست. آن گاه خداوند به آنان دستور می دهد که از همان راه عادی، وارد خانه ها شوید. (۱)

نکته ها و اشاره ها

۱. بدیهی است که زندگی اجتماعی بشر و برگزاری مراسم های دینی، بدون تقویم و تعیین تاریخ ممکن نیست. این آیه به این حقیقت اشاره دارد که گردش ماه به دور زمین و هلال های آن، تقویم طبیعی برای استفاده تمام انسان هاست.

۱- (۱) . مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۸۳؛ اسباب النزول، ص ۳۰.

۲. بهترین تقویم ها، همان تقویم طبیعی است که در اختیار همه است. یکی از امتیازات قانون های اسلام این است که دستورهای آن بیشتر براساس مقیاس های طبیعی مثل حرکت ماه و خورشید، بنا گذارده شده است.

۳. جمله «از در خانه ها وارد شوید»، معنای وسیعی نیز دارد که انسان باید در هر کاری، اعم از اعمال مذهبی و غیرمذهبی، از طریق صحیح وارد شود. همین معنا از قول امام باقر(علیه السلام) نیز نقل شده است. (۱)

۴. در روایات اهل بیت(علیهم السلام) می خوانیم:

ما خانه ها و درهای خداوندیم. هرکس پیرو ما باشد و اقرار به ولایت ما کند، از در خانه وارد شده، و هرکس از ولایت ما جدا شود و مخالفت کند و دیگران را برتری دهد، از پشت خانه آمده است.

بنابراین باید انسان در تمام مسائل مذهبی خویش از راه اصلی وارد شود و معارف خود را از اهل بیت(علیهم السلام) که پرورش یافتگان مکتب وحی اند، بگیرد. شاید این گونه روایات به باطن قرآن اشاره دارد. (۲)

۵. رسیدن به رستگاری دو شرط اساسی دارد:

الف) راه شناسی، یعنی وارد شدن به هر کاری از طریق صحیح آن؛

ب) خودنگه داری و پرهیز از لغزش و کژروی.

آموزه ها و پیام ها

۱. برای تنظیم مسائل زندگی و عبادی، به تقویم طبیعت روی آورید.

۱- (۱) . عن الباقر(علیه السلام): «یعنی أن یأتی الأمرَ من وجهه، ای الامور کان». رک: تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۲۷.
۲- (۲) . یعنی از شأن نزول این قسمت از آیه، الغای خصوصیت می شود تا یک قاعده کلی به دست آید که شامل هر واقعه مشابه در هر زمان و مکان بشود.

۲. نیکی در پارسایی است، نه کژروی.

۳. برای انجام دادن هر کاری، از راهش وارد شوید.

۴. اگر می خواهید رستگار شوید، راه صحیح را انتخاب، و خودتان را از لغزش ها حفظ کنید.

۵. رهبران و مبلغان دینی باید برای پاسخگویی به پرسش های جهان شناسانه مردم آماده باشند.

حج در ماه های حرام

جَعَلَ اللّهُ الْکَعْبَهَ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ الْهَدْیَ وَ الْقَلائِدَ ذلِکَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ یَعْلَمُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ أَنَّ اللّهَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ (مائده: ۹۷)

خدا کعبه، خانه محترم، و ماه حرام و قربانی های بی نشان و قربانی های نشاندار را، [وسیله] به پاداشتن [مصلحت ها] برای مردم قرار داد. این [امور] به خاطر آن است که بدانید در واقع خدا، آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، می داند و بدانید خدا بر هر چیزی داناست.

نکته ها و اشاره ها

۱. ماه های حرام عبارت اند از: «رجب، ذی القعده، ذی الحجه و محرم». در این چهار ماه، جنگ و خونریزی ممنوع است؛ یعنی مسلمانان و جهانیان باید در این چهار ماه امنیت داشته باشند تا بیندیشند و با همدیگر ارتباط برقرار کنند و اختلافات را برطرف، و جامعه اسلامی و انسانی را پایدار سازند.

۲. کعبـه (۱) تـاریخچه ای بسـیار طولانـی و پرحـادثه دارد. ایـن خـانه قـدیمی ترین مرکز توحیـد و پرسـتش خـداست. (۲)طبق احـادیث اسـلامی، ویران کردن کعبه در ردیف کشـتن پیـامبر و امام، نگاه کردن به آن، عبادت و طواف بر گرد آن، از بهترین اعمال است. (۳)

۳. اهمیت کعبه و قیـام برای آن، به خاطر ساختمان آن نیست. بلکه برای آن است که باسـتانی ترین مرکز توحیـد و محل توجه ملت هـاست. این خـانه مقـدس، رمز وحـدت مردم و مرکزی برای اجتمـاع دل ها و کنگره ای عظیم برای اسـتحکام پیونـدهای گوناگون است و در پرتو این خانه مقدس، مردم می توانند به نابسامانی های زندگی خویش سامان بخشـند و سـعادت جاودانه خود را بر پایه آن استوار سازند و از این روست که کعبه، مایه قوام مردم است.

۴. قوام و انتظام جامعه به چند چیز است:

الف) مرکزیت معنوی؛

ب) قدرت اجتماعی؛

ج) امنیت؛

د) تأمین اقتصادی.

۱- (۱) . واژه «کعبه» در اصـل از مـاده «کَعْب»، به معنـای برآمـدگی پشت پاست. سـپس به هر نوع بلنـدی و برآمـدگی، کعب گفته شـده است. به مکعب نیز، چون در چهار ضـلع آن برآمـدگی وجود دارد، مکعب می گویند.این واژه، هم اشاره به بلندی ظاهری خانه خداست و هم رمزی از عظمت و بلندی مقام آن است؛ ر.ك: تفسیر نمونه، ج۵، ص ۹۲.

۲- (۲) . آل عمران: ۹۶.

۳- (۳) . ر.ك: بحارالانوار، ج ۹۶، صص ۵۷ و ۳۴۶.

در کعبه همه این امور جمع است؛ زیرا هم قبله دل هاست، هم سـمبل عزّت و قدرت مسـلمانان است، هم قتل و غارت در آنجا ممنوع است و هم درآمد اقتصادی آن، همچون قربانی ها، وسیله سامان دهی اقتصاد مسلمانان است.

۵. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «به کعبه، بیت الله الحرام گویند؛ چراکه ورود کافران [در آن] حرام است». (۱)

آموزه ها و پیام ها

۱. کعبه برای همه مردم جهان مفید و مایه پایداری و قیام آنهاست.

۲. از امنیت و حرمت کعبه، و از قربانی ها و ماه های حرام، برای پایداری جامعه استفاده کنید.

۳. با مطالعه در قوانین اسلامی، به علم بی کران الهی پی ببرید.

اعمال حج

خلاصه ای از اعمال حج

اشاره

«حج» در اصل به معنای «قصد کردن برای زیارت» است و در اسـلام، به عبادت مخصوصـی گفته می شود که شامل اعمال زیر است:

- حاجیان ابتدا در مکه احرام می بندند.

- سپس در روز نهم ذی الحجه به بیابان «عرفات» که حدود ۲۲ کیلومتری مکه است، می رونـد و از ظهر تا غروب آفتاب، در آنجا می مانند و نیایش می کنند.

ص:۵۷

۱- (۱) . علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، صص ۶۸۰ و ۶۸۱.

– بعد از غروب، به سوی بیابان «مشعَرالحرام» می روند و شب را تا صبح در آنجا به سر می برند.

– هنگام طلوع آفتاب به سرزمین «منا» می روند و در همان روز که روز عید قربان است به ستون مخصوصی که «جمره عقبه» نام دارد، هفت بار سنگ می زنند.

– سپس قربانی می کنند و با تراشیدن سر، از احرام بیرون می آیند و روزهای یازدهم و دوازدهم ذی الحجه را نیز در آنجا می مانند و به سه ستون مخصوص (جمرات)، هفت بار سنگ می زنند.

– آن گاه به مکه بازمی گردند و طواف خانه خدا، نماز طواف، سعی صفا و مروه و طواف نساء و نماز طواف نساء را به جا می آورند و بدین صورت مراسم حج به پایان می رسد. (۱)

دعای حضرت ابراهیم(علیه السلام)

رَبَّنا وَ اجْعَلْنا مُسْلِمَیْنِ لَکَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِنا أُمَّهً مُسْلِمَهً لَکَ وَ أَرِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِیمُ (بقره: ۱۲۸)

[ای] پروردگار! ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما، امتی فرمان بردار خود [پدیدآر] و [راه و رسم] عبادتمان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر که تنها تویی بسیار توبه پذیر [و] مهرورز.

نکته ها و اشاره ها

۱. حضرت ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام)در این آیه از خداوند چهار مطلب درخواست می کنند:

۱- (۱) . ر.ک: تحریر الوسیله و نیز مناسک حج مراجع تقلید.

- از خدا می خواهند که تسلیم فرمان او باشند که در واقع تسلیم، بالاترین مقام هاست.

- درخواست مقام تسلیم و مسلمان شدن برای نسل خویش می کنند.

- از خدا می خواهند که راه و رسم پرستش الهی مثل اعمال حج را به ایشان نشان دهد. (۱)

- از خدا تقاضای توبه و بازگشت می کنند؛ یعنی از او می خواهند که توبه شان را بپذیرد و رحمت خود را بر آنان فرو ریزد.

۲. ابراهیم(علیه السلام) که الگوی مؤمنان است، برای نسل خود بسیار دعا می کند. تفکیک دعا برای خود و نسل آینده، می تواند اشاره ظریفی به اختلاف نسل ها و لزوم جلوگیری از گسست نسل ها باشد و چون نسل بعدی ممکن است از روش های نسل قبل پیروی نکند، نیازمند تربیت و برنامه مربوط به خود است.

آری، توجه به فرزندان و نسل آینده در دعاها، نوعی دورنگری عاقلانه و خداپسندانه است، که بیانگر وسعت نظر و عشق درونی است و چه نیکوست که ما هم به ابراهیم(علیه السلام) اقتدا کنیم.

۳. دعای ابراهیم(علیه السلام) درباره آموزش راه و رسم عبادتی مثل حج، به ما می آموزد که عبادت و بندگی خدا راه و روش خاصی دارد که باید آن را از خود خدا آموخت؛ وگرنه ممکن است انسان گرفتار انواع خرافات و انحرافات شود.

ص:۵۹

۱- (۱) . واژه «مناسک» از ریشه «نسک» به معنای عبادت است و در اصطلاح، به اعمال عبادی و راه و رسم انجام دادن حج گفته می شود.

پیر را بگزین که بی پیر این سفر هست بس پر آفت و خوف و خطر

مولوی

۴. توبه به معنـای بـازگشت است. توبه بنـدگان به سوی خـدا به معنای بازگشت از گناه است و توبه خـدا به سوی بنـدگان، به معنای بازگشت رحمت خدا و توجه او به بنده است؛ به طوری که به بنده خود توفیق توبه می دهد و توبه اش را می پذیرد و او را می بخشد. (۱)

۵. پیـامبران الهی معصوم انـد و گنـاهی ندارنـد تـا توبه کننـد. اما درخواست توبه آنان به ما می آموزد که انسان در هر مقامی، نیازمند توبه و رحمت خداست.

۶. در پایان آیه قبل، این آیه و آیه بعـد، برخی از صـفات خدا آمده است. این نام ها و صـفات با دعاهای ابراهیم(علیه السـلام) متناسب، و در استجابت دعا مؤثر است و اصولاً نام ها و صفات آخر هر آیه، با محتوای آیه تناسب دارد.

آموزه ها و پیام ها

۱. در هنگام دعا، نسل آینده را فراموش نکنید.

۲. تسلیم بودن مقابل خدا، نعمتی است که باید توفیق آن را از خدا خواست.

۳. مراسم عبادی خود را از وحی بگیرید تا گرفتار انحرافات و خرافات نشوید.

۴. خدا مهربان است و توبه شما را می پذیرد.

۵. در هر مقامی هستید، از خدا رحمت و توفیق توبه بخواهید.

۱- (۱) . ر.ک: قاموس قرآن، ماده «توب».

۶. در هنگام دعا، نام های نیکوی خدا را به زبان جاری سازید که در استجابت دعای شما مؤثر است.

اعمال حج از نشانه های الهی

ذلِکَ وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ* لَکُمْ فِیها مَنافِعُ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ مَحِلُّها إِلَی الْبَیْتِ الْعَتِیقِ (حج: ۳۲ و ۳۳)

این [اعمال حج است]؛ و کسانی که نشانه های خدا را بزرگ می شمارند، در واقع، این [کار آنان حاکی] از خود نگه داری دل هاست * برای شما در آن [نشانه های خدا و قربانی]، تا سرآمدی معین، سودهایی است؛ سپس محل [و زمان] آن [قربانی کنار] خانه باستانی [کعبه] است.

نکته ها و اشاره ها

۱. واژه «شَعائِر» جمع «شعیره» به معنای علامت و نشانه است که شامل برنامه های کلی الهی، از جمله اعمال حج می شود که انسان را به یاد خدا و عظمت دین او می اندازد. برخی آیات قرآن، شتر قربانی حج و صفا و مروه را از شعارهای الهی شمرده اند. (۱)

۲. بزرگداشت نشانه های الهی، نشانه تقوای دل است. البته بزرگداشت این نشانه ها آن است که انسان، موقعیت این شعارها را در افکار و اذهان عمومی بالا ببرد و آنچه درخور احترام و عظمت آنهاست، به جای آورد. (۲)

۱- (۱) . ر.ک: حج: ۳۶ و بقره: ۱۵۸.

۲- (۲) . البته یکی از مصادیق بزرگ داشتن قربانی حج آن است که حاجیان قربانی نیکوتر، ارزشمندتر و بزرگتری را انتخاب کنند؛ همان طور که در احادیث به این مطلب اشاره شده است؛ ر.ک: صافی، ج ۳، ص ۳۷۸.

۳. مقصود از تقوای دل، همان پارسایی درونی انسان است؛ یعنی بزرگداشت نشانه های الهی که به قصد و نیت انسان وابسته است. وقتی دل انسان خودنگه دار و پارسا شد، بروز عملی پیدا می کند و تقوای روح و احساس مسئولیت انسان در برابر فرمان های الهی، در جسم و اعمال او تبلور می یابد. بنابراین احترام و بزرگداشت شعارهای الهی، نشانه تقوای درونی است.

۴. مفسران قرآن درباره «شعائر» چند تفسیر ارائه کرده اند:

الف) مقصود از «شعائرالله» همان حیوانات قربانی حج است که خدا اجازه داده است تا فرا رسیدن زمان قربانی، از منافع آنها استفاده کنید و سپس در مکه آنها را قربانی نمایید.

ب) مقصود از «شعائرالله»، مجموع اعمال حج است که برای شما تا قیامت در آنها منافعی وجود دارد.

ج) مقصود از «شعائرالله»، مجموع برنامه های چشمگیر اسلام است که خدا تا پایان جهان در آنها برای شما منافعی قرار داده است. سپس پاداش شما بر آفریننده خانه کعبه است. (۱) البته مانعی ندارد که هر سه تفسیر مقصود آیه باشد.

۵. از برخی احادیث و حکایات تاریخی استفاده می شود که گروهی از مسلمانان عقیده داشتند که هرگاه حیوان قربانی تعیین شد، نباید بر آن سوار شد و شیر آن را دوشید. اما قرآن کریم این عقیده غلط را ردّ کرد و

۱- (۱) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۰۰.

فرمود: «منافع حیوانات قربانی تا زمان معیّن، یعنی تا روز قربانی شدن، برای شماست». (۱)

۶. مکـان قربـانی حـج در سـرزمین منـاست که در چنـد کیلومـتری کعبه قرار دارد. پس مقصود از «بیت العـتیق» در این آیه، به معنای وسیع کلمه است که کعبه، مکه و اطراف آن را شامل می شود. (۲)

آموزه ها و پیام ها

۱. بزرگداشت شعارهای الهی، نشانه پارسایی درونی است. پس بی احترامی به برنامه های الهی نشانه بی تقوایی است.

۲. برنامه های الهی، (از جمله قربانی حج) را بشناسید و به آنها عمل کنید که برای شما سودمند است.

احرام و محرمات آن

چیزهای ممنوع در حال احرام

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تُحِلُّوا شَعائِرَ اللّهِ وَ لاَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ لاَ الْهَدْیَ وَ لاَ الْقَلائِدَ وَ لاَ آمِّینَ الْبَیْتَ الْحَرامَ یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْواناً وَ إِذا حَلَلْتُمْ فَاصْطادُوا وَ لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوکُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ اتَّقُوا اللّهَ إِنَّ اللّهَ شَدِیدُ الْعِقابِ (مائده: ۲)

۱- (۱) . کافی، ج ۴، ص ۴۹۲؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۰۴؛ تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۲۴؛ تفسیر نورالثقلین، ج۳، ص ۴۹۷.

۲- (۲) . همـان. البته برخی مفسـران، واژه «محـل» را به معنـای زمان قربانی گفته انـد؛ یعنی زمان قربانی در حـج قِران هنگامی است که قربانی به کنار کعبه می رسد؛ ر.ک: تفسیر المیزان، ذیل آیه.

ای کسانی که ایمان آورده اید! [نه مراسم حج و] نشانه های خدا و نه ماه[های] حرام و نه قربانی های بی نشان و نه نشاندار و نه قصدکنندگان خانه محترم خدا درحالی که بخششی و خشنودی از پروردگارشان می جویند را [حرمت شکنی نکنید و] حلال ندانید و هنگامی که از احرام بیرون آمدید، پس [می توانید] شکار کنید و البته، کینه توزی عده ای، برای اینکه شما را از [آمدن به] مسجدالحرام [در صلح حدیبیه] بازداشتند، شما را وا ندارد که تعدّی نمایید و برای نیکوکاری و خودنگه داری با یکدیگر همکاری کنید و برای گناه و تعدّی با یکدیگر همکاری ننمایید و خودتان را از [عذاب]خدا نگه دارید؛ چرا که خدا، سخت کیفر است.

نکته ها و اشاره ها

۱. در این آیه، اهمیت ماه های حرام و حج بیان شده است که عبارت اند از:

الف) شَعائر الهی را نقض نکنید و حریم آنها را حلال نشمارید.

ب) احترام ماه های حرام را نگه دارید و از جنگ کردن در این ماه ها بپرهیزید.

ج) قربانی هایی را که برای حج می آورند، اعم از بی نشان یا نشاندار، حلال نشمارید. بلکه بگذارید به قربانگاه برسند و در آنجا قربانی شوند.

د) مزاحم زائران خانه خدا نشوید؛ چه، کسانی که برای خشنودی خدا به زیارت آمده اند و چه، آنانی که برای به دست آوردن سود تجاری آمده اند. تمام مسلمانانی که زائر خانه خدایند، در امنیت به سر می برند.

ه‍-) ممنوعیت شکار و صید، ویژه زمان احرام است. پس هنگامی که

ص:۶۴

از لباس حج یا عمره (لباس احرام) بیرون آمدید، شکار کردن برای شما مجاز است.

و) ایجاد مزاحمت گروهی از بت پرستان در دوران جاهلیت و یا در جریان صلح حدیبیه، نباید سبب شود که بعد از مسلمان شدن آنها، بار دیگر کینه های دیرین را زنده کنید و مانع زیارت آنها شوید.

ز) در راه انجام دادن نیکی و پارسایی، با همدیگر همکاری کنید؛ نه برای انجام دادن گناه و تجاوز.

ح) خودتان را از عذاب خدا حفظ کنید که مجازات خدا شدید است.

۲. در این آیه به برخی از محرمات احرام اشاره شده است اما موارد کامل آن از آیات و احادیث استفاده می شود که عبارت اند از:

شکار کردن، جماع کردن، عقد کردن زن، استمناء، استعمال عطر، سرمه به چشم کردن، پوشیدن لباس دوخته برای مردان، نگاه به آینه، فسوق، جدال، کشتن جانوران ساکن بدن، انگشتر به دست کردن به منظور زینت، پوشیدن زینت آلات، روغن مالی، کندن موی بدن، پوشاندن سر برای مردان، پوشاندن صورت برای زنان، زیر سایه رفتن برای مردان، خون انداختن بدن، ناخن گرفتن، کندن دندان، کندن درخت یا گیاه حرم، برداشتن سلاح. (۱)

۳. واژه «هَدْی» جمع هدیه است و در اینجا به معنای چهارپایانی است که برای قربانی به مکه می برند و «قَلائِد» جمع «قلاده» به معنای چیزی است که به گردن انسان یا حیوانی می اندازند و در اینجا مقصود چهارپایانی است که برای قربانی در مراسم حج، نشانه گذاری می شوند. (۲)

۱- (۱) . مناسک حج، امام خمینی، صص ۷۷ - ۱۰۰.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۴، صص ۲۴۷ و ۲۴۸.

۴. تمـام زائران خـانه خـدا در انجـام دادن مراسم حـج، از آزادی و امنیت کامل برخوردارنـد و هیـچ امتیازی در این مورد برای قبیله، نژاد و زبان مختلف نیست. البته این حکم مخصوص مسلمانان است. (۱)

۵. مراسم حـج آن قـدر اهمیت و حرمت دارد که حتی حیوانات نشانـدار و بی نشان که برای مراسم قربانی حج برده می شوند، محترم اند و نباید به آنان بی حرمتی شود.

۶. حج می تواند راهی برای تحصیل منافع دنیا و آخرت باشد. پس تجارت همراه سفر حج اشکالی ندارد.

۷. نفی کینه توزی (۲) در آیه مـذکور در مورد زیارت کعبه است، (۳) اما در حقیقت قانونی کلی از آن اسـتفاده می شود که مسـلمانان نباید کینه توز باشـند و درصدد انتقام اعمال گذشـته دیگران برآیند. این دستور اسلامی از شعله ور شدن آتش نفاق میان مسلمانان جلوگیری می کند.

آموزه ها و پیام ها

۱. هرچه در مسـیر الهی قرار می گیرد محترم است؛ اعم از شعارهای الهی، راهیان خانه خدا، ماه های حرام و حتی حیواناتی که در این مسیر قربانی می شوند.

۱- (۱) . با توجه به آیه ۲۸ سوره توبه، این حکم شامل غیرمسلمانان نمی شود.
۲- (۲) . واژه «جَرَم» در اصـل به معنـای قطع کردن میوه هـای نامنـاسب از درخت است و به هر کار ناخوشاینـدی نیز گفته می شود؛ همـان طور که به وادار کردن کسـی به کـار ناخوشاینـد نیز گفته می شود. پس «لا یجرِمَنَّکُم» یعنی کسـی شـما را به کار خلاف وادار نکند.
۳- (۳) . این مسئله در هنگام نزول آیه، یعنی در آستانه غروب آفتاب عمر پیامبر(صلی الله علیه و آله)، اهمیت فراوانی داشت.

۲. برای رشد فضایل و حفظ خودتان از زیان گناه، زمینه های تقوا و نیکی را با همکاری و تعاون فراهم کنید.

۳. خلافکاری دیگران، شما را به خلافکاری و انتقام و کینه توزی نکشاند.

۴. تقوا و نیکوکاری، زیرساخت های تعاون و همکاری است.

۵. به دیگران در گناهکاری و تجاوزگری کمک نکنید که گرفتار عذاب شدید می شوید.

۶. جامعه اسلامی باید طوری ساخته شود که نیکوکار تنها نباشد. ولی باید ستمگران و گناهکاران بی یاور بمانند تا فضایل رشد کند و ریشه فساد از بُن کنده شود. (۱)

طواف

ثُمَّ لْیَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْیُوفُوا نُذُورَهُمْ وَ لْیَطَّوَّفُوا بِالْبَیْتِ الْعَتِیقِ (حج: ۲۹)

سپس، باید آلودگی هایشان را برطرف سازند و باید به نذرهایشان وفا کنند و باید بر خانه باستانی (کعبه) طواف نمایند.

نکته ها و اشاره ها

۱. واژه «تَفَث» به معنای کثافات و زواید بدن، همچون موهای اضافی و ناخن هاست که در اینجا اشاره به عمل «تقصیر» است که حاجیان پس از انجام دادن اعمال دیگر حج، قسمتی از ناخن یا موی خود را کوتاه می کنند یا در برخی موارد موی سر را می تراشند و بدین ترتیب اعمال

ص:۶۷

۱- (۱) . تفسیر نور، ج ۳، ص ۱۴.

حج آنان پایان می گیرد و از احرام خارج می شوند. در برخی از احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است. (۱)

در برخی احادیث تَفَث را اشاره به ملاقات امام(علیه السلام) دانسته اند. (۲) البته این تفسیر، بیان باطن آیه است؛ یعنی انسان در پایان مراسم حج، آلودگی های ظاهری بدن را پاک می کند و سپس به ملاقات امام خویش می رود تا از آلودگی های اخلاقی و جهل رهایی یابد. (۳)

۲. واژه «عَتیق» یا به معنای قدیمی و باستانی است یا به معنای گرامی و باارزش و یا به معنای آزاد شدن. خانه کعبه را عتیق می گویند، زیرا باستانی و باارزش است و در طول تاریخ از قید ملکیت دیگران و سیطره جباران آزاد بوده است.

۳. طواف آن است که حاجیان هفت بار به دور کعبه می چرخند. در حج دو طواف، به نام های طواف زیارت و طواف نساء وجود دارد. مقصود از طواف در این آیه، یا طواف مطلق است که شامل طواف زیارت و طواف نساء می شود یا مقصود طواف نِساء است؛ یعنی آخرین طوافی که در اعمال حج وجود دارد. البته در احادیث اهل بیت(علیهم السلام) به معنای دوم تفسیر شده است. (۴)

۱- (۱) . ر.ک: المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۶۵؛ کنز العرفان، ج ۱، ص ۲۷۰؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۳۱؛ التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱، ص ۳۸۸؛ قاموس قرآن، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲- (۲) . کافی، ج ۴، ص ۵۴۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۱؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۷۷.

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۸۷.

۴- (۴) . وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۹. این تفسیر از امام صادق(علیه السلام) و امام رضا(علیه السلام) حکایت شده است.

۴. مقصود از وفای به نذر در این آیه، یا تمام مناسک حج است (۱) و یا آن است که حاجیان در هنگام انجام دادن مراسم حج به یاد نـذرهای خود باشـند؛ چراکه برخی از مردم قبل از حـج، نـذرهای متعـددی همچون قربانی اضافی، صدقه یا کار خیر می کنند، ولی پس از رسیدن به مقصد فراموش می کنند. قرآن تأکید می کند که نذرهای خود را فراموش نکنید.

آموزه ها و پیام ها

۱. حاجیان از فرصت حج استفاده کنند و اعمال خویش را تکمیل نمایند و نذرهای خود را فراموش نکنند.

۲. حج، زمان پاک شدن و ادای تکالیف و طواف است.

گفتنی است در آیه ۱۲۵ سوره بقره نیز به طواف اشـاره شـده است که تفسیر آن در فصـل چهـارم، ذیـل مبحث کعبه، خواهد آمد.

سعی بین صفا و مروه

اشاره

إِنَّ الصَّفـا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَـعائِرِ اللّهِ فَمَنْ حَـجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُنـاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمـا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَإِنَّ اللّهَ شاكِرٌ عَلِيمٌ (بقره: ۱۵۸)

به راستی که [کوه] «صـفا» و «مَروه» از نشـانه های خـداست. پس کسـی که خانه [خـدا] را حـج کنـد یا عمره به جا آورد، هیچ گناهی بر او نیست که به [میان] آن دو، سعی (رفت و آمـد) کند و کسـی که [فرمان خدا را در انجام دادن کار] نیک بپذیرد، در حقیقت، خدا سپاسگزاری داناست.

۱- (۱) . ر.ک: کافی، ج ۴، ص ۵۴۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۵؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۷۶.

شأن نزول

اصل اعمال حج، یادگار حضرت ابراهیم(علیه السلام) است. پیش از ظهور اسلام و مقارن آن، مشرکان نیز برای انجام دادن حج به مکه می آمدند؛ ولی مراسم عبادی آنان با خرافات و شرک آمیخته بود.

مشرکان در عصر جاهلیت در بالای کوه «صفا»، بُتی به نام «اَساف» و بر کوه «مروه»، بُتی به نام «نائله» نصب کرده بودند که در هنگام پیاده روی و سعی بین صفا و مروه، دست خود را به این دو بُت می کشیدند و تبرک می جستند. مسلمانان به سبب این موضوع، میل نداشتند که سعی بین صفا و مروه را انجام دهند و می پنداشتند که در این اوضاع، سعی بین صفا ومروه کار صحیحی نیست. آن گاه آیه فوق نازل شد و به آنان اعلام کرد که صفا و مروه از نشانه های خداست و آلوده شدن آن با بت ها، مجوز ترک عمل حج برای مسلمانان نیست. (۱)

نکته ها و اشاره ها

۱. «صفا» به معنای سنگ محکم و صافی است (۲) که با شن و خاک آمیخته نباشد و «مروه» به معنای سنگ سفید براق یا سنگ محکم و خشن است. ولی اکنون صفا و مروه، نام دو کوه کوچک در مکه است که در ضلع شرقی مسجدالحرام قرار دارند و فاصله آنها حدود ۴۲۰ متر است.

۲. «شعائر» به معنای علامت هایی است که انسان را به یاد خدا

ص:۷۰

۱- (۱) . اسباب النزول، ص ۲۷؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲- (۲) . واژه «صفا» در اصل به معنای «خالص بودن هر چیز از آمیختگی هاست» و به سنگ خالص که گل و خاک نداشته باشد نیز صفا می گویند. ولی اکنون نام کوهی در مکه است.

می انـدازد و خاطرات مقدسـی را در نظرها تجدیـد می کنـد. مراسم حج در حقیقت، یک دوره کامل از صـحنه های مبارزات ابراهیم(علیه السلام) و منزلگاه های توحید، بندگی و اخلاص را در خاطره ها مجسم می سازد.

صفا و مروه نیز یادگار فداکاری ابراهیم(علیه السـلام) در گذاشتن هاجر و اسماعیل در بیابان های بی آب و علف مکه بود؛ آن هنگام که هاجر تشـنه کام، به دنبال آب، از پی سـراب، هفت بار بین کوه صـفا و مروه رفت وآمـد کرد و آبی به دست نیاورد. ولی نزدیک پای اسـماعیل چاه زمزم پیدا شد و مادر و کودک از آب آن نوشـیدند. دیدن صفا و مروه حضور در صحنه تاریخ و کلاس خداشناسی است.

آری، کوه صـفا و مروه به مـا می آموزد که برای احیـای نام حق و اعتلای آیین او پایـداری کنیم و به لطف و احسان خـداوند امیدوار باشیم.

۳. واژه (لا جُناح) به این معناست که مانعی نـدارد بین کوه صـفا و مروه، سـعی کنیـد. اما در حقیقت، این عمل در حج، واجب است؛ چراکه با توجه به شأن نزول که بیان شد، این تعبیر برای برطرف کردن کراهت است.

۴. اگر نادانان، مراکز حق را با خرافات آلوده کردند، نباید از آن دست کشـید. بلکه باید با حضور در آنجا و برگزاری مراسـم عبادی، آن مکان ها را پاکسازی و دست گروه منحرف را از آن کوتاه کرد.

۵. تعبیر «شـاکر» به لطف خـدا اشاره دارد که به انسان، نیرو و امکانات انجام دادن کار نیک را می بخشـد و بعـد از انجام دادن آن، از انسان تشـکر می کنـد. وقتی که خداونـد در برابر اعمال بنـدگان سپاسـگزاری می کنـد، تکلیف مردم در برابر هم و در برابر خدا روشن می شود.

ص:۷۱

۶. مقصود از پـذیرفتن دسـتورهای الهی و انجام دادن کار نیک، هرگونه عمل مسـتحبی، مثل حج و عمره مسـتحبی، یا پذیرفتن اعمال نیکی است که بر انسان مشکل است؛ همچون سعی بین صفا و مروه که بر مسلمانان صدر اسلام مشکل بود. (۱)

آموزه ها و پیام ها

۱. در صفا و مروه، فقط سنگ و کوه را نبینید، بلکه به پیام الهی آنها توجه کنید که از علامت های الهی است.

۲. به سبب خلافکاری دشمنان، دست از علامت های الهی، به ویژه در حج، برندارید.

۳. در حج و عمره، دست از سعی صفا و مروه برندارید.

۴. سپاسگزاری در برابر کارهای نیک دیگران را از خدا بیاموزید.

اسرار صفا و مروه در آیینه احادیث

۱. در صـفا و مروه، هـاجروار به دنبـال مونس و دوست باشـید. در احـادیث است که ابراهیم به دسـتور الهی، همسـرش هاجر و کودکش اسـماعیل را در سـرزمین خشک مکه رها کرد و رفت. اسـماعیل تشـنه شـد و هاجر در پی آب برآمد و نخست بالای کوه صـفا رفت و صـدا زد: «هل بالوادی من انیس»؛ «آیا در این سـرزمین، مونس و همدمی هست»؟ سـپس به مروه رفت و این حرکت را هفت بار انجام داد. سپس به سراغ

۱- (۱) . واژه «تطوع» در لغت به معنـای «قبول دسـتور» است. ولی در عرف فقها به اعمال مسـتحبی گفته می شود. ولی احتمال می رود که این جمله، تکمیل جمله های قبلی آیه باشد؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۴۴.

کودک آمد و دید او با پای خود زمین را ساییده و چشمه زمزم هویدا شده است. (۱)

آب کم جوی تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالاو پست

۲. در صفا و مروه، ابراهیم وار به شیطان حمله ور شوید. در احادیث آمده است که شیطان خود را به ابراهیم(علیه السلام) نمایاند و ابراهیم از دست او گریخت تا با وی هم سخن نشود. (۲) در برخی روایات دیگر آمده است که ابراهیم به دستور جبرئیل بر او حمله ور شد و شیطان گریخت. (۳) ازاین رو دویدن (هروله) بین صفا و مروه مرسوم شد.

۳. دویدن (هَرْوَله (۴)) بین صفا و مروه، فرار از هوای نفس و زیر پا نهادن غرور آدمی است. (۵)

۴. هروله موجب خواری متکبران است. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «هیچ محل عبادتی نزد خدا، دوست داشتنی تر از محل سعی نیست؛ چراکه در این مکان هر متکبر سرکشی خوار می شود». (۶)

۵. دویدن برای مردان مستحب است. اما برای زنان مستحب نیست. (۷) شاید

۱- (۱) . علل الشرایع، ص ۴۳۲؛ بحارالانوار، ج ۹۹، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۷.

۳- (۳) . همان، ص ۲۳۴. البته جمع بین دو روایت ممکن است؛ چراکه شاید ابراهیم یک بار از دست شیطان گریخته است. سپس به دستور جبرئیل بر او حمله ور شده و این بار شیطان گریخته است.

۴- (۴) . در بخشی از مسیر بین صفا و مروه که امروزه به وسیله ستون های سبز رنگ مشخص شده است، مستحب است که مردان به صورت آرام بدوند که به این عمل «هروله» می گویند.

۵- (۵) . عن الصادق(علیه السلام):و هرول هروله هرباً من هواک و تبرأ من حولک و قوّتک؛ ر.ک: بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۴.

۶- (۶) . علل الشرایع، ص ۴۳۳؛ بحارالانوار، ج ۹۹، صص ۲۳۴ و ۲۳۵.

۷- (۷) . عن النبی(صلی الله علیه و آله):لیس علی النساء هروله بین الصفا و المروه؛ ر.ک: خصال، ج ۲، ص ۲۸۷.

حکمتش این است که با توجه به حضور همزمان زنان و مردان در حال سعی، دویدن بانوان گاهی موجب تحریک مردان می شود و تأثیر منفی بر فضای معنوی سعی صفا و مروه می گذارد.

۶. سعی بین صفا و مروه، حرکت بین خوف و رجا (ترس و امید) است؛ یعنی انسانِ سعی کننده از طرفی به رحمت و آمرزش الهی امید دارد و از طرف دیگر، از عملکرد گذشته و حسابرسی و عذاب الهی هراسان است. «شبلی» از امام سجاد(علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمود: «آیا [در صفا و مروه] نیت کردی که تو بین خوف و رجایی؟» گفت: «نه». حضرت فرمود: «پس سعی صفا و مروه نکرده ای». (۱)

آیت الله جوادی در این باره می نویسد: «مؤمن همواره بین خوف و رجا به سر می برد؛ گرچه شدت و ضعف آن دو در مقاطع مختلف زندگی او متفاوت است و این سرّ در سعی بین صفا و مروه جلوه گر است». (۲)

۷. با حرکت به سوی صفا، گام جای گام رسول الله(صلی الله علیه و آله) می نهیم و او را الگوی خویش قرار می دهیم.

امام صادق(علیه السلام) درباره آداب سعی فرمود: «برای حرکت به سوی صفا و مروه از در مقابل حجرالاسود خارج شوید که پیامبر(صلی الله علیه و آله) از آن خارج می شد». (۳)

۸. با آرامش و وقار به سوی صفا حرکت کنید (۴) و شتاب نورزید. شاید

حکمتش آن باشد که آرامش و سنگینی در حرکت، زمینه ساز

۱- (۱) . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

۲- (۲) . صهبای حج، ص ۴۰۱.

۳- (۳) . کافی، ج۴، ص ۴۳۱؛ التهذیب، ج۵، ص۱۴۵.

۴- (۴) . همان.

حضور قلب و تفکر و توجه بیشتر به خداست و شتاب در جمعیت، موجب آزار دیگران می شود.

۹. از کوه صـفا بالا روید تا صـفا یابید و مصـفّا شوید. کعبه را ببینید و به یاد معبود باشید. همچنین حمد و ثنای الهی بگویید تا سپاسگزار باشید.

نعمت های الهی را بر خود، تا حد امکان برشـمارید تا خداشـناس تر شوید. هفت بار تکبیر بگویید و بزرگی معبود را یادآوری کنیـد و هفت بار حمـد و لا اله الا الله گوییـد و موحدی سپاسـگزار باشـید. آن گاه بر پیامبر(صـلی الله علیه و آله) درود بفرستید (۱) و از او تشکر کنید که موجب هدایت ما شد تا از نعمت حج بهره ببریم.

۱۰. توقف بر صفا، صفا می آورد. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «توقف بر صفا، زمینه ساز صفای روح برای ملاقات الهی در رستاخیز است». (۲)

۱۱. توقف طولانی بر صـفا و مروه موجب برکت مـالی می شود. امام صادق(علیه السـلام) فرمود: «هرکس می خواهـد ثروتش فراوان شود، بر کوه صـفا و مروه زیـاد توقف کنـد». (۳) همچنین حضـرت فرمود: «پیامبر(صـلی الله علیه و آله) به انـدازه قرائت سوره بقره، بر کوه صفا توقف می کرد». (۴)

۱۲. پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: «سعی بین صفا و مروه، موجب پاکی از گناهان می شود». (۵)

۱- (۱) . کافی، ج۴، ص ۴۳۱ ؛ التهذیب، ج۵، ص۱۴۵ .

۲- (۲) . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۳.

۳- (۳) . کافی، ج۴، ص۴۳۳؛ من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۲۰۹؛ تهذیب، ج۵، ص۱۴۷.

۴- (۴) . کافی، ج۴، ص ۴۳۱؛ تهذیب، ج۵، ص۱۴۵.

۵- (۵) . تهذیب، ج۵، ص۱۹؛ من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۲۰۸.

۱۳. امام سجاد(علیه السلام) فرمود: «سعی بین صفا و مروه، موجب شفاعت فرشتگان می شود». (۱)

۱۴. ثواب سعی بین صفا و مروه، به اندازه حج پیاده و آزادی هفتاد بنده است.

پیامبر(صلی الله علیه و آله) به یکی از انصار فرمود: «سعی بین صفا و مروه، پاداش حج پیاده و آزاد کردن هفتاد بنده دارد». (۲)

۱۵. صفا یادگار آدم، و مروه یادگار حواست. (۳) انسانی که به صفا و مروه می رود، یادی از پدر و مادر نخستین خویش می کند و تأملی در هبوط آدم و حوا و عوامل آن می کند و عبرت می آموزد.

۱۶. مروه را همچون صفا گرامی بداریم که اسراری مشابه دارند. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) هنگامی که به مروه می رسید، همان کارهایی را انجام می داد که بر صفا انجام داده بود. (۴)

۱۷. در مروه، جوانمردی و مروت را تمرین کنید. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «با رسیدن به مروه، مروت و جوانمردی را برای خدا پیش گیر و

صفات [بد] خویش را از میان بردار». (۵)

آیت الله جوادی آملی می نویسد:

سعی زائر آن گاه که رو به جانب صفا دارد، این است که خود را

۱- (۱) . من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۲۰۸.
۲- (۲) . محاسن، ص ۶۵؛ بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۶.
۳- (۳) . صفا محل هبوط آدم، و مروه محل هبوط حواست؛ ر.ک: بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۳.
۴- (۴) . صحیح مسلم، ج۲، ص۸۸۶؛ ترمذی، ج۳، ص۲۱۶؛ الحج و العمره فی الکتاب والسنه، محمدی ری شهری، ص۱۸۳.
۵- (۵) . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۳.

تصـفیه کرده، از صـفای الهی برخوردار شود و وقتی به سوی مروه می رود، سعی می کند تا مروت و مردانگی به دست آورد؛ زیرا مروه رمز مروت و مردانگی و صفا، نشانه تصفیه و تهذیب روح است...

سرّ این کـار، همان گونه که بیان شـد، آن است که انسان به صـفا برسـد و به مروت و مردانگی باریابـد. انسان جوانمرد، دیگر دست به کار ذلیلانه دراز نمی کند چنان که سرور آزادگان امام حسین(علیه السلام) ...». (۱)

۱۸. قبل از رسـیدن به مروه پاک شوید. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «آن گونه باش که چون به مروه رسی، خدا تو را پاک و پاکیزه ببیند» (۲).

شاید این مطلب اشاره به آن باشد که در اعمال قبل از مروه، مثل احرام، طواف و سـعی،باید آن قدر اسـتغفار کنیم تا خدا ما را ببخشاید و از گناهان پاک کند و پس از آن راهی مروه شویم.

وقوف در عرفات و مشعر و منا

یاد خدا در عرفات و مشعر

لَیْسَ عَلَیْکُمْ جُناحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّکُمْ فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ

فَاذْکُرُوا اللّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْکُرُوهُ کَما هَداکُمْ وَ إِنْ کُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضّالِّینَ (بقره: ۱۹۸)

هیـچ گنـاهی بر شـما نیست که [در مـوسم حـج، روزی و] بخششـی از پروردگارتـان بجوییـد و هنگـامی که از «عرفـات» روانه شدید، خدا را در

۱- (۱) . صهبای حج، ص ۴۰۲.

۲- (۲) . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۳.

«مشعرالحرام» یاد کنید و او را یاد کنید همان گونه که شما را راهنمایی کرد و [شما] پیش از آن، بی شک از گمراهان بودید.

شأن نزول

درباره بخش نخست آیه حکایت شده است که مردم در زمان جاهلیت، معامله، تجارت، حمل مسافر و بارکشی را در موسم حج، حرام و گناه می دانستند. آنها خیال می کردند اگر کسی هنگام مراسم حج چنین کارهایی کند، حج او باطل می شود. ازاین رو مسلمانان منتظر بودند که بدانند آیا احکام جاهلی همچنان باقی می ماند، یا اسلام آنها را بی ارزش اعلام می کند.

آیه فوق نازل شد و توهّم جاهلی «گناه بودن معامله در موسم حج» را نادرست خواند و اعلام کرد که در موسم حج، معامله و تجارت هیچ اشکالی ندارد که مردم از بخشش خدا استفاده کنند و سودی به دست آورند. (۱)

نکته ها و اشاره ها

۱. عرفات بیابان وسیعی است در حدود بیست کیلومتری مکه که حاجیان از ظهر تا غروب روز نهم ذی الحجه برای انجام دادن مرحله ای از حج در آنجا می مانند. واژه «عرفات» در اصل به معنای شناخت و عرفان است. در مورد نامگذاری این بیابان به عرفات، احتمالات متعددی بیان شده است؛ از جمله اینکه وقتی پیک وحی، اعمال حج را به ابراهیم(علیه السلام) نشان داد، ابراهیم به او گفت: «عَرَفتُ»؛ «شناختم». همچنین این سرزمین، محیط بسیار آماده ای برای معرفت خدا و شناسایی ذات

۱- (۱) . اسباب النزول، ص ۳۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۵؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۹۴.

پاک اوست و آن جذبه روحانی و معنوی که انسان به هنگام ورود به این سرزمین پیدا می کند، وصف ناپذیر است. (۱)

۲. «مَشْعَرُالحَرام» از ماده «شعور»، نام سرزمینی است در حدود چهارده کیلومتری مکه که حاجیان شب دهم ذی الحجه را در آنجا می گذرانند. درباره نامگذاری آن گفته اند که آنجا مرکزی برای شعائر حج و نشانه ای از این مراسم عظیم و پرشکوه است.

برخی هم با توجه به ریشه لغوی آن که از ماده شعور است، معتقدند انسان در آن شبِ روحانی، روی ماسه های آن بیابان، چشمه های تازه ای از اندیشه و شعور را درون خود احساس می کند. (۲)

۳. حج دارای فلسفه و حکمت های متعددی، از جمله فلسفه اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. قرآن کریم در آیه مذکور به فلسفه اقتصادی حج اشاره می کند. مسلمانان از نقاط مختلف دنیا به سوی خانه خدا حرکت می کنند و کنگره عظیم حج را تشکیل می دهند. این امر می تواند پایه و اساسی برای جهش اقتصادی مسلمانان باشد.

در موسم حج، مکه مرکز مبادلات تجاری می شود و مغزهای متفکر اقتصادی مسلمانان در آنجا جمع می شوند تا با همفکری و همگامی پایه محکمی برای اقتصاد جوامع اسلامی بریزند و مسلمانان را از دشمنان بی نیاز گردانند.

۴. اعمال حج و ذکرهای آن باید مطابق دستور الهی باشد. شکرانه

۱- (۱) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، صص۳۴ و ۳۵.

۲- (۲) . همان.

نعمت هدایت، آن است که انسان قدر هدایت و نجات از گمراهی را بداند و طبق آن راهبرد عمل کند. (۱)

آموزه ها و پیام ها

۱. حج دارای ابعاد اقتصادی و معنوی است. پس از هر دو بُعد اقتصادی و معنوی حج بهره بجویید.

۲. مراسم حج را طبق رهنمون های الهی انجام دهید.

۳. در هنگام حج، معرفت عرفاتی را با شعور مشعری پیوند دهید.

یکرنگی با مردم در حرکت حاجیان به سوی منا

اشاره

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفاضَ النّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللّهَ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بقره: ۱۹۹)

سپس از جایی که مردم روانه می شوند، [به سوی منا] روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.

شأن نزول

حکایت شده است که قریش خود را فرزندان ابراهیم(علیه السلام) و سرپرستان

خانه کعبه می دانستند و در اصطلاح، به خود «حُمْس»، (۲) به معنای «سخت کیش» می گفتند. آنان برای مردم دیگر، مقامی مثل مقام خویش قائل نبودند و می گفتند ما نباید احترام چیزهایی را که بیرون از حریم مکه است، بر احترام آنچه در حریم مکه است، ترجیح دهیم و اگر چنین کنیم، عرب برای ما ارزشی قائل نخواهد شد. ازاین رو در عرفات که از

۱- (۱) . واژه «کما» در این آیه، به معنای «لما» یا به معنای «مثل» است.

۲- (۲) . «حُمس» به معنای افرادی که در دین محکم اند (سخت کیش) آمده است.

محیط حرم مکه بیرون است، نمی ماندند؛ با آنکه می دانستند جزو وظایف حج و آیین ابراهیم(علیه السلام) است. (۱)

قرآن بر این امتیازِ توهمی قریش، خط بطلان کشید و به آنان دستور داد که در حج، همچون مردم، حرکت کنند.

نکته ها و اشاره ها

۱. حج مظهر برابری و یکرنگی است و همه افراد باید مثل هم، مراسم حج را به جا آورند. پس امتیازطلبی به وسیله نام و رسم، ممنوع است.

۲. واژه «اِفاضه» که در این آیه دو بار به کار رفته است، به معنای حرکت دسته جمعی است؛ یعنی از همان جایی حرکت کنید که همه مردم حرکت می کنند. پس حرکت دسته جمعی در حج ارزشمند و مطلوب است.

۳. خداوند در این آیه به مردم دستور می دهد که از خدا طلب بخشایش کنید؛ زیرا در این صورت، روح انسان با توبه شست وشو می یابد و گناهانش بخشوده می شود. استغفار مانع ناامیدی انسان است؛

به ویژه اگر بدانیم برابر خدایی خطاپوش، مهربان و بخشاینده ایستاده ایم و استغفار می کنیم.

آموزه ها و پیام ها

۱. از حج درس یکرنگی با مردم و آمرزش خواهی بیاموزید.

۲. حج مظهر هماهنگی و جمع گرایی است.

۳. از فرصت حج برای آمرزش گناهانتان استفاده کنید.

۱- (۱) . مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۹۶؛ اسباب النزول، ص ۳۴.

اسرار و معارف توقف در عرفات

اسرار عرفات

۱. شناخت خود: در قرآن کریم فقط یک بار نام «عرفات» در آیه ۱۹۹ سوره بقره آمده است. «در این سرزمین خاطره انگیز که گویا دریچه ای به جهان ماورای طبیعت در آن گشوده شـده، انسان نه تنها از نشـئه عرفان پروردگار سـرمست می شود و لحظه ای بـا زمزمه تسبیـح عمومی خلقت هماهنـگ می گردد، بلکه خودش را هم که عمری است گم کرده و به دنبالش می گردد، پیدا می کند و به حال خویشـتن عارف می گردد و می داند او آن کسی نیست که شب و روز در تلاش معاش، حریصانه، کوه و صـحرا را زیر پا می گذارد و هر چه می یابد، عطشش فرو نمی نشیند. می یابد گوهر دیگری درون جان او نهفته است که او در حقیقت همان است. آری این سرزمین را عرفات می نامند». (۱)

۲. وقوف در عرفه برای نفی امتیازات موهوم است.

در جاهلیت، قبیله قریش، امتیازات نادرستی برای خود قائل بودنـد و برای خود مقامی قائل بودنـد که برای هیـچ یک از اعراب قائـل نبودنـد. آنـان خود را «حُمس» (بر وزن خُمس) معرفی می کردنـد؛ یعنی کسـی که در دین خود محکم و پابرجاست و به عنوان فرزندان ابراهیم و سرپرسـتان خانه کعبه، خود را از همه برتر می شمردند. ازاین رو می گفتند: ما نباید در مراسم حج، به عرفات برویم؛ زیرا عرفات از حرم مکه بیرون است؛ درحالی که می دانستند وقوف در عرفات جزئی از

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۱.

مراسم حج ابراهیمی است. قرآن کریم در آیات فوق خط بطلان بر این اوهام کشید و به مسلمانان دستور داد که همه با هم در عرفات، توقف (وقوف) کنند». (۱)

۳. درس اتحاد و یگانگی: واژه «افاض» از ماده فیض در اصل به معنای جریان و ریزش آب است؛ از آنجا که حرکت سریع و دسته جمعی مردم از جایی به نقطه دیگر، بی شباهت به حرکت نهر جاری نیست، این تعبیر به کار می رود. (۲)

قرآن به مردم دستور می دهد که همگی بدون استثنا نخست به عرفات بروند. آن گاه به مشعرالحرام، و سپس به سرزمین منا کوچ کنند. در واقع، این اشاره لطیفی به وحدت امت اسلامی است که هماهنگ در مسیری که خدا فرموده است، حرکت کنند.

اسرار عرفات در آیینه روایات

۱. رمز وقوف در عرفه چیست؟

شخصی از پیامبر(صلی الله علیه و آله) پرسید که چرا در عصر روز نهم ذی الحجه، توقف در عرفات قرار داده شد؟ حضرت فرمود:

آن عصر، ساعتی است که آدم پروردگار را نافرمانی کرد. پس خدا بر امت من مقرر کرد که در آن ساعت در بهترین مکان توقف کنند و زاری و دعا نمایند و بهشت را برای آنان آماده نمود و ساعتی که مردم از عرفات خارج می شوند، ساعتی است

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۲؛ صهبای حج، ص ۴۱۳.

۲- (۲) . همان.

که آدم(علیه السلام) کلمات [ویژه توبه] را از پروردگار دریافت کرد و توبه او پذیرفته شد. (۱)

۲. عرفات معادل حج است.

در احادیث است که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) سه بار فرمود: «الحج عرفات» (۲). این مطلب، جایگاه بلند عرفات را در اعمال حج روشن می سازد که توقف در این سرزمین معادل کل حج است. شاید حکمتش آن است که دعا، آمرزش الهی، کمال و رشد انسان در این سرزمین به صورت ویژه تحقق می یابد.

البته ممکن است این مطلب، اشاره به حکم فقهی عرفات نیز باشد که عرفات از ارکان حج است و هرکس آن را عمدی ترک کند، حج او باطل است. (۳)

آیت الله جوادی آملی در این باره می نویسد: «حج به سبب آگاهی خاصی که جز در عرفات در جای دیگر یافت نمی شود (۴)، موجب تعالی و نیل انسان به اوج قله عالم امکان، یعنی خُلق عظیم است». سپس سرّ این مطلب را در دعاهای عرفه می دانند. (۵)

۳. خدا به اهل عرفه مباهات می کند.

در احادیث از پیامبر(صلی الله علیه و آله) نقل شده است که خدا در عصر عرفه به خاطر

۱- (۱) . وسائل الشیعه، ج ۱۳، باب ۱۹، ح ۸. چاپ جدید.
۲- (۲) . سنن ترمذی، ج۵، ص۲۱۴و ج۳، ص۲۳۷ محجه البیضاء، ج ۲، ص ۲۰۴؛ الحج و العمره فی الکتاب والسنه، صص۱۸۹ - ۱۹۰.
۳- (۳) . ر.ک: مناسک حج، امام خمینی(قدس سره) با حواشی مراجع عظام، مسئله ۹۶۳.
۴- (۴) . «الحج عرفه»؛ محجه البیضاء، ج ۲، ص ۲۰۴.
۵- (۵) . صهبای حج، ص ۴۲۳.

اهل عرفه به فرشتگان خود مباهات می کند و می فرماید: «به بندگانم بنگرید که ژولیده و غبارآلود به سوی من آمده اند» (۱).

آری، آن حاجی که برای رسیدن به دوست، سر از پا نمی شناسد و در آن بیابان، گردآلود و ژولیده می شود و به زبان حال می گوید هرچه از دوست رسد نیکوست، خدا نیز او را دوست می دارد و با همین حالت ژولیده، وی را به بارگاه قدس خویش می پذیرد.

۴. دعای شما در اینجا مستجاب است. (۲)

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: «اگر بنده خدا در عرفات پس از دعا و ذکر از خدا درخواست کند که شفاعت اهل مواقف (عرفات، مشعر و منا) را بکند، شفاعت او پذیرفته می شود». (۳)

در حدیث دیگری است که امام سجاد(علیه السلام) به گدایی که در روز عرفه تکدی می کرد، فرمود: «وای بر تو! آیا در چنین روزی، دست نیاز به سوی غیرخدا دراز می کنی. در این روز، برای کودکان در رحم مادر، امید سعادت می رود». همچنین در حدیث دیگری، امام سجاد(علیه السلام) فرمود: «کسانی که در چنین زمان و مکانی (عرفه) دست نیاز به سوی دیگران دراز کنند، بدترین انسان هایند». (۴)

۵. سرزمین عرفه، مکان نومیدی نیست.

در روایت است که امام علی(علیه السلام) از پیامبر(صلی الله علیه و آله) پرسید: «ای رسول خدا!

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۳.

۲- (۲) . کافی، ج۴، ص۲۶۱؛ بحارالانوار، ج۹۹، ص۱۳.

۳- (۳) . شعب الایمان، ج۳، ص۴۶۳؛ کنزالعمال، ج۵، ص۷۴.

۴- (۴) . بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۱.

کدام یک از اهل عرفات، جرم بزرگی دارد»؟ حضرت فرمود: «کسی که از عرفات بازگردد، درحالی که یقین (۱) دارد که بخشوده نشده است». امام صادق(علیه السلام) نیز فرمود: «یعنی از رحمت الهی مأیوس شود». (۲)

این سرزمین محل بخشایش گناهان است. حتی پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: «برخی گناهان جز در عرفات، بخشوده نمی شود». (۳) همچنین فرمود: «هیچ روزی مثل عرفه نیست؛ زیرا بیشترین افراد در این روز از آتش نجات می یابند». (۴)

در حدیث دیگری، امام صادق(علیه السلام) فرمود: «هرکس در ماه رمضان بخشوده نشد، تا ماه رمضان سال بعد آمرزیده نمی شود؛ مگر آنکه در عرفات حاضر شود». (۵)

آری در عرفات، نه تنها حاجیان در لحظات آغازین عرفات بخشوده می شوند و مشمول رحمت الهی می گردند. (۶) بلکه خانواده و همشهریان آنان نیز بخشوده می شوند. امام صادق(علیه السلام) فرمود:

هیچ مرد مؤمنی از اهل هر روستا و شهری که باشد، در عرفات وقوف نکند جز آنکه خدا اهالی مؤمن آن محل را ببخشاید و هیچ مرد مؤمنی از خانواده باایمان در عرفات وقوف نکند، مگر آنکه خدا مؤمنان از آن خاندان را بیامرزد. (۷)

۱- (۱) . واژه «ظن» اگر با «انّ» همراه شود به معنای یقین است؛ ر.ک: مفردات راغب، ماده «ظن».

۲- (۲) . من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۲۱۱؛ کافی، ج۴، ص ۵۴۱.

۳- (۳) . الجعفریات، ص ۶۵؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص۲۹۴ از امام علی(علیه السلام).

۴- (۴) . السنن الکبری، ج۵، ص۱۹۲.

۵- (۵) . کافی، ج ۴، ص۶۶.

۶- (۶) . اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۱۵.

۷- (۷) . وافی، ج ۲، ص ۴۲.

۶. سرّ توقف در عرفات شناخت معارف و علوم الهی است.

شبلی از امام سجاد(علیه السلام) نقل می کند:

«هل عرفت بموقفک بعرفه معرفه الله سبحانه امر المعارف و العلوم». (۱)آیا با توقف در عرفه، حق معرفت و شناسایی خدا را به دست آوردی و پی به معارف و علوم الهی بردی؟

آیت الله جوادی آملی در این زمینه می گوید:

وقوف در عرفات برای آن است که انسان به معارف و علوم دینی واقف گردد و از اسرار الهی نظام آفرینش با خبر شود. بداند که خداوند به همه نیازهای او واقف، و بر رفع همه آنها تواناست. خود را به خدا بسپارد و فقط او را اطاعت کند که طاعت او سرمایه و وسیله هر بی نیازی است». (۲)

۷. عرفان به احاطه علمی خدا، یکی دیگر از اسرار توقف در عرفات است.

شبلی از امام سجاد(علیه السلام) نقل می کند:

«و عرفت قبض الله علی صحیفتک و اطلاعه علی سریرتک و قلبک».

آیت الله جوادی آملی در این زمینه می گوید:

حج گزار باید در آنجا بر این نکته عارف شود که خدای سبحان به نهان و آشکار و صحیفه قلب او و رازهای آن و حتی آنچه برای خود او روشن نیست و به طور ناخودآگاه در زوایای روح او می گذرد، آگاه است؛ یعنی سرزمین عرفات، محل ادراک و شهود مضمون آیه کریمه وَ إِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ یَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفی ۳ است.

انسان اگر بداند که قلبش در مشهد و محضر حق است، همان طور که

۱- (۱) . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

۲- (۲) . صهبای حج، ص ۴۱۵.

خـود را به گناهـان جـوارحی (ظـاهری) نمی آلایـد، گنـاه جوانحی (درونی) نیز نمی کنـد و قلبش را از خـاطرات آلوده، تنزیه (پاک) می کند. (۱)

۸. توقف در عرفات، رمز شفاعت الهی است.

از پیامبر(صلی الله علیه و آله) نقل شده است که شفاعت خدای متعال نصیب عرفاتیان می شود. (۲)

آری، خداونـد از مهمانان خویش پـذیرایی می کند و کنار آنان قرار می گیرد و شـفیع آنان می شود و آنها را از دوزخ نجات می دهد و رحمت خویش را بر آنان فرو می بارد.

۹. عرفاتیان منتظر اجازه ورود به حرم الهی اند.

شخصـی از امام علی(علیه السلام) پرسید: «چرا عرفات، خارج از حرم مکه قرار گرفته است»؟ حضرت فرمود: «چون کعبه، اتاق خداست و حرم، خانه اوست. (۳) هنگامی که مهمانان می خواهند وارد خانه شوند، در خانه می ایسـتند و به سوی خدا تضـرع می کنند». (۴) بنابراین مهمانان الهی در عرفات توقف می کنند تا مشمول رحمت الهی گردند و بخشوده شوند. سپس با پاکی و معرفت، به حرم الهی پای گذارند.

۱۰. عرفات محل حضور پاکان است.

۱- (۱) . صبهای حج، ص ۴۱۶.
۲- (۲) . شعب الایمان، ج ۳، ص۴۶۳؛ کنزالعمال،ج ۵، ص ۷۴.
۳- (۳) . واژه «بیت» به معنای مکان خواب (بیتوته) است که در فارسـی بدان اتاق گفته می شود و واژه «دار» به معنای حیاط و خانه ای است که خانواده در آن زندگی می کند و دیوار دارد؛ ر.ک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، واژه «بیت».
۴- (۴) . کافی، ج ۴، ص۲۲۴.

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«لا یصلح الوقوف بعرفه علی غیر طهاره»؛ (۱)وقوف در عرفات بدون طهارت شایسته نیست.

عرفات سرزمین مقدس، و مورد عنایت پرودگار است و مکانی برای دعا و توجه به خداست. ازاین رو مناسب است که عرفاتیان، به طهارت ظاهری و باطنی خویش توجه کنند. طهارت ظاهری لباس و بدن برای احرام لازم است. همچنین حج گزار باید به طهارت درونی و روحی خود نیز توجه کند و از گناهانش توبه و استغفار نماید. مناسب ترین مکان نیز برای بخشایش گناهان، عرفات است. (۲)

۱۱. عرفات، مظهر ولایت است.

عرفات یکی از مکان ها و زمان های جلوه گری ولایت اهل بیت(علیهم السلام) است. ارتباط عرفات با ولایت از چند جهت درخور توجه است:

الف) عرفات محل نزول ولایت علی(علیه السلام)

عرفات محل نزول آیه اکمال است. علامه طباطبایی(رحمه الله) معتقد است که آیه اَلْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دِیناً (۳)براساس برخی روایات (۴) در عرفه نازل شد، ولی پیامبر(صلی الله علیه و آله) به علت برخی مصلحت سنجی ها و ترس از مخالفت دشمنان، آن را بیان نکرد و منتظر فرصت بود، تا اینکه در روز غدیر (۱۸ ذی الحجه) که از سفر حج

۱- (۱) . دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- (۲) . ر.ک: کافی، ج ۴، ص ۶۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۱.

۳- (۳) . مائده : ۳.

۴- (۴) . ر.ک: الدرالمنثور، سیوطی؛ تفسیر عیاشی، ذیل آیه فوق؛ المیزان، ج ۵، صص ۱۷۸ و ۲۰۹.

بازمی گشتند، دستور اکید برای ابلاغ آیه فوق آمد. (۱) سپس حضرت آن آیه را برای مردم تلاوت کرد و آشکارا ولایت امام علی(علیه السلام) را اعلام فرمود. (۲)

ب) عرفات محل تجلی امام عصر(عج)

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«یَفْقَدُ النَّاسُ امامَهم، یَشهَدُ المَوسمَ فَیَراهُم وَ لایَرَونَه»؛ (۳)«مردم به فراق امامشان گرفتار می شوند و ایشان در مراسم حج حاضر می شود و آنان را می بیند؛ ولی مردم ایشان را نمی بینند».

همچنین محمدبن عثمان عمری، یکی از نواب خاص امام عصر(عج) می گوید:

وَاللهِ انّ صَاحِب هذَا الامرِ لَیَحضُر المَوسمَ کُلَّ سَنهٍ، یَری النَّاسَ وَ یَعرِفُهم وَ یَرونَه وَ لایَعرِفونَه. (۴)

به خدا قسم صاحب این امر (امامت) هر سال هنگام حج، در حج حاضر می شود. او مردم را می بیند و آنها را می شناسد و مردم او را می بینند ولی نمی شناسند.

بی شک هنگامی که حضرت در مراسم حج حضور می یابند، در عرفات نیز حاضر می شوند؛ چراکه وقوف در عرفات، واجب و از ارکان حج است.

به گفته عارف و مفسر گرانقدر، فیض کاشانی:

یکی از طواف سر کوی ولی حق کردن

۱- (۱) . یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ (مائده : ۶۷)
۲- (۲) . المیزان، ج ۵، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.
۳- (۳) . کافی، ج ۱، صص ۳۳۷ و ۳۳۸.
۴- (۴) . من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

آیت الله جوادی در این مورد می نویسد:

وجود مبارک حضرت بقیه الله، حجت بن الحسن(عج) هر سال در مراسم حج و به ویژه در عرفات و منا حضور دارد... همچنین بسیاری از تربیت یافتگان و شاگردان خاص آن حضرت، میان حج گزاران حضور دارند و به مدد عنایت خاص حضرتش از ملکوت افراد آگاهی می یابند. (۱)و (۲)

ج) عرفات جلوه گاه دعای اهل بیت(علیهم السلام) به ویژه دعای عرفه امام حسین(علیه السلام)

در عرفات دعاهای متعددی از پیامبر(صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار(علیهم السلام) نقل شده است. (۳) این دعاها افزون بر آنکه انسان را به یاد خدا می اندازد و ذکر حق را بر زبان حج گزاران جاری می سازد، آنها را به یاد پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت او می اندازد. البته در این میان، دعای عرفه امام حسین(علیه السلام) (۴) و محتوای توحیدی اش تأثیر ویژه ای دارد؛ به طوری که نه تنها همگان را به سوی معبود می برد، بلکه یاد امام حسین(علیه السلام) و مظلومیت ایشان را در دل ها زنده می سازد.

۱- (۱) . صهبای حج، ص ۴۳۳.

۲- (۲) . اگرچه ممکن است مشکلات برخی زائران، ناخودآگاه به برکت امام زمان(عج) حل شود، اما چنین نیست که هر عمل خارق عادت و کرامتی که در ایام حج و در سرزمین منا و عرفات روی داد، مستقیم به دست وجود مبارک آن حضرت انجام گیرد. ممکن است ناآشنا یا سالمندی، خیمه خود را گم کند یا بین راه بدون توشه بماند، و یکی از اولیای الهی که تربیت شده مکتب ولایت ولی عصر(عج) است، او را راهنمایی کند. پس این شخص گرفتار، باواسطه خدمت آن حضرت رسیده است، نه بی واسطه؛ ر.ک: صهبای حج، صص ۴۳۳ و ۴۳۴.

۳- (۳) . ر.ک: الحج و العمره فی الکتاب والسنه، صص ۱۹۱ - ۱۹۵.

۴- (۴) . ر.ک: مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای عرفه.

آیت الله جوادی آملی در این زمینه می گوید:

بهترین نیایشی که جنبه سیاسی - عبادی حج و زیارت را به خوبی تبیین می کند، دعای عرفه عارف معروف در بین اهل معرفت و سید شاهدان کوی شهود و شهادت، سالار جانبازان میدان نبرد توحید علیه طاغوت، و سرور پاکان و آزادگان، در ساحت فضیلت، حضرت حسین بن علی(علیه السلام) است؛ زیرا حضرتش در این دعا هم دستور کفرستیزی و راه طاغوت زدایی و رسم سلحشوری و سنت سرکوبی جنایتکاران را ارائه می کند، و هم ستایش حکومت اسلامی و تقدیر دولت مکتبی و ظهور ولایت الهی را نشان می دهد، و هم تجلی هستی ذات اقدس خداوند و ظهور گسترده و همه جانبه آن ذات مقدس و خفای هرچه غیر اوست در پرتو نور او و پی بردن به او از خود او و به غیر او بها ندادن و غیر او را به او شناختن و دانستن را عین شهود و مستغنی از استشهاد دانستن را تفهیم می کند. (۱)

۱۲. عرفات روز دعاست، از خدا چه بخواهیم؟

عرفه روز ارتباط خلق با خالق و روز دعاست. در حقیقت، یکی از راه های کسب معرفت الهی همین دعاهاست. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «عرفه روز دعا و درخواست است». (۲)

حتی از آن حضرت روایت شده است که در روز عرفه، نماز عرفه با عجله خوانده می شود و نماز ظهر و عصر به صورت جمع خوانده

ص:۹۲

۱- (۱) . صهبای حج، ص ۴۲۸.

۲- (۲) . تهذیب، ج۵، ص۱۸۲؛ کافی، ج۴، ص۴۶۳.

می شود تا انسان برای دعا وقت بیشتری داشته باشد. همچنین سفارش شده است که «در عرفه حتی مشغول نگاه کردن به مردم نشو، بلکه به خودت بپرداز و دعا کن». (۱)

انسان می تواند در عرفه هرگونه حاجت دنیوی و اخروی را از خدا بخواهد. ولی پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیهم السلام) دعاهای خاصی را به ما آموزش داده اند تا از این فرصت بیشتر استفاده کنیم و مطالب عالی تر از خدا بخواهیم.

این دعاها، نوعی رازگویی است؛ یعنی کسانی که به اسرار هستی آشنایند، راه های کوتاه تر و مهم تر و مسائل عالی تر را به ما آموزش داده اند.

۱۳. عرفات و شیطان

در عرفات مواظب وسوسه های شیطان باشیم؛ چون این سرزمین، از بهترین مکان های توجه به خدا برای آمرزش است. ازاین رو شیطان تلاش می کند انسان را از رحمت و آمرزش الهی باز دارد. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «[در عرفه] از شیطان به خدا پناه ببرید که شیطان بیشتر دوست دارد در اینجا به یاد شما باشد [و شما را بلغزاند]». (۲)

«میبدی» در کشف الاسرار می نویسد:

در بعضی اخبار بیاید که بسیاری گناه است بنده را که کفارت آن نیست مگر ایستادن به عرفات و هیچ وقت نیست که شیطان را ببینند درمانده تر و زرد روتر از آن وقت که حاجیان در عرفات بیستند، از بس که بیند رحمت و فضل خدای بر سر ایشان باران و ریزان! (۳)

ص:۹۳

۱- (۱) . تهذیب، ج۵، ص۱۸۳؛ من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۵۴۲؛ الحج و العمره فی الکتاب والسنه، ص ۵۹۰.

۲- (۲) . التهذیب، ج۵، ص۱۸۲؛ کافی، ج۴، ص۴۶۳.

۳- (۳) . کشف الاسرار، میبدی، ج ۱، ص ۵۲۵.

بنابراین باید خطر شیطان را در عرفات جدی تر گرفت و بیشتر مواظب وسوسه او بود.

۱۴. اسرار جبل الرحمه (کوه رحمت)

این کوه در منطقه عرفات واقع شده است. گفتنی است که پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) بر تخته سنگی از این کوه ایستاد و خطبه معروف عرفات را بیان کرد. همچنین امام حسین(علیه السلام) دعای عرفه را در دامنه این کوه خواند. در ضمن، بر قله این کوه، قبه ای به نام آدم(علیه السلام) قرار دارد. (۱)

مشهور بین علما آن است که بالا رفتن از این کوه در روز عرفه، مکروه است؛ یعنی ثواب عبادت را کمتر می کند. در حدیثی از امام صادق(علیه السلام) و امام کاظم(علیه السلام) نقل است که توقف در پای کوه محبوب تر است (۲) و هرچه توقف به کوه نزدیک تر باشد، بافضیلت تر است.

از امام سجاد(علیه السلام) روایت شده است که هنگام بالا رفتن از کوه، قصد شود که خدا به هر مرد و زن مؤمنی مهرورز است و آنان را رحمت می کند و او سرپرست هر مسلمانی است. (۳)و (۴)

آیت الله جوادی آملی در این باره می نویسد:

صعود بر جبل الرحمه، باید انسان را عارف به این سرّ کند که خداوند نسبت به مرد و زن مؤمن، رحمت خاص و ولایت مخصوص

ص:۹۴

۱- (۱) . صهبای حج، ص ۴۱۸.
۲- (۲) . وسائل الشیعه، ج ۱۰، صص ۱۱ و ۱۹؛ کافی، ج ۴، ص ۴۶۳.
۳- (۳) . حدیث مشهور شبلی، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶.
۴- (۴) . شاید این دو دسته حدیث، جمع باشد؛ یعنی احادیث دسته اول، محل با فضیلت تر وقوف در عرفات (پایین کوه) را بیان می کند و حدیث شبلی اشاره دارد که اگر از جبل الرحمه بالا رفتی، چه چیزی را قصد کنی. ولی به هر حال روایت دوم، دستور صعود به کوه نمی دهد یا نفی فضیلت پایین کوه را نمی کند.

دارد. نیل حج گزاران به چنین معرفتی در نحوه نگرش و ارتباط آنان با سایر افراد و جوامع، تأثیر خواهد گذارد. (۱)

اسرار و معارف توقف در مشعر

اسرار مشعر در آیینه قرآن

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْكُرُوا اللّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْكُرُوهُ كَما هَداكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضّالِّينَ (بقره: ۱۹۸)

هیچ گناهی بر شما نیست که [در موسم حج، روزی و] بخششی از پروردگارتان بجویید و هنگامی که از «عرفات» روانه شدید، خدا را در «مشعرالحرام» یاد کنید و او را یاد کنید همان گونه که شما را راهنمایی نمود و [شما] پیش از آن، از گمراهان بودید.

۱. کوچ به سوی مشعر

در این آیه برای بیان حرکت حاجیان از عرفات به مشعر، از واژه «اَفضتم» استفاده شده که به معنای «بیرون آمدن گروهی» است؛ (۲) یعنی حاجیان همچون رودی سپید از عرفات به سوی مشعر سرازیر می شوند.

۲. یادمان حق در مشعر

وظیفه حاجیان در مشعر، یاد الهی است. البته یاد خدا گاهی در دل خانه می کند و گاهی بر زبان جاری می گردد و گاهی در عمل ظاهر می شود. آری، شب مشعر با یاد الهی، نشان خدا می شود.

۱- (۱) . صهبای حج، ص ۴۱۹.

۲- (۲) . ر.ك: تفسیر پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۸۰؛ المیزان، ج ۲، ص ۸۰.

۳. ذکر الهی طبق برنامه و دستور

ذکر الهی را بایـد طبق دسـتور و برنـامه او انجـام داد. آری، حاجیان از عادات جاهلی و مراسم بـدعت آمیز می پرهیزنـد و طبق راهنمایی الهی حرکت می کنند و هدایت او را سپاس می گزارند و سرمشق خود قرار می دهند.

۴. سرزمین مشعر، حرام است

تعبیر «الحرام» که صـفت «مشـعر» است، شاید می رساند که این سـرزمین، بخشـی از حرم امن الهی است (۱) و محرمات خاص خـویش را دارد؛ یعنی برخی کارهـا در سـرزمین مکه (حرم) ممنـوع است و این ممنوعیت هـا هر چنـد در عرفـات نبود، امـا در مشعر وجود دارد. (۲) برخی تفاسـیر نوشـته اند که: توصـیف «مشعر» به «الحرام»، دلالت بر قداست و احترام خاص آن سرزمین می کند. (۳)

اسرار مشعر در آیینه روایات

۱. در مشعر، درهای آسمان باز، و شب زنده داری رمز عروج است.

در حـدیثی از پیـامبر(صـلی الله علیه و آله) حکایت شـده است: «هرکس در شب های چهارگانه، شب زنـده داری (احیا) کنـد، بهشت بر او واجب می شود: شب هشتم، شب نهم، شب دهم ذی الحجه و شب عید فطر». (۴) شب دهم ذی الحجه، همان شبی است که حاجیان کوی دوست در سرزمین مشعر به سر می برند و یاد دوست را تا صبح، زنده نگاه می دارند.

ص:۹۶

۱- (۱) . اطیب البیان، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲- (۲) . چرا که عرفات خارج از حرم است. اما مشعر داخل حرم است.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج ۲، ص ۲۱.

۴- (۴) . الفردوس، ج۳، ص ۶۲۰؛ الجامع الصغیر، ج۲، ص۵۵۷؛ الحج والعمره فی الکتاب و السنه، ص ۲۲۴.

شب آمد شب که نالد عاشق زار گهی از دست دل گاهی ز دل دار

همچنین امام صادق(علیه السلام) فرمود:

اگر می توانی این شب (مشعر) را احیا کنی، انجام بده [و تا بامداد بیدار باش] که به ما رسیده است در این شب، درهای آسمان به روی صدای مؤمنان بسته نمی شود و خدا دعاها را اجابت می کند و گناهان را می آمرزد، برای کسی که بخواهد. (۱)

چه روزها به شب آورده ام در این امید که با وجود عزیزت شبی به روز آرم

۲. مشعر توقف در حجاب دوم

شخصی از امیرمؤمنان(علیه السلام) پرسید: «چرا مشعرالحرام در حرم قرار گرفت»؟ حضرت فرمود: «زیرا هنگامی که به حاجیان، اجازه ورود به مکه داده شد، آنها را در حجاب دوم متوقف کرد. پس هنگامی که زاری آنان در مشعر زیاد شد، به آنان اجازه داده شد تا قربانی کنند (۲)...».

۳. بیمه نامه الهی برای گناهکاران

در روایت است که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) در بامداد مشعر، به بلال گفت: «مردم را ساکت کن». سپس فرمود: «خدا در این مشعر به شما نعمت بخشید و گناهکارانتان را به خاطر نیکوکارانتان بخشود و به نیکوکارانتان هرچه طلبیدند، بخشید. پس به نام خدا حرکت کنید». (۳)

۱- (۱) . کافی، ج۴، ص۴۶۸؛ الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص ۲۲۵.

۲- (۲) . کافی، ج۴، ص۲۲۴؛ التهذیب، ج۵، ص۴۴۸؛ الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص ۲۲۵.

۳- (۳) . سنن ابن ماجه، ج۲، ص۱۰۰۶. در منابع شیعه نیز شبیه به این حدیث آمده است.

۴. ادب کوچ به مشعر، رعایت حال دیگران

در هنگـام کوچ از عرفات به سوی مشـعر، میلیون ها انسان یکباره به حرکت در می آینـد که اگر دقت نشود، برخی از مردم به ویژه افراد ناتوان آزار می بینند. ازاین رو ادب کوچ، رعایت حال دیگران است.

پیـامبر(صـلی الله علیه و آله) هنگـام حرکت از عرفات به سوی مشـعر، مردم را به آرامش فرامی خوانـد (۱) و می فرمود: «حـج، اسب تاختن و شتر دواندن نیست. خودتان را [از عذاب خدا] حفظ کنید و نیکو حرکت کنید. ضـعیف و مسلمانی را زیر پا قرار ندهید و در راه رفتن، میانه رو باشید». (۲)

همین سـفارش از امام صادق(علیه السـلام) نیز حکایت شـده است. حتی به ایشان گفته شـد:«چرا در کوچ به سوی مشـعر تأخیر می کنید»؟! حضرت فرمود: «من از ازدحام هراس دارم و می ترسم که در پایمال کردن انسانی شریک شوم». (۳)

۵. ترک تکبر، رمز لطف الهی بر حاجیان کوچ کننده به سوی مشعر

امام صادق(علیه السـلام) فرمود: «کسـی که از تنگه (بین دو کوه در دهانه مشـعر) بگـذرد و در دلش تکبر نباشـد، خـدا [با نظر رحمت] به او می نگرد». پرسیدم: «کبر چیست»؟ فرمود: «مردم را برنجاند و حق را نپذیرد». (۴)

۱- (۱) . سنن ابو داوود، ج۲، ص ۱۹۰؛ جامع الاصول، ج۳، ص۲۴۹؛ محاسن، ج۲، ص۶۵؛ صحیح بخاری، ج۲، ص۶۰۱؛ الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص ۲۲۲.

۲- (۲) . الکافی، ج۴، ص۴۶۷؛ التهذیب، ج۵، ص۱۸۷.

۳- (۳) . الکافی، ج۴، ص۴۶۷؛ التهذیب، ج۵، ص۱۸۷.

۴- (۴) . المحاسن، ج۱، ص۱۴۱.

۶. تنگه سلامت با دعای فرشتگان

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

هنگام کوچ حاجیان از تنگه دو فرشته ندا دهند: «پروردگارا [اینان را] سالم بدار، سالم بدار». پروردگار نیز می پذیرد و از این روست

که در آنجا کسی را زمین افتاده و شکسته نمی بینی. (۱)

اسرار و معارف توقف در منا

اسرار منا در آیینه قرآن

ثُمَّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللّهَ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ* فَإِذا قَضَیْتُمْ مَناسِکَکُمْ فَاذْکُرُوا اللّهَ کَذِکْرِکُمْ آباءَکُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِکْراً فَمِنَ النّاسِ مَنْ یَقُولُ رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا وَ ما لَهُ فِی الْآخِرَهِ مِنْ خَلاقٍ* وَ مِنْهُمْ مَنْ یَقُولُ رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ النّارِ* أُولئِکَ لَهُمْ نَصِیبٌ مِمّا کَسَبُوا وَ اللّهُ سَرِیعُ الْحِسابِ* وَ اذْکُرُوا اللّهَ فِی أَیّامٍ مَعْدُوداتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی یَوْمَیْنِ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ لِمَنِ اتَّقی وَ اتَّقُوا اللّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّکُمْ إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ (بقره: ۱۹۹ - ۲۰۳)

سپس از جایی که مردم روانه می شوند، [به سوی منا] روانه شوید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا بسیار آمرزنده مهرورز است * و هنگامی که اعمال [حج] خود را به جای آوردید، پس همانند یادآوری شما از نیاکانتان، یا با یادمانی شدیدتر، خدا را به یاد آورید و از مردم کسی است که می گوید: «[ای] پروردگار ما! به ما در [همین] دنیا بده» و حال آنکه برایش در آخرت، هیچ بهره ای نیست * و از آنان کسی است که می گوید: «[ای]

۱- (۱) . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۴۸.

پروردگـار مـا! در دنیـا به مـا نیکی، و در آخرت [نیز] نیکی نما و ما را از عـذاب آتش حفظ کن». * آنان انـد که از دسـتاورد [دعـای] شـان، بهره ای برایشـان می مانـد و خـدا حسابرسـی سـریع است. * و خـدا را در روزهـای معیّن (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجه) یاد کنیـد و هرکس در دو روز شـتاب کند [و اعمال حج را در دو روز انجام دهد] پس هیچ گناهی بر او نیست و هرکس تأخیر کند [و اعمال حج را در سه روز انجام دهد] پس هیچ گناهی بر او نیست. [این] برای کسـی است که خودنگه داری کند. پس خودتان را از [عذاب] خدا نگه دارید و بدانید که شما فقط به سوی او گرد خواهید آمد.

۱. کوچ همگانی و همسو با مردم

در این آیات دسـتور داده شده است که بعد از توقف در مشـعر، همچون مردم دیگر کوچ کنید و به سوی «منا» حرکت نمایید. آری با مردم و همراه مردم بودن در طی مسیر الهی نیکوست و حرکت دسته جمعی حاجیان از مشعر به منا، تجلی این همنوایی الهی است.

«آیت الله طالقانی» در ذیل آیات مذکور می نویسد:

تـا من هـا و مـا و مـا، به صورت یک روان خروشان، روان می گردنـد و چون آب روان، از آلودگی ها و رسوبات گناه و آثار جاهلیت پاک و پاک تر می گردند، تا مجذوب دو صفت خاص غفور و رحیم شوند. (۱)

۲. مبارزه با عادات جاهلیت

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

مشرکان هنگامی که در منا حاضر می شدند، افتخارات پدران خود را

۱- (۱) . پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۹۱.

یادآوری می کردند و قرآن یادآوری کرد که در هنگام حضور در سرزمین منا، یاد خدا کنید و این ذکر و یادمان، همچون یاد پدرانتان بلکه شدیدتر باشد. (۱)

بنابراین، قرآن مناسک اصیل حج را تأیید می کند. اما عادات عرب جاهلی و مشرکان را اصلاح می کند و منا را سرزمین ذکر الهی می خواند.

۳. منا سرزمین ذکر الهی

درباره آیه ۲۰۳ سوره بقره، از امام صادق(علیه السلام) روایت شده است که مقصود از ایام، ایام تشریق (روزهای ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ ذی الحجه در منا) است که برخی مردم در این ایام، در منا به فخرفروشی در مورد پدرانشان می پرداختند و خدا دستور داد که ذکر الهی بگویید. سپس حضرت با یادآوری آیه ۲۰۰ سوره بقره به ذکرهای آن ایام اشاره کردند:

«الله اکبر، الله اکبر، لا اله الاّ الله و الله اکبر، الله اکبر و لله الحمد، الله اکبر علی ما هدانا، الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمه الانعام». (۲)در احادیث دیگری از امام باقر(علیه السلام) و امام صادق(علیه السلام) آمده است که این تکبیرها بعد از نماز گفته شود. (۳)

۴. دنیا و آخرت را با همدیگر بخواهید

خداوند در آیات ۲۰۰ و ۲۰۱ سوره بقره در ضمن مباحث مربوط به منا، مردم را به دو دسته تقسیم می کند: گروهی، فقط دنیا را می طلبند. در نتیجه از آخرت محروم می شوند. اما گروه دیگر دنیا و آخرت و دفع عذاب الهی را از خداوند می طلبند.

ص:۱۰۱

۱- (۱) . السرائر، ج۳، ص۵۶۵؛ الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص ۲۲۷.

۲- (۲) . کافی، ج۴، ص۵۱۶؛ الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص ۲۲۸.

۳- (۳) . کافی، ج۴، ص۵۱۶؛ التهذیب، ج۵، ص۲۶۹؛ الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص۲۲۸.

«این آیه در حقیقت، منطق اسلام را در مسائل مادی و معنوی مشخص می سازد و کسانی را که تنها در مادیات غوطه ورند، همانند آنها که هیچ نظری به زندگی دنیا ندارند، محکوم می کند». (۱)

اسرار منا در آیینه روایات

۱. توقف در منا، زمینه ساز خشنودی خدا

امام صادق(علیه السلام) فرمود: «هنگامی که مردم در منا وارد می شوند، ندادهنده ای از طرف خدای عزوجل ندا می دهد که اگر رضایت مرا می خواهید، بدانید که من خشنود شدم». (۲)

۲. پایان منا، تولدی نو و آغازی دیگر

صدوق(رحمه الله) حکایت کرده است که حاجیان هنگام خروج از منا به سوی مکه، از گناهان خود خارج می شوند؛ مثل روزی که از مادر متولد شدند. (۳)

امام صادق(علیه السلام) فرمود: «هنگامی که شخصی از منا خارج می شود، فرشته ای دستش را بر پشت او می گذارد و می گوید از سر بگیر». (۴)؛ یعنی اعمال ناپسند گذشته تو بخشوده شد. پس در زندگی، آغازی دیگر داشته باش.

درخور توجه است که بسیاری از اسرار معنوی «منا»، در مناسک و اعمال آن، همچون سنگ زدن به شیطان، قربانی و تقصیر است که در ادامه خواهد آمد.

ص:۱۰۲

۱- (۱) . نمونه، ج۲، ص ۳۸.

۲- (۲) . کافی، ج ۴، ص۲۶۲؛ الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص ۲۲۹.

۳- (۳) . من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۰؛ الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص ۲۳۰.

۴- (۴) . المحاسن، ج۱، ص۱۴۱؛ الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص ۲۲۹.

قربانی

تقسیم بندی گوشت قربانی

لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللّهِ فِي أَيّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلى ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَهِ الْأَنْعامِ فَكُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِيرَ (حج: ۲۸)

تا [در حج] شاهد سودهایشان باشند و در روزهای معیّنی نام خدا را [به خاطر نعمت ها و به هنگام قربانی] بر دام های زبان بسته که به آنان روزی داده است، ببرند. پس از [گوشت] آنها بخورید و [نیز] به سختی کشیده نیازمند بخورانید.

نکته ها و اشاره ها

۱. حج برای مسلمانان فواید فراوانی دارد که تفسیرش ذیل مبحث وجوب حج و فلسفه آن بیان شد.

۲. در این آیه به مراسم قربانی حج اشاره شده است و فقط از نام بردن خدا به خاطر نعمت ها یا در هنگام قربانی کردن یاد شده است؛ (۱) چراکه روح این مراسم ارتباط با خداست.

قربانی کردن حیوانات در حقیقت رمز اعلام آمادگی حاجیان است که حاضرند همه چیز خود را در راه خدا قربانی کنند؛ همان طور که ابراهیم(علیه السلام) می خواست فرزندش اسماعیل را در راه خدا قربانی کند.

۳. در این آیه به چگونگی مصرف گوشت های قربانی اشاره شده است که هم حاجیان از آن بهره برند و هم به فقرا دهند. هرچند در

۱- (۱) . واژه «علی» در جمله عَلی ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَهِ الْأَنْعامِ ممکن است به معنای «استعلا» یا «برای» باشد؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۷۳.

برخی احادیث آمده است که بیرون بردن گوشت قربانی از سرزمین منا، ممنوع است. اما در برخی دیگر از احادیث، مانند حدیثی از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است که این مطلب مربوط به عصری بوده که مردم به آن گوشت ها نیاز داشتند. اما امروز که مردم زیاد شده اند، مانعی نیست که گوشت ها از آنجا خارج شود. (۱)

با توجه به حجم زیاد گوشت های قربانی و نیاز مسلمانان فقیر در کشورهای دیگر، مناسب است که مسلمانان ترتیبی اتخاد کنند که این گوشت ها اسراف نشود و با بسته بندی های مناسب به دست نیازمندان برسد.

۴. مقصود از «ایام معلومات» یا روزهای معیّنی است که نام خدا در آنها برده می شود که همان ده روز آغازین باشد یا روزهای یازدهم تا سیزدهم ذی الحجه است. البته احتمال اول با ظاهر آیه سازگارتر است، ولی چون در این آیه، از قربانی یاد شده است به نظر می رسد، احتمال دوم صحیح باشد. (۲)

آموزه ها و پیام ها

۱. با سفر به مکه، به اهداف و منافع حج توجه کنید.

۲. در ایام حج از یاد خدا غافل نشوید.

۳. از گوشت های قربانی خودتان استفاده کنید و به فقیران نیز بدهید.

ص:۱۰۴

۱- (۱) . کافی، ج ۴، ص ۵۰۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۴۹۳؛ استبصار، ج ۲، ص ۲۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص۱۷۲.
۲- (۲) . آیه ۲۰۳ سوره بقره مشابه این آیه است: وَ اذْكُرُوا اللّهَ فِی أَیّامٍ مَعْدُوداتٍ . ولی برخی مفسران این دو آیه را اشاره به دو مطلب می دانند؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۷۳ و ۷۴.

نوع حیوان قربانی

ذلِکَ وَ مَنْ یُعَظِّمْ حُرُماتِ اللّهِ فَهُوَ خَیْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ أُحِلَّتْ لَکُمُ الْأَنْعامُ إِلاّ ما یُتْلی عَلَیْکُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ). (حج: ۳۰)

این [اعمال حج است] و هرکس [برنامه های] محترم الهی را بزرگ شمارد، پس آن نزد پروردگارش برای او بهتر است و برای شما دام ها حلال شده است، مگر آنچه [حکمش] بر شما خوانده می شود. پس از بت های [سنگی] پلید، دوری کنید و از گفتار باطل [نیز] دوری نمایید.

نکته ها و اشاره ها

۱. واژه «حُرُمات» به معنای چیزی است که باید احترام آن حفظ شود و بدان بی حرمتی نشود و در اینجا اشاره به مناسک و اعمال حج است و ممکن است شامل احترام خانه کعبه و حَرَم مکه نیز بشود؛ یعنی هرکس احترام اعمال حج و حَرَم الهی را نگه داشت، برای خودش بهتر است؛ زیرا این اعمال را به پروردگار عرضه می کند و خدا نیز به او پاداش نیکو می دهد.

۲. در این آیه به یک قانون کلی در مورد حلال بودن گوشت چهارپایان، همچون شتر، گاو و گوسفند اشاره شده است و فقط یک مورد را استثنا کرده است که منظور از آن مورد، حرام یا ممنوعیت صید بر شخص مُحرِم است (۱) یا تحریم گوشت هایی است که برای بت ها

قربانی شده است.

۱- (۱) . همان طور که در آیه ۹۵ سوره مائده بدان اشاره شده است و البته آن سوره بعد از سوره حج نازل گشته است.

۳. مقصود از «اَوثان»، سنگ هایی است که مشرکان می پرستیدند. در این آیه این بت ها پلید خوانده شده است؛ چراکه این بت ها زندگی و افکار انسان را آلوده می سازند و به انحراف و خرافات سوق می دهند. برخی مفسران احتمال داده اند که این آیه، اشاره به کار پلید مشرکان است که خون قربانی را روی بت ها می ریختند و منظره زشتی به وجود می آوردند.

۴. تعبیر «قول زُور» در اصل به معنای سخن دروغ، باطل و خارج از حد اعتدال است و در اینجا ممکن است اشاره به تعبیرات شرک آمیز مشرکان در هنگام گفتن «لبیک»، (۱) یا پرهیز از گفتار باطل در هنگام حج باشد.

۵. هرچند این آیه به برخی اعمال مشرکان اشاره می کند، اما مفهوم آیه کلی است و مقصود از آن پرهیز از شرک در هر صورت، و اجتناب از گفتار باطل با هر کیفیت است.

۶. در برخی از احادیث، «قول زُور» را به «خوانندگی حرام» (غنا) و «گواهی براساس باطل» تفسیر کرده اند. البته مقصود این گونه احادیث، بیان مصداق این آیه است. (۲)

آموزه ها و پیام ها

۱. هرکس در بزرگداشت برنامه های الهی همچون مناسک حج کوشید و پاس آنها را نگاه داشت، به خودش خدمت کرده است.

۱- (۱) . آنان در هنگام احرام می گفتند: «لبیک لا شریک لک، الّا شریکاً هو لک، تملکه و ما ملک»؛ «دعوت تو را اجابت کردیم که هیچ شریکی برای تو نیست؛ مگر شریکی که مخصوص توست و تو مالک او و هرچه در اختیار اوست، هستی»؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۹۱.

۲- (۲) . همچنین اوثان را به شطرنج، به گونه ای که قمار باشد، تفسیر کرده اند؛ ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۱۶.

۲. اصل حلیت، در مورد گوشت دام ها جاری است؛ مگر مواردی که در دین بیان شده است.

۳. از شرک، پلیدی و سخنان بی اساس دوری کنید.

اعمال حج همراه با اخلاص

حُنَفاءَ لِلّهِ غَیْرَ مُشْرِکِینَ بِهِ وَ مَنْ یُشْرِکْ بِاللّهِ فَکَأَنَّما خَرَّ مِنَ السَّماءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّیْرُ أَوْ تَهْوِی بِهِ الرِّیحُ فِی مَکانٍ سَحِیقٍ (حج: ۳۱)

در حالی که حق گرایان برای خدایید [و] مشرک به او نیستید و هرکس به خدا شرک ورزد، گویی از آسمان فروافتد و پرندگان او را بربایند؛ یا باد او را به مکان دوردستی فرو اندازد.

نکته ها و اشاره ها

۱. «حُنفاء» در اصل به معنای کسی است که از گمراهی و انحراف، به استقامت و اعتدال تمایل پیدا می کند و در راه مستقیم گام برمی دارد.

در این آیه، اشاره به قصد قربت و اخلاص در اعمال حج است که روحِ این عبادت بزرگ است؛ یعنی مراسم حج فقط برای خدا انجام شود و هیچ انگیزه غیرخدایی و شرک آمیز در آن نباشد. (۱)

۲. در برخی احادیث نیز آمده است که «حَنیف» به معنای فطرت الهی و شناخت توحید است که انسان بر آن اساس آفریده شده است. (۲) البته این گونه احادیث اشاره به ریشه اصلی اخلاص، یعنی فطرت توحیدی دارد.

۱- (۱) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۹۴.

۲- (۲) . تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۷۷.

۳. این آیه، با دو مثال زیبا و جالب، سقوط مشرکان را به تصویر کشیده است؛

کسی که از آسمان توحید فاصله گرفت و به نور ستارگان هدایت توجه نکرد، سقوط می کند و در هنگام سقوط یا گرفتار پرندگان هوا و هوس می شود یا جریان های انحرافی همچون طوفانی سهمگین او را به دره های گمراهی می افکنند.

آموزه ها و پیام ها

۱. شرک، عامل سقوط انسان می شود و او را طعمه جریان های انحرافی می سازد.

۲. اعمال حج را برای خدا و به دور از شرک انجام دهید.

یاد خدا هنگام قربانی کردن

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنا مَنْسَكاً لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللّهِ عَلى ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعامِ فَإِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (حج: ۳۴)

و برای هر امتی، مراسم عبادی قربانی قرار دادیم تا نام خدا را [به هنگام قربانی] بر دام های زبان بسته که به آنان روزی داده، ببرند و معبود شما معبودی یگانه است. پس فقط تسلیم [فرمان] او شوید و فروتنان را مژده ده.

نکته ها و اشاره ها

۱. آیات پیشین، به مراسم قربانی در حج پرداخت و این آیه یادآور می شود که مراسم قربانی مخصوص مسلمانان نیست. بلکه خدا در هر ملت و دینی، این مراسم را قرار داده است؛ همان طور که هنوز هم مراسم قربانی را در ملت یهود و دیگران شاهدیم. هر چند این مراسم در برخی

ادیان و مذاهب، با خرافات آمیخته شده است، ولی اصل آن یک مراسم عبادی الهی است.

۲. قربانی کردن فقط کشتن یک حیوان نیست، بلکه سمبل آمادگی انسان برای فداکاری در راه خداست و این مراسم عبادی همراه با غذا رساندن به بینوایان است. پس قربانی یک کار منطقی، عبادی و نمادین است.

۳. «مَنسَک» در اصل به معنای عبادت است و مناسک حج به معنای اعمال حج یا مکان هایی است که این اعمال در آنجا انجام می شود. ولی با توجه به ذیل آیه، مقصود در اینجا، قربانی و قربانگاه است. (۱)

۴. در این آیه، به توحید و لزوم تسلیم در برابر خدا و ابراز فروتنی (۲) اشاره شده است. این سه تعبیر با همدیگر ارتباط دارد؛ چراکه فقط یک خدا هست؛ ازاین رو نباید مقابل دیگران سر تسلیم فرو آوریم و لازمه تسلیم در برابر خدا، فروتنی و تواضع است.

آموزه ها و پیام ها

۱. مراسم قربانی مخصوص مسلمانان نیست. بلکه برنامه ای عمومی است.

۲. تنها مقابل خدای واحد تسلیم شوید و بدانید که فروتنان در برابر او مژدگانی دارند.

۳. اگر می خواهید هنگام یاد خدا، بترسید و در برابر مشکلات شکیبا گردید و اهل نماز و انفاق شوید، فروتن باشید.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۰۲. با توجه به قرینه یَذْکُرُوا اسْمَ اللّهِ .
۲- (۲) . «مُخبتین» در اصل به معنای زمین صاف و وسیع است که انسان به راحتی در آن گام برمی دارد. سپس به معنای اطمینان و فروتنی آمده است؛ ر.ک: تفسیر نمونه: ج ۱۴، ص ۱۰۳.

قربانی از نشانه های الهی و تقسیم پذیر

وَ الْبُدْنَ جَعَلْناها لَكُمْ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ لَكُمْ فِيها خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللّهِ عَلَيْها صَوافَّ فَإِذا وَجَبَتْ جُنُوبُها فَكُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْقانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ كَذلِكَ سَخَّرْناها لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (حج: ۳۶)

و برای شما آن شترهای فربه قربانی را از نشانه های خدا قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر [و برکت] است. پس درحالی که [برای قربانی] به صف ایستاده اند، نام خدا را بر آنها ببرید و هنگامی که پهلوهایشان [بر زمین] افتاد [و جان دادند]، از [گوشت] آنها بخورید و به [نیازمندان] قانع و [فقیران] درخواست کننده بخورانید. این گونه آنها را برای شما رام ساختیم تا شاید شما سپاسگزاری کنید.

نکته ها و اشاره ها

۱. شتر قربانی از طرفی متعلق به مردم است و گوشت آن به مصرف بینوایان می رسد و از طرف دیگر نیز از شعائر و نشانه های خداست؛ چراکه قربانی حج، انسان را به یاد خدا می اندازد. پس قربانی برای حاجیان خیر و نیک است؛ چون هم فراهم آمدن غذاست و هم عبادت.

۲. «بُدْن» به معنای شتر بزرگ و فربه است. از آن جا که چنین حیوانی برای مراسم قربانی و غذای بینوایان مناسب تر است، بر آن تأکید شده است؛ وگرنه چاق بودن قربانی از شرایط الزامی قربانی حج نیست؛ بلکه همین اندازه که لاغر نباشد، کافی است.

۳. در این آیه بیان شده است که حیوانات هنگام قربانی به صف قرار می گیرند؛ یعنی دستان شتر قربانی را می بندند تا هنگام نحر و کشتن، زیاد تکان نخورد و فرار نکند. البته این آیه در مقام بیان صورت کامل قربانی

ص:۱۱۰

کردن است؛ وگرنه کشتن حیوان قربانی، کیفیت خاصی ندارد؛ بلکه باید ذبح شرعی شود و نام خدا هنگام کشتن او برده شود. (۱)

۴. «قانِع» به معنای فقیری است که اگر چیزی به او دهند، قناعت می کند. اما «مُعتَر» به معنای فقیری است که از انسان تقاضا می کند و چه بسا اعتراض نماید و راضی هم نشود. (۲) این تعبیرات اشاره دارد که به همه فقیران از گوشت قربانی بدهید.

۵. در این آیه دستور داده شده است که حاجیان مقداری از گوشت قربانی خود را بخورند. از این رو برخی از فقیهان و مفسران این کار را واجب شمرده اند. (۳)

۶. این آیه، رام شدن شتران را نعمتی الهی می داند که شایسته سپاسگزاری است.

آموزه ها و پیام ها

۱. برای قربانی، حیوانات فربه را انتخاب کنید تا برایتان سود مادی و معنوی بیشتری داشته باشد.

۲. حیوان قربانی یکی از نشانه های خداست و رام شدن او، نعمتی الهی است که شایسته سپاسگزاری است.

۳. هم خودتان از گوشت قربانی بخورید و هم به فقیران بخورانید.

۱- (۱) . برای دعا کردن هنگام کشتن حیوان قربانی، دعاهایی هم ذکر شده است؛ ر.ک: کافی، ج ۴، ص ۴۹۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۰۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۲۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۲.
۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۰۸.
۳- (۳) . همان.

هدف از قربانی کردن

لَنْ یَنالَ اللّهَ لُحُومُها وَ لا دِماؤُها وَ لکِنْ یَنالُهُ التَّقْوی مِنْکُمْ کَذلِکَ سَخَّرَها لَکُمْ لِتُکَبِّرُوا اللّهَ عَلی ما هَداکُمْ وَ بَشِّرِ الْمُحْسِنِینَ (حج: ۳۷)

گوشت های آن [قربانی]ها و خون های آنها به خدا نمی رسد؛ اما خودنگهداری شما به او می رسد. این گونه آنها را برای شما رام ساخت تا خدا را به پاس اینکه شما را راهنمایی کرده است، بزرگ شمارید و نیکوکاران را مژده ده.

نکته ها و اشاره ها

۱. فلسفه و هدف قربانی، باتقوا شدن شماست؛ وگرنه خدا به گوشت و خون قربانی نیازی ندارد؛ چراکه او بی نیاز و کامل است؛ به عبارت دیگر، هدف از قربانی کردن آن است که شما با این عمل عبادی، پله های رشد و کمال را بپیمایید و به خدا نزدیک تر شوید و درس ایثار و آمادگی برای فداکاری و شهادت و نیز درس یاری رساندن به فقیران را بیاموزید.

۲. خون حیوانات قربانی به خدا نمی رسد. اعراب جاهلی هرگاه حیوانی را قربانی می کردند، خون آن را بر سر بت ها یا در و دیوار کعبه می پاشیدند و برخی از مسلمانان نیز بی میل نبودند که از این برنامه خرافی پیروی کنند. آیه فوق آمد و آنان را از این کار بازداشت. (۱)

۳. خدا حیوانات نیرومند را رام شما ساخت تا با عظمت خدا آشنا شوید و با تکبیر، سپاس او گویید.

ص:۱۱۲

۱- (۱) . کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۱۴.

آموزه ها و پیام ها

۱. پرهیزکار شدن، هدف و فلسفه قربانی کردن است. پس در این راه کوشش کنید.

۲. از نعمت های خدا، همچون رام بودن حیوانات، به عظمت پروردگار پی ببرید و تکبیر او گویید.

۳. نیکوکاران نزد خدا مژدگانی دارند.

ص:۱۱۳

فصل چهارم: اماکن و ایام مقدس مرتبط با حج

اشاره

ص:۱۱۵

درآمد

در قرآن کریم از برخی مکان های مقدس حج یاد شده است؛ از جمله مکه، مسجدالحرام و کعبه. همچنین قرآن به برخی از ایام مقدس مرتبط با حج اشاره کرده است؛ مانند ماه های حرام، روز غدیر، مباهله و برائت. ما می خواهیم در این فصل از اماکن و ایام مقدس مربوط به حج سخن بگوییم.

مکه

مکه، مادر شهرها (ام القری)

وَ كَذٰلِكَ أَوْحَيْنا إِلَيْكَ قُرْآناً عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرى وَ مَنْ حَوْلَها وَ تُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ . (شوری: ۷)

و این چنین، قرآنی عربی (واضح) را به سوی تو وحی کردیم، برای اینکه [مردم] ام القری (مکه) و کسانی را که پیرامون آن اند، هشدار دهی، و درباره روز جمع آوری [مردم در قیامت] که هیچ تردیدی در آن نیست هشدار دهی؛ دسته ای در بهشت اند و دسته ای در شعله فروزان [آتش]اند!

ص:۱۱۷

نکته ها و اشاره ها

۱. «ام القری» به معنای اساس و مادر آبادی ها و شهرها، یکی از نام های مکه است؛ چراکه این شهر، مرکز اسلام بوده و از آنجا اسلام به روستاها و شهرها و کشورهای دیگر راه یافته است. (۱)

۲. در این آیه به خواندنی بودن و واضح بودن قرآن (۲) و هدف نزول آن اشاره شده است که همان هشدار به مردم است. هرچند بشارت و هشدار، هر دو از اهداف قرآن و رسالت است. اما از آنجا که روی سخن این آیات با مخالفان است، بر هشدار تأکید شده است.

۳. اگر هدف پیامبر(صلی الله علیه و آله) جهانی است، چرا این آیه، مردم مکه را هدف هشدار معرفی کرده است؟

اولاً، اعلام رسالت پیامبر(صلی الله علیه و آله) مراحلی داشت که از هشدار به خویشاوندان شروع شد و سپس هشدار به قوم او و مردم مکه و در پایان هشدار به همه جهانیان مطرح شد. (۳) ازاین رو پیامبر(صلی الله علیه و آله) نامه هایی به سران ایران، مصر و روم نوشت و آنان را به اسلام دعوت کرد.

ثانیاً، هشدار به مردم مکه و اطراف آن، تأکید بر هشدار به یک منطقه خاص است؛ نه نفی هشدار از مردم سایر مناطق جهان.

۴. یکی از نام های رستاخیز «یوم الجمع» است که منظور از آن، جمع شدن همه مردم در رستاخیز یا جمع بین ارواح و اجساد یا جمع بین

۱- (۱) . برخی مفسران نوشته اند که براساس روایات، بیرون آمدن خشکی های زمین از زیر آب، از نقطه مکه شروع شده است. ازاین رو ام القری می گویند؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۵۷.

۲- (۲) . «قرآن» به معنای خواندنی و جمع شده، و «عربی» به معنای واضح و گویاست.

۳- (۳) . ر.ک: شعراء: ۲۱۴؛ زخرف: ۴۴؛ فرقان: ۱.

انسان و اعمالش و یا اجتماع ظالمان و مظلومان است. (۱) البته مانعی ندارد که همه این معانی، مقصود آیه باشد.

آموزه ها و پیام ها

۱. قرآن کتابی خواندنی و واضح است که با هدف هشدار جهانیان نازل شده است.

۲. هدف رسالت پیامبر(صلی الله علیه و آله) هشدار به مردم درباره رستاخیز است.

۳. مکه، شهر مرکزی اسلام است.

۴. مبلغان دینی، باید شهر خود را در اولویت تبلیغی قرار دهند.

۵. مردم در برابر قرآن و پیامبر، به دو دسته مؤمنان عدالت پیشه بهشتی و ستمکاران دوزخی تقسیم می شوند.

کعبه نخستین عبادتگاه بشر

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّهَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمِينَ . (آل عمران: ۹۶)

در واقع نخستین خانه [و پرستشگاهی] که برای مردم نهاده شد، آن [است] که در مکه است که خجسته و برای جهانیان [مایه] هدایت است.

نکته ها و اشاره ها

۱. یهودیان اشکالاتی به پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) کردند؛ از جمله گفتند چرا پیامبر اسلام که خود را وفادار به آیین ابراهیم(علیه السلام) می داند، قبله خویش را به سوی کعبه تغییر داده است؛ درحالی که تمام پیامبرانی که از دودمان

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۵۹. البته ایشان معنای اول را ترجیح می دهند.

اسحاق، فرزند ابراهیم بودند، بیت المقدس را محترم می شمردند و به طرف آن نماز می گزاردند؟ (۱) آیه فوق به آنان پاسخ داد که نخستین پرستشگاه جهان، همان کعبه بوده است.

۲. طبق احادیث اسلامی، کعبه به دست آدم(علیه السلام) ساخته شد. سپس در طوفان نوح آسیب دید. آن گاه ابراهیم خلیل آن را بازسازی کرد. (۲)

۳. تعبیر «خانه ای که برای مردم است»، در مورد کعبه ای به کار رفته است که نام دیگرش «خانه خدا» است. پس این تعبیرات بیان کننده این حقیقت است که آنچه به نام خدا و برای خداست، در خدمت مردم است و آنچه در خدمت مردم و برای بندگان خداست، برای خدا محسوب می شود.

۴. نکته جالب آن است که کعبه برای عموم مردم (ناس) قرار داده شده است. پس خیر و برکت آن تنها برای قوم خاص یا پیروان یک دین، مثل دین حنیف نبوده است.

۵. منظور از جمله: «کعبه نخستین خانه ای بوده که برای مردم ساخته شده است»، آن است که کعبه نخستین خانه و محل پرستش بوده است و مراد از خانه در اینجا، خانه مسکونی نیست.

۶. واژه «بَکّه» در اصل به معنای ازدحام و اجتماع است. برخی از مفسران نیز گفته اند «بَکّه» همان مکه است که «میم» آن به «باء» تبدیل شده است و نظیر این در برخی لغات عرب، مثل لازم و لازب وجود

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۳، صص ۶ و ۹.
۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۶۱.

دارد. امام صادق(علیه السلام) نیز فرمود: «مکه نام مجموع شهر است و بکه نام محلی است که خانه کعبه در آنجا بنا شده است». (۱)

در مورد اینکه چرا به مکه، بَکّه می گویند، چند احتمال وجود دارد: برخی گفته اند چون مردم در مکه ازدحام و اجتماع می کنند. برخی نیز احتمال داده اند که «بَکّه» به معنای از بین بردن نخوت و غرور است؛ چراکه در این مرکز، همه گردن کشان مغرور باید همانند مردم عادی به نیایش برخیزند. در برخی احادیث نیز آمده است که چون مردم در کعبه و اطراف آن گریه می کنند، به آن «بَکّه» گفته می شود. (۲)

۷. در این آیه، چند فضیلت برای کعبه بیان شده است:

الف) کعبه سابقه ای طولانی دارد؛ یعنی نخستین پرستشگاه جهان بوده است. همین مسئله، سبب ارزش و اهمیت کعبه و حجرالاسود (۳) شده است.

ب) کعبه، مبارک است. واژه «مبارک» به معنای پربرکت و پرفایده است. کعبه هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی در سرزمین پربرکت واقع شده است. برکات معنوی این سرزمین، به ویژه در مراسم حج آشکار می شود.

اما درباره برکات مادی آن، می توان گفت هر چند شهر مکه در سرزمینی خشک واقع شده است که از نظر طبیعی برای زندگی مناسب نیست، ولی در طول تاریخ، همواره یکی از شهرهای آباد جهان و از مراکز تجاری بوده است.

ص:۱۲۱

۱- (۱) . علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۷.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . حجرالاسود (سنگ سیاه) سنگی است که در یکی از ضلع های کعبه به کار رفته است و قدیمی ترین قطعه این بنا به شمار می رود و همه ساله بسیاری از مردم به آن دست می کشند.

ج) کعبه مایه هدایت جهانیان است. جاذبه معنوی این خانه مقدس چنان است که همگان را بی اختیار تحت تأثیر خود قرار می دهد و هر سال مردم را از نقاط مختلف جهان برای زیارت و مراسم حج به سوی خود می کشاند.

آیین حج، حتی در دوران تاریک جاهلیت و بت پرستی نیز برگزار می شد و برگزاری این مراسم که ناقص هم بود، تا اندازه زیادی جلوی کارهای نادرست آنان را می گرفت.

آری، کعبه هدایت های ظاهری و باطنی برای بشر دارد که جلوه هایی از آن در حج، عمره و طواف تبلور می یابد. پس کعبه، رمز هدایت همه مردم است.

آموزه ها و پیام ها

۱. کعبه نخستین پرستشگاه و مایه برکت و هدایت است. بنابراین از آن غافل نشوید و آن را قبله خویش قرار دهید و در آنجا اجتماع کنید.

۲. به سابقه تاریخی مکان های مقدس توجه کنید که این یکی از معیارهای امتیاز آنهاست.

۳. فواید کعبه جهانی است و اختصاص به قومی ندارد.

۴. از کعبه برکت و هدایت بخواهید.

مکه حرم امن الهی

أَ وَ لَمْ یَرَوْا أَنّا جَعَلْنا حَرَماً آمِناً وَ یُتَخَطَّفُ النّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَ فَبِالْباطِلِ یُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَهِ اللّهِ یَکْفُرُونَ . (عنکبوت: ۶۷)

و آیا نظر نکرده اند که ما [مکه را] حرم امنی قرار دادیم؛ درحالی که مردم از اطرافشان ربوده می شدند؟! پس آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را انکار می کنند؟!

نکته ها و اشاره ها

۱. در این آیات به یکی از نعمت های بزرگ خدا بر بشر، یعنی نعمت حرم امن مکه اشاره شده است؛ درحالی که جهان پر از ناامنی است. خدا مکه را جزیره امن برای همگان قرار داده است؛ به طوری که حتی حیوانات نیز در آنجا در امان اند و کسی حق تعرّض به آنها را ندارد.

البته این حرم امن، آثار و فواید زیادی برای بشر دارد که بیشترین فایده آن برای مردم مکه است.

۲. مشرکان با اینکه از نعمت الهی حرم امن مکه استفاده می کنند، باز هم کفر می ورزند و ناسپاسی می کنند و این ناسپاسی و کفر از مشرکان ساکن مکه زشت تر است.

آموزه ها و پیام ها

۱. قدر نعمت حرم امن مکه را بدانید و ناسپاسی نکنید.

۲. باطل گرایان از نعمت امنیت حرم استفاده می کنند و ناسپاسی می کنند. شما این گونه نباشید.

مکه شهر با امنیت و پربرکت

وَ إِذْ قالَ إِبْراهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلاً ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلى عَذابِ النّارِ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ . (بقره: ۱۲۶)

و [یاد کنید] هنگامی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این [مکه] را سرزمین امن قرار ده و مردمش را، هرکس از آنان به خدا و روز بازپسین ایمان آورد، از محصولات روزی ده». [پروردگارش] گفت: «[دعای تو را اجابت کردم] و [لی] هرکس کفر ورزد پس اندکی برخوردارش می کنم. سپس او را به سوی عذابِ آتش می کشانم و [چه] بد فرجامی است»!

نکته ها و اشاره ها

۱. تا امنیت در شهر و کشور برقرار نباشد، فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست؛ به عبارت دیگر، بهره مندی از نعمت های اقتصادی وقتی گواراست که در فضای آرام و امن باشد. در واقع، امنیت و اقتصاد، دو اصل مهم زندگی مردم است که مورد توجه انبیای الهی بوده است.

۲. حضرت ابراهیم(علیه السلام) برای «مؤمنان» درخواست رزق کرد؛ اما خداوند فرمود به «کافران» نیز رزق خواهم داد. سنت الهی آن است که به همه مردم، اعم از مسلمان و کافر روزی دهد و در واقع این تجلی صفت رحمانیت، یعنی رحمت عام خداست.

۳. واژه «قلیلاً»، که درباره رزق کافران به کار رفت، نشان می دهد که کامیابی مادی کافران در دنیا، هر اندازه باشد، نسبت به نعمت های مؤمنان در دنیا و آخرت اندک است.

۴. ابراهیم(علیه السلام) که الگوی مؤمنان است، هنگام دعا، دیگران را فراموش نمی کند. بنابراین ما نیز دیگران را در دعای خود شریک کنیم.

۵. مقصود از «ثمرات» در این آیه، هرگونه نعمت مادی و معنوی است؛ یعنی با اینکه مکه سرزمین خشکی است، اما اهل مکه از انواع میوه و محصولات مادی برخوردارند.

ص:۱۲۴

آموزه ها و پیام ها

۱. مؤمنان مکه مورد عنایت ویژه خدایند.

۲. رحمت خدا وسیع است و رزق او شامل تمام مردم، چه مؤمن و چه کافر می شود.

۳. کافران به نعمت های اندک دنیوی خود دلشاد نباشند که فرجامی سخت دارند.

۴. به فکر مؤمنان باشیم و برای آنان دعا کنیم.

۵. رهبران الهی در فکر امنیت و اقتصاد مردم باشند و برای آنها دعا و تلاش کنند.

۶. امنیت اجتماعی، زمینه ساز شکوفایی اقتصادی است.

مکه شهری که می توان به آن قسم خورد

لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ* وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ* وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ* لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی کَبَدٍ . (بلد: ۱ و ۴)

به این سرزمین (مکه) سوگند یاد می کنم! * درحالی که تو در این سرزمین فرو آمده ای! * سوگند به پدر و آنچه زاد! * که به یقین، انسان را در رنج و مشقت آفریدیم.

نکته ها و اشاره ها

۱. هر چند خدای متعال همواره سخن راست و درست می گوید، اما گاهی برای تأکید بر مطلبی و نشان دادن اهمیت آن، سوگند یاد می کند. این سوگندها نشان دهنده عظمت آن مطلب است؛ به طوری که توجه انسان را به آن جلب می کند.

۲. در این آیات، به سرزمین مکه سوگند یاد شده است؛ زیرا آنجا نخستین مرکز توحید و عبادت پروردگار است و پیامبران بزرگی همچون ابراهیم(علیه السلام)، اسماعیل(علیه السلام) و محمد(صلی الله علیه و آله) در آنجا طواف کرده اند.

۳. شرافت مکه به علت وجود پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) در آن سرزمین است و زمانی به آن شهر سوگند یاد می شود که پیامبر(صلی الله علیه و آله) در آن شهر است. ازاین رو هنگامی که پیامبر(صلی الله علیه و آله) از مکه هجرت می کند، با عنوان «قریه» یعنی روستا و آبادی از آن یاد می شود. (۱) در واقع، ارزش سرزمین ها به ارزش انسان هایی است که در آنها زندگی می کنند. اگر در سرزمینی عالمان و رهبران الهی زندگی کنند، آنجا متمدن است و حتی می توان بدان سوگند یاد کرد؛ وگرنه سزاوار نام شهر نیست.

گفت معشوقی به عاشق کای فتی

۴. برخی مفسران برای این آیات، تفسیر دیگری نیز ذکر کرده و گفته اند که خدا می فرماید: «به شهر مکه سوگند یاد نمی کنم؛ (۲) زیرا مردم مکه با تو بسیار بدرفتاری می کنند». شهری که هرکس داخل آن شود امنیت دارد، چرا برای تو امنیتی ندارد و مشرکان حرمت تو را نگاه نمی دارند. این تفسیر که در برخی احادیث نیز آمده است، (۳) به نوعی سرزنش مشرکان مکه است.

۵. در این آیات، از «پدر و فرزند» یاد شده است. این پدر و فرزند، یا ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام) هستند که کعبه و مکه را بنیاد نهادند یا آدم و

۱- (۱) . مِنْ قَرْیَتِکَ الَّتِی أَخْرَجَتْکَ أَهْلَکْناهُمْ... (محمد: ۱۳)

۲- (۲) . بنابر تفسیر اول «لا» زایده، و بنابراین تفسیر «لا» نافیه است.

۳- (۳) . تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۴۷؛ بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۵۱.

فرزنـدانش یا آدم و پیامبران از نسل او و یا می توانـد هر پدر و فرزندی مقصود باشد. البته مانعی ندارد که آیه به هر چهار معنا اشاره داشته باشد؛ هرچند معنای اول مناسب تر است. (۱)

۶. انسان از آغاز زندگی تا هنگام مرگ، گرفتار مشکلات و رنج های روحی و جسمی است. (۲) حتی پیامبران الهی نیز از این قانون استثنا نشدند.

در واقع انسان با همین رنج و مشکلات، ساخته می شود و تکامل می یابد. آرامش بی رنج در زندگی مادی ممکن نیست. تنها سرای آخرت و بهشت جای راحتی و آرامش نهایی است.

آموزه ها و پیام ها

۱. سرنوشت انسان با رنج و سختی رقم خورده است. پس منتظر آرامش و راحتی مطلق در دنیا نباشید.

۲. ارزش شهرها، به ارزش مردان الهی است که در آنجا ساکن می شوند.

۳. شهر مکه همراه پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) و ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام) آن قدر ارزشمند است که می توان به آن سوگند یاد کرد.

مکه شهر پرجاذبه و پربرکت و محل برپایی نماز

رَبَّنـا إِنِّی أَسْـکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِـوادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْـدَ بَیْتِـکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنـا لِیُقِیمُوا الصَّلاهَ فَاجْعَـلْ أَفْئِـدَهً مِنَ النّـاسِ تَهْوِی إِلَیْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ یَشْکُرُونَ . (ابراهیم: ۳۷)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۲۷، صص ۸ و ۹.

۲- (۲) . «کبـد» در اصـل به معنای شـدت است و برخی آن را به معنای درد کبـد انسان گفته انـد؛ ر.ك: المفردات فی غریب القرآن.

[ای] پروردگار ما! در واقع، من برخی از فرزندانم را در درّه ای [و سرزمینی] بدون زراعت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. [ای]پروردگار ما! [آنان را سکونت دادم] تا نماز را برپا دارند. پس دل های گروهی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات روزی ده، تا شاید آنان سپاسگزاری کنند.

نکته ها و اشاره ها

۱. این آیه به هنگامی اشاره می کند که ابراهیم(علیه السلام) با هاجر ازدواج کرد و دارای فرزندی به نام اسماعیل شد و به فرمان خدا، هاجر و فرزند کوچکش را به سرزمین مکه آورد و کنار کعبه گذاشت. (۱)

سرزمین مکه در آن هنگام، خشک و بی آب و علف بود و آفتاب گرمش، مادر و کودک را می رنجاند. هاجر مدتی به دنبال آب گشت، اما آبی نیافت. آن گاه دید که کودکش پای بر زمین سایید و چشمه ای پدیدار شد. چیزی نگذشت که قبیله بیابانگرد «جرهم» که از نزدیکی آن محل عبور می کردند، از ماجرا آگاه شدند و در آن سرزمین اقامت کردند و کم کم شهر مکه شکل گرفت و دعاهای ابراهیم(علیه السلام) تحقق یافت.

۲. در آیه ۳۵ همین سوره، ابراهیم(علیه السلام) از مکه با عنوان «بَلَد» (شهر) یاد می کند. اما در این آیه از آن با عنوان «سرزمین فاقد آب و گیاه» یاد می کند؛ زیرا در آغاز ورود ابراهیم(علیه السلام) به مکه، آنجا سرزمینی خشک و سنگلاخی بود. اما با پیدایش چشمه زمزم و اقامت قبایل اطراف، آنجا به

۱- (۱) . برخی مفسران نوشته اند که انتقال هاجر و اسماعیل به مکه به علت حسادت و تحریک «ساره» همسر دیگر ابراهیم بود؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۶۲. اما از تعبیر لِيُقِيمُوا الصَّلاةَ استفاده می شود که هدف بلند دینی و دستور الهی بود که ابراهیم را به این کار واداشت.

مرور زمان به شهر تبدیل شد. البته شاید این تعبیر برای آن است که «بلد» در قرآن گاهی به معنای سرزمین می آید. (۱)

۳. علت اصلی سکونت خانواده ابراهیم(علیه السلام) در مکه، برای برپایی نماز بود؛ زیرا کعبه، قبله عبادت بندگان صالح خدا در این سرزمین بود.

۴. نماز در ادیان پیشین نیز بوده است؛ هرچند مقدار و کیفیت آن با نماز مسلمانان تفاوت داشته است.

۵. محبوبیت و گرایش دل ها، به دست خداست و این مسئله با فداکاری در راه خدا و برپایی نماز ارتباط دارد.

۶. سرزمین مکه در زمان ابراهیم(علیه السلام) نیز محترم بود و محدودیت و ممنوعیت داشت؛ یعنی حَرَم بود.

۷. ابراهیم(علیه السلام) در این آیه، دو دعا برای فرزندانش می کند: یکی برای تأمین نیازهای اقتصادی آنان و دیگری برای مسائل معنوی آنان که خدا آنان را محبوب مردم قرار دهد.

۸. امام باقر(علیه السلام) فرمود: «ما اهل بیت رسول اللّٰه(صلی الله علیه و آله) باقیمانده نسل ابراهیم(علیه السلام) هستیم که دل های مردم به سوی ما گرایش دارد [سپس آیه مورد بحث را تلاوت کردند]». (۲)

آموزه ها و پیام ها

۱. در مهاجرت و سکونت، نمازمحور باشید.

۲. تأمین نیازهای اقتصادی، زمینه ساز شکر خداست.

۳. به فرزندان خویش دعا کنید.

۱- (۱) . ر.ک: اعراف: ۵۷ و ۵۸.

۲- (۲) . تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۱؛ المناقب ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۱۷۹؛ تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۵۵.

ماجرای حمله فیل سواران به مکه و دفاع الهی از آن

أَ لَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِأَصْحابِ الْفِیلِ* أَ لَمْ یَجْعَلْ کَیْدَهُمْ فِی تَضْلِیلٍ* وَ أَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْراً أَبابِیلَ* تَرْمِیهِمْ بِحِجارَةٍ مِنْ سِجِّیلٍ* فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَأْکُولٍ . (فیل: ۱ – ۵)

آیا نظر نکرده ای که پروردگارت با همراهان فیل چه کرد؟! * آیا نیرنگ آنان را گم گشته قرار نداد؟! * و پرندگانی دسته دسته بر آنان فرستاد * که سنگ [هایی] از جنس گِل بر آنان افکندند * و [سرانجام] آنان را همچون برگ خورده شده قرار داد.

شأن نزول

ابوطالب روزی از پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) پرسید: «آیا تو پیامبر قوم خود هستی یا به سوی جهانیان برانگیخته شده ای»؟ پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: «من به سوی تمام انسان های سیاه، سفید، عرب و عجم برانگیخته شده ام... و تمام فارس و روم را به سوی این آیین فرا می خوانم».

این سخن به گوش قریش رسید و آنها با اعتراض به ابوطالب گفتند: «اگر این سخنان به گوش مردم فارس و روم برسد، ما را از سرزمینمان می ربایند و سنگ های خانه کعبه را قطعه قطعه جدا می کنند». در همین هنگام آیه ۵۷ سوره قصص و سوره فیل نازل شد (۱) و با یادآوری سرگذشت هلاکت بار فیل سواران، گوشزد کرد هیچ کس قادر نیست به کعبه حمله کند.

ص:۱۳۰

۱– (۱) . تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۶۹.

نکته ها و اشاره ها

۱. این سوره به ماجرای حمله «ابرهه» به کعبه اشاره دارد. (۱) ابرهه یکی از فرماندهان سپاه مسیحیان در فتح یمن بود. او که مردی قدرت طلب بود با کودتا در یمن به حکومت رسید و دستور ساخت کلیسایی زیبا را داد و از مردم عرب خواست که در آن عبادت کنند و از کعبه دست بردارند. ولی مردم نپذیرفتند و حتی برخی به کلیسای ابرهه جسارت کردند و آن را آتش زدند. ازاین رو ابرهه تصمیم به تخریب کعبه گرفت تا هم از آنها انتقام گرفته باشد و هم مردم را متوجه کلیسای خود سازد.

ابرهه با سپاهی فیل سوار (۲) به سوی مکه حرکت کرد و اموال مردم را غارت کرد که در این میان دویست شتر از عبدالمطلب به یغما رفت. سپس فرستاده ای به سوی بزرگ مردم مکه (عبدالمطلب) فرستاد تا به آنان خبر دهد که او فقط برای تخریب کعبه آمده است و قصد جنگ ندارد. عبدالمطلب نزد او رفت و ضمن درخواست برگرداندن شترانش، به او گفت: «من صاحب شتران خود هستم و خانه کعبه نیز صاحب دارد که به زودی از آن دفاع می کند». با سرازیر شدن سپاه ابرهه به سوی کعبه، مردم مکه به دره ها و کوه ها پناه بردند. ولی دیری نپایید که ابر سیاهی از پرندگانی که شبیه پرستو بودند نمایان شد و هرکدام از آنها با سه سنگ ریزه ای که با منقار و پاها حمل می کردند بر لشکریان ابرهه حمله کردند. این سنگ ریزه ها به هرکس اصابت می کرد، هلاک می شد. افرادی هم که جان سالم به دربردند، فرار کردند.

ص:۱۳۱

۱- (۱) . اسباب النزول، ص ۴۹۲؛ نمونه بینات، ص ۸۸۰.

۲- (۲) . تعداد فیل ها را یک، هشت، ده و دوازده عدد نوشته اند؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۳۴.

۲. در همان سالی که سپاه فیل سوار به مکه حمله کرد، یعنی ۵۲ سال قبل از هجرت، پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) به دنیا آمد و آن سال به عام الفیل مشهور گشت که مبدأ تاریخی برای عرب ها شد.

برخی مفسران معتقدند که این واقعه، زمینه ساز ظهور پیامبر بود؛ یعنی از نوع معجزاتی است که قبل از قیام پیامبران واقع می شود و در اصطلاح به این نوع وقایع، «اِرهاص» گفته می شود. (۱)

۳. پیامبر(صلی الله علیه و آله) واقعه حمله سپاهیان ابرهه را به کعبه ندیده بود؛ اما در این آیات به ایشان خطاب می شود: «آیا نظر نکرده ای؟!» این تعبیر برای آن است که آن واقعه به عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) بسیار نزدیک بود؛ به طوری که گویا پیامبر(صلی الله علیه و آله) با چشم خود دیده بود. البته ممکن است مقصود از «نظر»، تأمل در این حادثه عبرت آموز باشد.

۴. لشکریان بی شمار ابرهه برای ایجاد وحشت، از فیل هایی که پیشرفته ترین وسیله جنگی آن زمان به شمار می آمد، استفاده می کردند. اما خدا آنان را به وسیله موجوداتی کوچک، همچون پرستو و با گِل نابود ساخت تا درس عبرتی برای همه سرکشان زورمند باشد و بدانند که قدرت آنها در برابر قدرت الهی حقیر و ناچیز است!

۵. نیرنگ و نقشه ابرهه از این حمله، تخریب کعبه و فراخواندن مردم به عبادت در کلیسای خود بود. اما خدا این نقشه و نقشه کشان را نابود ساخت تا درس عبرتی برای دیگران شوند. آنان نه تنها به مقصود خود

۱- (۱) . «ارهاص» به معنای پایه گذاری یا ایستادن است و به معجزاتی گفته می شود که قبل از قیام پیامبران واقع می شود.

نرسیدند، بلکه شکست آنان، بر عظمت مکه و کعبه افزود و امنیت آنجا را صد چندان کرد و دل های مشتاقان را بیشتر جذب کعبه نمود.

۶. «أبابیل» به معنای دسته دسته است؛ یعنی این پرندگان که شبیه پرستو بودند، به صورت گروهی حرکت می کردند و با سنگ های گِلی کوچکی که با خود حمل می کردند، سپاه ابرهه را همچون برگ بر زمین ریختند و هلاک ساختند.

۷. قرآن درباره این واقعه، تنها اشاره کرده است که این سنگ ها به نحوی معجزه آسا سپاه ابرهه را از پای درآورد. اما از چگونگی آن سخن نگفته است. ممکن است این سنگریزه ها حامل میکرب هایی همچون وبا، حصبه و آبله بوده است (۱) یا اتم های فشرده شده ای بوده است که به هر کجا اصابت می کرده آن را سوراخ می کرده است. به هرحال خدایی که درون هر ذره، نیروی اتمی قرار داده، می تواند به وسیله سنگریزه ها، سپاهی عظیم را نابود سازد.

۸. سپاهیان هلاک شده ابرهه، به برگِ خورده شده، یا کاه جویده شده تشبیه شده اند. این مطلب اشاره به خواری و ناتوانی آن گروه سرکش، و متلاشی شدن کامل آنهاست.

۹. سوره فیل و ماجرای هلاکت بار و عبرت آموز آن، هشداری بود برای مشرکان مکه که با پیامبر(صلی الله علیه و آله) مخالفت می کردند و درس آموزنده و هشداردهنده ای است برای همه سرکشان تاریخ.

ص:۱۳۳

۱- (۱) . در برخی حکایات و روایات آمده است که در سال عام الفیل برای نخستین بار، بیماری حصبه و آبله در سرزمین عرب دیده شد و از بدن مصدومان حادثه عام الفیل خون و چرک می آمد؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، صص ۳۳۴ و ۳۳۹.

آموزه ها و پیام ها

۱. به سرنوشت فیل سواران بنگرید و عبرت آموزید.

۲. خدا می تواند قدرتمندان و موجودات بزرگ را با کوچک ترین چیزها هلاک سازد.

۳. اگر خدا بخواهد، پرندگان و سنگ ریزه ها هم می توانند باعث نابودی دشمنان او شوند.

۴. اگر کسی به مقدسات حمله کند، خدا او را خُرد و هلاک می سازد.

پرستش پروردگار کعبه و فلسفه آن

لِإِيلافِ قُرَيْشٍ* إِيلافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتاءِ وَ الصَّيْفِ* فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هذَا الْبَيْتِ* اَلَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ . (قریش: ۱ – ۴)

برای الفت گرفتن قریش * الفت آنان در سفر زمستانه و تابستانه * پس باید پروردگار این خانه (کعبه) را بپرستند * [همان] کسی که آنان را در گرسنگی غذا داد و آنان را از ترس ایمن ساخت.

نکته ها و اشاره ها

۱. سوره «قریش» در حقیقت، دنباله سوره «فیل» و یادآور نعمت های الهی بر مردم مکه است؛ به عبارت دیگر، خدا سپاه فیل سوار را نابود و حمله آنان به کعبه را دفع کرد تا اجتماع قریش متلاشی نشود و الفت بیشتری یابند و به یاری خدا دلگرم شوند. (۱)

۲. سرزمین مکه که بین شام و یمن قرار داشت، سرزمینی خشک و

۱- (۱) . لام در لِإِيلافِ متعلق به فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ در سوره «فیل» است. البته مفسران احتمال داده اند که متعلق به فَلْيَعْبُدُوا باشد؛ ولی بعید است.

کم آب بود و کشاورزی و دامداری در آن رونق چندانی نداشت. ازاین رو مردم مکه بیشتر به تجارت می پرداختند. آنان در تابستان به سوی سرزمین شام (فلسطین و سوریه)، و در زمستان به سوی یمن که هوا در آنجا گرم تر بود، مسافرت می کردند.

آنان در این سفرها به دوستی، امنیت و غذا نیاز داشتند و خدا نیز با حفظ کعبه نیاز آنان را تأمین کرد؛ یعنی پس از واقعه عام الفیل، قریش بین مردم از احترام خاصی برخوردار شدند و کمتر متعرض آنان می شدند. کعبه نیز نقطه امید آنان بود و همگی به سوی آن باز می گشتند و با تجارت آنها و سفرهای زیارتی دیگران به مکه، اقتصاد مکه رونق می گرفت و غذای قریش تأمین می شد.

۳. در این آیات به سه نعمت دوستی، غذا و امنیت اشاره شده است. سه نعمتی که در زندگی بشر نقش اساسی دارد و لازم است انسان، سپاسگزار این نعمت ها باشد و خدا را بپرستد.

۴. «قُریش» نام قبیله اصلی مردم مکه و در اصل یا به معنای اکتساب است؛ چون قریش زندگی خود را با تجارت می گذراندند، یا به معنای بازرسی و خبرگیری است؛ چرا که قریش از حاجیان، اخبار اطراف را کسب می کردند، یا به معنای اجتماع است و یا نام نوعی حیوان قدرتمند دریایی است که حیوانات کوچک را می بلعد. (۱)

به هرحال قریش که نخستین مخاطبان اسلام بودند، سابقه خوبی از خود برجای نگذاشتند؛ چون بیشتر آنان مقابل پیامبر(صلی الله علیه و آله) ایستادند و او را آزار دادند و سپاس نعمت های الهی را به جا نیاوردند.

ص:۱۳۵

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۵۰.

آموزه ها و پیام ها

۱. با یاد نعمت های الهی، مثل دوستی، امنیت و غذا، سپاسگزار و پرستشگر او باشید.

۲. منشأ امنیت، غذا و دوستی، پروردگار شماست.

۳. قریش و مردم مکه قدر نعمت های الهی خود را بدانند و از پرستش خدا غافل نشوند.

مسجدالحرام

مسجدالحرام پایگاه اول معراج

سُبْحانَ الَّذِی أَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذِی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ . (اسراء: ۱)

منزه است آن [خدایی] که بنده اش را، شبانگاهی از مسجدالحرام به سوی مسجدالاقصی که پیرامونش را پربرکت کرده ایم، سیر داد تا برخی از نشانه هایمان را به او بنمایانیم که تنها او شنوا [و] بینای [حقیقی] است.

شأن نزول

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) در مکه و در شب ۲۷ رجب سال دهم بعثت (۱) به فرمان خدا و به صورت اعجازآمیز از مسجدالحرام به مسجدالاقصی برده شد و از آنجا به معراج رفت تا برخی از آثار عظمت خدا را مشاهده کند

۱- (۱) . تاریخ معراج را برخی شب هفدهم ماه رمضان سال دوازدهم بعثت و برخی آن را در اوایل بعثت دانسته اند. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۴. اما سال دهم به نظر قوی تر می رسد؛ چراکه با زمان نزول سوره اسراء که سال یازدهم است، تناسب بیشتری دارد.

و همان شب نیز به صورت خارق العاده به مکه بازگشت. آیه مذکور نیز به این واقعه بزرگ تاریخ اسلام اشاره کرده است.

نکته ها و اشاره ها

۱. «اَسری» به معنای سفر شبانه است. پس روشن می شود که مسافرت پیامبر(صلی الله علیه و آله) در شب بوده است و واژه «لَیلاً» هم که در ادامه آیه آمده، تأکیدی بر این مطلب است؛ یعنی فاصله مکه تا بیت المقدس را که صدها کیلومتر است و در آن دوره، هفته ها طول می کشید تا آن فاصله را بپیمایند، پیامبر(صلی الله علیه و آله) در یک شب به صورت اعجازآمیزی درنوردید.

۲. واژه «عبد» در آیه، اشاره به آن است که این اکرام و افتخاری که به پیامبر(صلی الله علیه و آله) داده شد، به علت بندگی او بود. این بالاترین مقام انسان است که جز خدا را نپرستد و تسلیم محض او باشد.

۳. مشهور نظر علما آن است که معراج پیامبر(صلی الله علیه و آله) با جسم و روح بود. ولی برخی صاحب نظران آن را به معراج روحانی تفسیر کرده اند. (۱) اما ظاهر آیه که از سیر «بنده خدا» سخن می گوید، با معراج جسمانی سازگارتر است.

۴. افزون بر خود «مسجدالاقصی»، اطراف آن نیز مبارک و پربرکت است. منظور از برکات نیز، یا برکات ظاهری و سرسبزی و آبادی، یا برکات معنوی سرزمین فلسطین است که در طول تاریخ، کانون پیامبران بزرگ و خاستگاه نور توحید بوده است.

۵. در برخی احادیث آمده است که مسافرت پیامبر(صلی الله علیه و آله) از مکه به

۱- (۱) . یعنی چیزی شبیه یک خواب یا مکاشفه روحی؛ ر.ک:تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۱.

قدس و معراج ایشان به وسیله مرکبی به نام «بُراق» بوده است. (۱) از این گونه احادیث استفاده می شود که خدا به صورت اعجازآمیز، وسیله ای مطمئن برای مسافرت پیامبر(صلی الله علیه و آله) فراهم کرده بود تا او را از هرگونه خطر زمینی و آسمانی محافظت کند.

آموزه ها و پیام ها

۱. خدا پیامبرش را به سفری شبانه برد.

۲. مسجدالاقصی و اطراف آن بابرکت است. پس ارزش آن را بدانید.

۳. بندگی، زمینه ساز برخورداری از موهبت الهی می شود.

مسجدالحرام قبله مسلمانان

آیه اول:

(قَدْ نَری تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَهً تَرْضاها فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ حَیْثُ ما کُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ وَ إِنَّ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ لَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ مَا اللّهُ بِغافِلٍ عَمّا یَعْمَلُونَ). (بقره: ۱۴۴)

به یقین، روی چرخاندنت در آسمان [و نگاه های انتظارآمیزت] را می بینیم و مسلماً تو را به [سوی] قبله ای که از آن خشنودی، بازمی گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن؛ و هرجا بودید، روی خود را به [سوی] آن کنید و در حقیقت کسانی که کتاب [الهی] به آنها داده شده، می دانند که این [تغییر قبله، فرمان] حقی است از جانب پروردگارشان و خدا از آنچه می کنند، غافل نیست.

۱- (۱) . تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۶؛ بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۱۹؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۶۷. البته در احادیث مکرر اشاره شده که پیامبر(صلی الله علیه و آله) به آسمان رفت و این مطلب با توجه به اینکه واژه «سماء» به معنای جهت بالا، جوّ زمین، جایگاه ستارگان و آسمان معنوی می آید، ممکن است به هرکدام از این معانی باشد.

نکته ها و اشاره ها

۱. طبق روایات تاریخی، تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به طرف کعبه در حال نماز ظهر انجام گرفت. پیک وحی در این لحظه حساس نازل شد و بازوان پیامبر(صلی الله علیه و آله) را گرفت و از طرف بیت المقدس به سوی کعبه برگرداند و مسلمانان نیز صفوف جماعت خود را تغییر دادند. (۱) بیت المقدس تقریباً در سمت شمال مدینه، و مکه در سمت جنوب مدینه بود.

تغییر قبله مسلمانان در رکعت دوم نماز ظهر و در مسجد «بنی سالم» انجام شد و پیامبر(صلی الله علیه و آله) در این مسجد، یک نماز را به طرف دو قبله خواند. این مسجد اکنون در مدینه به «مسجد ذوقبلتین» مشهور است.

۲. تغییر قبله یکی از نشانه های پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) در کتاب های امت های پیشین بود. مخالفان اسلام نیز این مطلب را خوانده بودند که پیامبر به سوی دو قبله نماز می خواند؛ اما آنها به جای آنکه این تغییر قبله را نشانه صدق پیامبر معرفی کنند، آن را پنهان کردند و به بهانه جویی پرداختند.

۳. پیامبر(صلی الله علیه و آله) به کعبه بسیار علاقه داشت و منتظر بود تا فرمان تغییر قبله صادر شود؛ زیرا کعبه قدیمی ترین پایگاه توحید و قبله ابراهیم(علیه السلام) بود. همچنین، تغییر قبله، استقلال مسلمانان را ثابت می کرد و آنان را از زخم زبان و تحقیر یهود آسوده می ساخت.

۴. از آنجا که توجه دقیق به کعبه در هنگام نماز مشکل است، خداوند برای وسعت دادن قبله، جهت مسجدالحرام را قبله معرفی کرد و توجه به «جانب» آن را کافی دانست.

۱- (۱) . ر.ک: مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۱۳؛ البرهان، ج ۱، ص ۳۴۰.

آموزه ها و پیام ها

۱. مسجدالحرام قبله مورد رضایت خدا و پیامبر(صلی الله علیه و آله) است.

۲. همگی رو به سوی کعبه دوست کنید.

۳. ادب در برابر خدا را از پیامبر(صلی الله علیه و آله) بیاموزید که تقاضای خود را با نگاهش بیان می کرد و به دستورهای الهی اعتراض نمی کرد.

آیه دوم:

وَ مِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ إِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَ مَا اللّهُ بِغافِلٍ عَمّا تَعْمَلُونَ . (بقره: ۱۴۹)

و از هر کجا بیرون آمدی، روی خود را به سوی «مسجدالحرام» کن و به یقین، این [دستور] حقی از طرف پروردگار توست و خدا از آنچه انجام می دهید، غافل نیست.

نکته ها و اشاره ها

۱. در آیه ۱۴۴ سوره بقره به پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) دستور داده شد که به طرف مسجدالحرام نماز بگزارد و در این آیه بر همان مضمون تأکید می شود. این تأکیدها که در آیه بعدی نیز خواهد آمد، بیانگر آن است که مسئله تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام، برای گروهی از مسلمانان، سنگین بود؛ همان طور که دستاویزی برای دشمنان شده بود.

۲. دستورهای این آیه تکرار محض نیست؛ چرا که آیات گذشته، حکم قبله محل سکونت مسلمانان را مشخص کرد. ولی این آیه و آیه بعد، حکم قبله نمازگزاران مسافر را روشن می سازد. (۱)

۱- (۱) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۰۶.

۳. در همه تحولات و انقلاب ها، مطرح شدن موضوع جدید، باعث گفت وگو و اشکال تراشی می شود. چنانچه رهبر جمعیت، در این مواقع حساس، با لحن قاطع و تغییرناپذیر، موضع خود را مشخص کند، دوستان را مصمم تر، و دشمنان را برای همیشه ناامید می سازد. این روشی است که در قرآن، مکرر و به وضوح دیده می شود و می تواند درسی برای رهبران مسلمان باشد.

آموزه ها و پیام ها

۱. در حقانیت قبله خود (مسجدالحرام) تردید نکنید که از طرف خدا مشخص شده است.

۲. مسجدالحرام را در سفر و در وطن، قبله قرار دهید.

۳. خدا شما را زیرنظر دارد، پس مراقب اعمال خود باشید.

آیه سوم:

وَ مِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ حَيْثُ ما كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلّا يَكُونَ لِلنّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِي وَ لِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ). (بقره: ۱۵۰)

و از هر کجا بیرون آمدی، روی خود را به سوی «مسجدالحرام» کن و هر کجا بودید، روی خود را به سوی آن بگردانید تا مردم، دلیلی بر [ضد] شما نداشته باشند؛ مگر کسانی از آنان که ستم کردند [و دست از لجاجت بر نمی دارند]. پس از آنان نهراسید و از [مخالفت] من بهراسید! و [روی به قبله کنید] تا اینکه نعمتم را بر شما تمام کنم و باشد که شما راهنمایی شوید.

نکته ها و اشاره ها

۱. اگر قبله تغییر نمی کرد، از یک سو، یهودیان به مسلمانان اعتراض می کردند و می گفتند: «ما در کتاب های خویش خوانده ایم که نشانه پیامبر موعود آن است که به طرف دو قبله نماز می خواند و این نشانه در محمد(صلی الله علیه و آله) نیست».از سوی دیگر، مشرکان ایراد می گرفتند، «اگر پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) مدعی است که برای احیای آیین ابراهیم(علیه السلام) آمده، پس چرا خانه کعبه را که پایه گذارش ابراهیم(علیه السلام) بود، فراموش کرده است و به طرف بیت المقدس نماز می گزارد». بنابراین تغییر قبله مسلمانان، زبان هر دو گروه را بست و به این اعتراضات پایان داد. البته همیشه گروهی بهانه جو و ستمگر هستند که در برابر هیچ منطقی تسلیم نمی شوند.

۲. این آیه به سه مورد از اسرار تغییر قبله و امتیاز قبله مسلمانان اشاره کرده است:

الف) توجه به مسجدالحرام جلوی بهانه جویی دشمنان اسلام را می گیرد.

ب) تغییر قبله تکمیل نعمت های الهی و نوعی تکامل تربیتی بود؛ زیرا مسلمانان را با انضباط اسلامی آشنا ساخت و از برکات معنوی مکه بهره مند گرداند.

ج) توجه به مسجدالحرام و کعبه، زمینه ساز هدایت است و مسلمانان را از برکات معنوی راه ابراهیم(علیه السلام) برخوردار می سازد و بر هدایت آنان می افزاید.

آموزه ها و پیام ها

۱. مسجدالحرام قطب دایره مسلمانان جهان است.

۲. توجه به مسجدالحرام موجب تکمیل نعمت های الهی، زمینه ساز هدایت و قطع بهانه جویی دشمنان است.

۳. احکام و قوانین الهی را برای مردم، تکرار و تأکید کنید تا بر جان آنها بنشیند و بدان عمل کنند.

۴. اگر خواستار نعمت کامل تر و هدایت بیشتر و دفع بهانه جویی دشمنان هستید، به سوی مکه رو آورید.

جنگ در مسجدالحرام ممنوع

وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لا تُقاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ حَتّى يُقاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذلِكَ جَزاءُ الْكافِرِينَ* فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ . (بقره: ۱۹۱ و ۱۹۲)

و هر کجا آنان را یافتید، بکشید و از جایی که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون کنید و [بدی] آشوبگری [شرک]، از کشتار [هم] شدیدتر است و کنار مسجدالحرام با آنان پیکار مکنید؛ مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند و اگر با شما پیکار کردند، آنها را بکشید. سزای کافران چنین است * و اگر خودداری کردند، خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.

نکته ها و اشاره ها

۱. در آیه اول اشاره شد که حفظ احترام مسجدالحرام در هر شرایطی لازم است؛ مگر هنگامی که دشمن بخواهد با سوءاستفاده از این حرم امن و مکان مقدس، خون مسلمانان را بر زمین بریزد که در این صورت، قاعده «اَهم و مُهم» جاری می شود؛ یعنی مسئله مهم امنیت و حفظ احترام مسجدالحرام، فدای مسئله مهم تر (حفظ خون مسلمانان) می شود و جنگ در مسجدالحرام جایز می گردد.

ص:۱۴۳

۲. خدای متعال در این دو آیه، وظایف مسلمانان را در برابر کافران و مشرکان مکه روشن ساخته است؛ مشرکانی که مسلمانان را از خانه و زندگی خود در مکه آواره ساختند و هر نوع اذیت و آزاری را برای آنها روا داشتند.

این آیات به مسلمانان اجازه می دهد که کافران مکه را تعقیب کنند و هرجا دسته ای از آنان را آماده مبارزه یافتند، بکشند و همان گونه که آنان مسلمانان را آواره کردند، اینان نیز آنها را از مکه بیرون کنند. هر چند این آیات درباره روش برخورد با کافران مکه است، اما شامل همه کافرانی می شود که شرایطی همانند آنان را دارند.

۳. فتنه، هر چیزی است که موجب اختلاف و اضطراب و آشوبگری شود. (۱) این معنای وسیع شامل هرگونه فریب، فساد، شرک، گناه و رسوایی می شود و مقصود از «فتنه» در این آیه، همان شرک و بت پرستی است که سرچشمه انواع مفاسد اجتماعی، اختلافات، گناه، فساد و خونریزی است. (۲) در واقع آیین بت پرستی و فسادهایش که حرم امن خدا را آلوده کرده بود، فتنه ای بالاتر از کشتار بود.

۴. در این آیات علت و فلسفه جنگ بیان شده است و این درسی برای همه فرماندهان جنگ هاست که علل جنگ را برای سربازان خود بیان کنند و آنها را توجیه نمایند. بیان علت حکم، نقش مهمی در

۱- (۱) . ر.ک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مادّه «فتن».
۲- (۲) . واژه «فتنه» در اصل به معنای قراردادن طلاـ زیر فشار آتش برای خالص شدن است. ازاین رو به امتحان نیز «فتنه» گویند و سپس به وسایل امتحان و عذاب و ناراحتی که از امتحان به انسان می رسد نیز «فتنه» گفته شده است؛ چراکه موجب فشار بر انسان است؛ ر.ک: المفردات فی غریب القرآن، ماده «فتن». البته در قرآن کریم، واژه فتنه در معنای آزمایش (عنکبوت: ۲۰)، فریب (اعراف: ۲۷)، عذاب و بلا (انفال: ۲۹) گمراهی (مائده: ۴۱) و شرک (انفال: ۳۹) به کار رفته است.

فرمانبرداری مردم دارد؛ چراکه عقل آنان را قانع می کند و همراهی عقل و دل در پیشرفت کارها بسیار مؤثر است.

۵. خدای متعال در آیه اول به مسلمانان اجازه می دهد همان طور که کافران، مسلمانان را از مکه تبعید کردند، مسلمانان نیز کافران را اخراج کنند. البته این یک قانون کلی است و مخصوص اهل مکه نیست.

۶. خداوند در آیات قبل دستور داد که مسلمانان در اصل جنگ، پیش دستی نکنند و در این آیه می فرماید که در شکستن حریم مقدسات نیز پیش دستی نکنند و تا وقتی دشمن نزد مسجدالحرام با شما نجنگیده است، در آنجا جنگ نکنند.

۷. در آیه دوم راه توبه را برای دشمنان اسلام می گشاید و می گوید:

«اگر مشرکان دست از جنگ با شما برداشتند و توبه کردند، خدا گناهان گذشته آنان را می آمرزد و با لطف خویش، توبه آنان را می پذیرد و در این صورت مسلمانان حق ندارند کینه ورزی کنند و آنان را بکشند».

آموزه ها و پیام ها

۱. نبرد با دشمنان جنایتکار اسلام، مکان و محدوده خاصی ندارد.

۲. با دشمنان مقابله به مثل کنید.

۳. فتنه گری دشمنان از خونریزی آنان خطرناک تر است. پس مراقب فتنه ها باشید و با آنها مقابله کنید.

۴. در جنگ ها، حرمت مکان های مقدس را پاس دارید.

۵. اگر دشمن حرمت مکان های مقدس را شکست و جنگ را در آنجا شروع کرد، در نبرد با او تردید نکنید.

ص:۱۴۵

۶. دلایل و فلسفه جنگ را برای سربازان اسلام بیان کنید تا توجیه شوند و با انگیزه بجنگند.

۷. پاسداشت حرمت مسجدالحرام، موجب سوءاستفاده دشمن و کوتاهی شما در جنگ نشود.

۸. کافران سزای کفر و فتنه انگیزی خود را در میدان نبرد خواهند دید.

۹. اگر دشمن دست از جنگ برداشت، مشمول لطف و آمرزش می شود. پس شما نیز به جنگ پایان دهید.

۱۰. راه بازگشت و توبه را برای دشمنان باز بگذارید و جنگ طلب نباشید.

پاسداشت مسجدالحرام

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تُحِلُّوا شَعائِرَ اللّهِ وَ لاَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ لاَ الْهَدْیَ وَ لاَ الْقَلائِدَ وَ لاَ آمِّینَ الْبَیْتَ الْحَرامَ یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْواناً وَ إِذا حَلَلْتُمْ فَاصْطادُوا وَ لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوکُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ اتَّقُوا اللّهَ إِنَّ اللّهَ شَدِیدُ الْعِقابِ . (مائده: ۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! [نه مراسم حج و] نشانه های خدا و نه ماه[های] حرام و نه قربانی های بی نشان و نه نشاندار و نه قصدکنندگان خانه محترم [خدا] را درحالی که بخشش و خشنودی از پروردگارشان می جویند [حرمت شکنی نکنید و] حلال ندانید و هنگامی که از احرام بیرون آمدید، پس [می توانید] شکار کنید و البته، کینه توزی عده ای، برای اینکه شما را از [آمدن به] مسجدالحرام [در صلح حدیبیه] بازداشتند، شما را وا ندارد که

تعدی نمایید و بر [ای] نیکوکاری و خودنگه داری با یکدیگر همکاری کنید و بر[ای] گناه و تعدّی با یکدیگر همکاری ننمایید و خودتان را از [عذاب] خدا نگه دارید؛ [چرا] که خدا، سخت کیفر است.

نکته ها و اشاره ها

۱. ایجاد مزاحمت گروهی از بت پرستان در دوران جاهلیت یا در جریان صلح حدیبیه، نباید سبب شود که بعد از مسلمان شدن آنها، بار دیگر کینه های دیرین را زنده کنید و مانع زیارت آنها شوید.

۲. نفی کینه توزی (۱) در این آیه برای زیارت کعبه است. (۲) اما از آن قانونی کلی استفاده می شود که مسلمانان نباید کینه توز و درصدد انتقام اعمال گذشته باشند. این دستور اسلامی از شعله ور شدن آتش نفاق میان مسلمانان جلوگیری می کند.

گفتنی است تفسیر کامل آیه مذکور در مبحث احرام و محرمات آن، گذشت. ازاین رو در اینجا به همین دو نکته اکتفا کردیم.

کیفر حرمت شکنان مسجدالحرام

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ الَّذِى جَعَلْناهُ لِلنّاسِ سَواءً الْعاكِفُ فِيهِ وَ الْبادِ وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذابٍ أَلِيمٍ . (حج: ۲۵)

ص:۱۴۷

۱- (۱) . واژه «جَرَم» در اصل به معنای قطع کردن میوه های نامناسب از درخت است و به هر کار ناخوشایندی نیز گفته می شود؛ همان طور که به وادار کردن کسی به کار ناخوشایند نیز گفته می شود. پس لا یَجْرِمَنَّكُمْ یعنی کسی شما را به کار خلاف وادار نکند.

۲- (۲) . این مسئله هنگام نزول آیه، یعنی در آستانه رحلت پیامبر(صلی الله علیه و آله)، اهمیت فراوانی داشت.

در واقع، کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا و مسجدالحرام بازداشتند، [مستحق عذابی دردناک اند؛ همان مسجدالحرامی] که آن را برای مردم قرار دادیم؛ درحالی که ملازمِ در آنجا و [مسافران] بیابانی، یکسان اند و هرکس در این [سرزمین] انحرافی به همراه ستمکاری بخواهد، از عذابی دردناک به او می چشانیم.

نکته ها و اشاره ها

۱. در این آیه به سه جنایت کافران و مشرکان مکه درباره مسجدالحرام و مکه اشاره شده است:

الف) آنان از راه خدا و ایمان و اطاعت او جلوگیری می کنند.

ب) آنان برای خود امتیازی قائل می شوند و از زیارت مسجدالحرام جلوگیری می کنند.

ج) در این سرزمین مقدس، ستم و خلاف را روا می دارند.

۲. همه مردم در مسجدالحرام یا سرزمین مکه، یکسان اند؛ یعنی همه در انجام دادن مراسم عبادی اسلامی آزادند و هیچ کس حق ندارد مزاحم عبادت و حج دیگران شود. حتی برخی از مفسران از این آیه استفاده کرده اند که همه مردم در استفاده از زمین و خانه های مکه، یکسان اند و در احادیث اسلامی نیز تأکید شده است که نباید از سکونت مسافران در خانه های مکه جلوگیری کرد. (۱)

۳. مقصود از «مسجدالحرام» در این آیه، کعبه و کل مسجدالحرام است که اطراف آن واقع شده است. البته برخی از مفسران معتقدند واژه

ص:۱۴۸

۱- (۱) . ازاین رو برخی از فقهای شیعه و اهل سنت گفته اند که خرید و فروش و اجاره خانه های مکه حرام است. ولی این حکم از نظر فقهی مسلّم نیست؛ ر.ک: جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۸.

«مسجدالحرام» در اینجا، به کل مکه اشاره دارد. ولی دلیل محکمی بر این مطلب نداریم. (۱)

۴. «الحاد» در اصل به معنای انحراف از اعتدال است و مقصود این است کسانی که با توسل به ستم، از حد اعتدال خارج می شوند و در آن سرزمین مرتکب خلاف می شوند، گناه بزرگی انجام می دهند که کیفر

انجام دادن آن در مکه، از جاهای دیگر شدیدتر است. (۲)

۵. در برخی احادیث اهل بیت(علیهم السلام) آمده است که کشتن و زدن کبوتران مسجدالحرام و حتی تکبر ورزیدن یا هرگونه ستمی، به منزله الحاد در آن سرزمین است. (۳)

۶. مقصود از «ظلم» در این آیه، «شرک» یا حلال شمردن «محرمات الهی» است. ولی به نظر می رسد که واژه ظلم، معنای وسیعی دارد که هرگونه گناهی را شامل می شود که شرک یکی از مصادیق آن است.

آموزه ها و پیام ها

۱. مانع راه خدا و مسجدالحرام نشوید که کیفر شدیدی دارد.

۲. مسجدالحرام یا مکه، مکان مقدسی است که برای عبادت همه مردم قرار داده شده است.

۱- (۱) . در این مورد به آیه اول سوره اسراء تمسک شده است که معراج را از مسجدالحرام معرفی کرده است؛ درحالی که شروع معراج از بیرون مسجدالحرام حتمی نیست؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۶۴.

۲- (۲) . ازاین رو برخی فقها احتمال داده اند که اگر کسی در حرم مکه مرتکب گناهی شود، افزون بر حد شرعی، مستحق تعزیر اضافی نیز است؛ ر.ک: کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۳۵.

۳- (۳) . کافی، ج ۴، ص ۲۲۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۵۲؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۷۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۳۳.

۳. انحراف و ستم در سرزمین مکه، کیفر شدیدتری دارد. پس در آنجا بیشتر مراقب اعمال خود باشید.

کعبه

کعبه، نخستین عبادتگاه مردم

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ . (آل عمران: ۹۶)

در واقع نخستین خانه [و پرستشگاهی] که برای مردم نهاده شد، آن [است] که در مکه است که خجسته، و برای جهانیان [مایه] هدایت است.

نشانه های الهی اطراف کعبه و امنیت آن

فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِیمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً . (آل عمران: ۹۷)

در آن، نشانه های روشن [از جمله] مقام ابراهیم است و هرکس داخل آن شود، در امان خواهد بود.

گفتنی است تفسیر این دو آیه، در مبحث مکه گذشت.

بازسازی کعبه

وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهِیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعِیلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ . (بقره: ۱۲۷)

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه)] را بالا می بردند [و می گفتند: ای] پروردگار ما! از ما بپذیر که در حقیقت تنها تو شنوا [و] دانایی.

ص:۱۵۰

نکته ها و اشاره ها

۱. از آیات قرآن (۱)، احادیث (۲) و تاریخ اسلام به خوبی استفاده می شود که خانه (۳) خدا در زمان آدم(علیه السلام) برپا شده بود و سپس در طوفان نوح(علیه السلام)

فرو ریخت و بعد به دست ابراهیم و فرزندش اسماعیل(علیهما السلام) تجدید بنا شد و از تعبیری که در این آیه آمده نیز همین مطلب استفاده می شود؛ چراکه خداوند می فرماید: «ابراهیم و اسماعیل، پایه های کعبه را بالا بردند». این تعبیر می رساند که شالوده کعبه وجود داشته است و ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام) آن پایه ها را بالا بردند. (۴)

۲. درخواست ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام) از خدا که گفتند: «پروردگارا از ما بپذیرا!»، نشان می دهد که کارهای عادی، مثل ساخت وساز و بنّایی نیز، اگر در مسیر اهداف الهی قرار گیرد، عبادت، و مورد قبول خدا است.

۳. در هر عبادتی، ابتدا صحیح انجام دادن و سپس قبول شدن آن ملاک است.

۴. حضور ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام) در ساخت وساز کعبه، افزون بر نشان دادن عظمت کعبه، اهمیت مشارکت افراد در کارهای نیک، مثل مسجدسازی را می رساند.

آموزه ها و پیام ها

۱. کعبه چنان با عظمت است که پیامبران الهی(علیهم السلام) به ساخت وساز آن پرداختند.

ص:۱۵۱

۱- (۱) . ر.ک: آل عمران: ۹۶؛ ابراهیم: ۳۷.

۲- (۲) . ر.ک: نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

۳- (۳) . واژه «بیت» در اصل به معنای «مسکن، مأوا و محل جمع» است و از آنجا که افراد خانه در آنجا جمع می شوند، به خانه، «بیت» گفته می شود.

۴- (۴) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، صص ۴۵۴ و ۴۵۵.

۲. هم کار کنید و هم دعا.

۳. به فکر بازسازی کعبه و مساجد باشید که این روش پیامبران است.

۴. در ساختن خانه خدا و مساجد شخصاً مشارکت کنید.

۵. فرزندان و نوجوانان را در کارهای نیک شرکت دهید.

۶. بیشتر به فکر کیفیت کار و قبولی عمل نزد خدا باشید تا کمیت آن.

آماده سازی و پاکسازی کعبه

وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ أَنْ لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطّائِفِينَ وَ الْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ . (حج: ۲۶)

و [یاد کن] هنگامی را که مکان خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم، [و به او گفتیم:] که هیچ چیز را شریک من قرار مده و خانه مرا برای طواف کنندگان و [به نماز] ایستادگان و رکوع کنندگان سجده گر، پاك و پاکیزه کن.

نکته ها و اشاره ها

۱. براساس احادیث، کعبه در زمان آدم(علیه السلام) ساخته شد. ولی سپس در طوفان نوح ویران گشت و آثارش محو شد. اما به فرمان الهی و به وسیله باد یا مانند آن، خاك ها کنار رفت و پایه های کعبه برای ابراهیم(علیه السلام) آشکار شد. هنگامی که محل اصلی خانه آماده شد، ابراهیم با همکاری فرزندش اسماعیل(علیه السلام) آن را بازسازی کرد. (۱)

۲. طبق دستور الهی، ابراهیم(علیه السلام) مأمور شد که کعبه و اطراف آن را از

۱- (۱) . ر.ك: الكافی، ج۴، صص۱۸۷-۱۹۰ و ۲۳۰؛ من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۲۴۱؛ تفسیر العیاشی، ج۱، ص۶۰؛ تاریخ یعقوبی، ج۱، صص۶ و ۲۵.

هرگونه آلودگی ظاهری و معنوی پاک کند تا بندگان خدا در این مکان پاک متوجه خدا باشند و به عبادت و نماز بپردازند.

۳. در این آیه، به سه رکن نماز، یعنی قیام، رکوع و سجود اشاره شده است؛ چراکه بقیه اجزای نماز در پرتو این سه رکن قرار می گیرند.

۴. امام صادق(علیه السلام) با اشاره به آیه فوق، فرمود: «برای بندگان خدا سزاوار است که داخل مکه نشوند، مگر اینکه پاک شوند و عرق بدن خود را شست وشو دهند». (۱)

آموزه ها و پیام ها

۱. کعبه آن قدر مقدس است که خدا خود، مکانش را فراهم ساخت و ابراهیم خلیل را خادم آن قرار داد.

۲. مسجدالحرام را پاکیزه نگاه دارید که این شیوه ابراهیمی است.

۳. در مسجدالحرام به طواف و نماز بپردازید که برای این کارها آماده شده است.

مقام ابراهیم(علیه السلام) محل نماز

وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ . (بقره: ۱۲۵)

و [یاد کنید] هنگامی که خانه [کعبه] را برای مردم محل بازگشت [و پاداش] و أمن [و امان] قرار دادیم و [گفتیم:] از مقام ابراهیم، نمازخانه ای [برای خود]

۱- (۱) . کافی، ج ۴، ص ۴۰۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۸؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۷۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۰۰.

برگزینید و با ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که: «خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگانِ سجده گر، پاک و پاکیزه کنید».

نکته ها و اشاره ها

۱. کعبه، قبله عبادت مسلمانان، محلی است که خداپرستان به آن روی می نمایند و نه تنها آنان را از نظر جسمانی، بلکه از نظر روحانی به توحید و فطرت نخستین برمی گرداند تا در آنجا ثواب برند. (۱)

۲. کعبه، پناهگاه و کانون امن و امان است. در اسلام، مقررات بسیاری برای دوری از هرگونه کشمکش و جنگ و خونریزی در این سرزمین مقدس وضع شده است؛ به طوری که نه تنها انسان ها، بلکه حیوانات و پرندگان نیز در آنجا در امان اند.

۳. مقام ابراهیم(علیه السلام) جایگاهی است که از کعبه حدود ۱۳ متر فاصله دارد و بر حاجیان لازم است پس از طواف خانه خدا، پشت آن مقام قرار گیرند و نماز طواف را به جا آورند. در آنجا سنگی قرار دارد که حکایت شده است حضرت ابراهیم(علیه السلام) برای بالا بردن دیوارهای کعبه روی آن می ایستاد. اکنون، آن سنگ در محفظه ای در مقام ابراهیم نگهداری می شود. (۲) و (۳)

۱- (۱) . واژه «مثابه» در اصل به معنای بازگشت به حالت اول، یا به معنای محل بازگشت برای ثواب بردن است؛ ر.ک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مادّه «ثوب»).

۲- (۲) . البته برخی از مفسران نیز آن را به معنای حج، عرفه، مشعر، حجرات و تمام حرم مکه دانسته اند؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۴۸.

۳- (۳) . به مقام ابراهیم(علیه السلام) در آیه ۹۷ سوره آل عمران نیز اشاره شده است که تفسیر آن در مبحث مکه گذشت.

۴. خدا جسم نیست تا نیازمند خانه باشد. پس مقصود از واژه «بیتی»؛ «خانه من» که در آیه آمده است، همان اضافه تشریفی است؛ بدین معنا که برای بیان شرافت و عظمتِ چیزی، آن را به خدا نسبت می دهند؛ همان طور که به ماه رمضان «شهر اللّه»، «ماه خدا» می گویند.

۵. خدا، ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام)، دو پیامبر بزرگ خود را خادم کعبه گردانید و به آنان دستور داد تا آنجا را از وجود آلودگی های ظاهری و معنوی پاک سازند. از اهمیتی که خدا به پاکی خانه کعبه می دهد، می آموزیم که ما نیز باید در پاکی خانه خدا بکوشیم. بنابراین مکان های مقدس، همچون کعبه و مسجد، باید پاک و پاکیزه و رغبت انگیز باشند.

آموزه ها و پیام ها

۱. کعبه را محل عبادت قرار دهید و در پاکی آن بکوشید.

۲. طواف کنندگان، پرستش گران و مجاوران کعبه را محترم بشمارید و به آنان خدمت کنید.

۳. کعبه بسیار عظیم است؛ به طوری که رهبران بزرگ الهی خادم آن می شوند.

۴. کعبه حرم امن الهی است. پس امنیت آن را پاس بدارید.

کعبه، خانه ای باستانی برای عبادت بشر

ذٰلِکَ وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ* لَکُمْ فِیها مَنافِعُ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ مَحِلُّها إِلَی الْبَیْتِ الْعَتِیقِ . (حج: ۳۲-۳۳)

این [اعمال حج است] و کسانی که نشانه های خدا را بزرگ شمارند، پس در واقع این [کار آنان حاکی] از پارسایی [و خود نگه داری] دل هاست. * برای

ص:۱۵۵

شما در آن [نشانه های خـدا و قربانی] تا سـرآمدی معیّن سودهایی است. سـپس محل [و زمان] آن [قربانی کنار] خانه باسـتانی [کعبه] است.

گفتنی است تفسیر این آیات در مبحث قربانی در فصل سوم گذشت. همچنین درباره کعبه، آیه ۹۷ سوره مائده و آیه ۲۹ سوره حج وجود دارد

که تفسیر آنها ذیل مبحث زمان حج و حلق گذشت.

یاد خدا در ایام نورانی

وَ اذْکُرُوا اللّهَ فِی أَیّامٍ مَعْدُوداتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِی یَوْمَیْنِ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ لِمَنِ اتَّقی وَ اتَّقُوا اللّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّکُمْ إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ . (بقره: ۲۰۳)

و خدا را در روزهای معیّن (یازدهم و دوازدهم و سـیزدهم ماه ذی الحجه) یاد کنید. و هرکس در دو روز شـتاب کند [و اعمال حـج را در دو روز انجام دهـد] هیـچ گناهی بر او نیست و هرکس تأخیر کند [و اعمال حج را در سه روز انجام دهد] پس هیچ گناهی بر او نیست؛ [این] برای کسـی است که [خود را] حفظ کنـد، پس [خودتان را] از [عـذاب] خدا حفظ کنید و بدانید که شما فقط به سوی او گردآوری خواهید شد.

نکته ها و اشاره ها

۱. این آیه، برنامه ذکر پروردگار را به دنبال مراسم حـج تعیین می کنـد که حـداقل آن، دو روز و حـداکثر آن، سه روز است. این روزهـا با توجه به آیات گذشـته، پس از مراسم عیـد قربان است؛ یعنی روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ مـاه ذی الحجه. از این روزها در روایات اسلامی با عنوان «ایام تَشریق»، «روزهای روشنی بخش» یاد شده است و همان طور که از نامش

پیداست، روشـنی بخش روح و جان انسان در پرتو آن مراسم است. البته کسـی که در خارج شدن از سـرزمین منا عجله کند و بعـدازظهر روز دوازدهم بیرون آیـد و به مکه برود تا بقیه اعمال حج را انجام دهد، گناهی بر او نیست و هرکس نیز تأخیر کند و شب سـیزدهم را در منـا بمانـد، گنـاهی بر او نیست؛ اگر اهل تقوا باشـد و خود را از کارهای حرام در حال احرام حفظ کرده باشد.

۲. یاد خـدا و ذکرهایی که در آیه برای روزهای سه گانه گفته شـده، در احادیث اسـلامی تعیین شـده است؛ بدین صورت که بعـد از پانزده نماز، یعنی بعـد از نماز ظهر روز عید قربان تا نماز صـبح روز سـیزدهم ماه ذی الحجه، این جمله های الهام بخش تکرار گردد:

اللهُ أکبر، اللهُ أکبر، لا اله الاّ الله و اللهُ أکبر ولِله الحَمْد اللهُ أکبر علی ما هَدانا اللهُ أکبر علی ما رَزَقَنا مِن بَهیمهِ الاَنعام. (۱)

خـدا بزرگ است، خـدا بزرگ است. هیـچ معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است و حمد و سـپاس تنها مخصوص اوسـت خـدا را به بزرگی می سـتاییم برای آنکه ما را هدایت کرد. خدا را به بزرگی می سـتاییم برای آنکه از گوشت چهارپایان ما را روزی داد.

۳. مفسران درباره جمله (فَلا اثمَ علیه)، «گناهی بر او نیست» دو احتمال داده اند:

الف) مقصود آن باشد که هرکس ذکر دو روز یا ذکر سه روز را انتخاب کند، گناهی بر او نیست.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱.

ب) مقصود پاک شدن حاجیان از تمام گناهانشان باشد؛ یعنی هر حاجی پس از اعمال حج که آن را از روی ایمان و اخلاص انجام می دهد و این ذکرها پایان کار اوست، همه رسوبات گناهان از دل و جان او شسته می شود. (۱)

۴. حج، در واقع حضور در محضر پروردگار و مشاهده جمال محبوب است؛ گویی گوینده «لبیک» از خود بی خود می شود و جواب دعوت را تکرار می کند و به دنبال آن، سلب (نفی) شریک به معنای مطلق می نماید و حمد را به ذات مقدس اختصاص می دهد و این نزد اهل معرفت غایت توحید است... .

لبیک گویان برای حق، نفی شریک به همه مراتب کنید و از «خود» که منشأ بزرگ شرک است، به سوی او جلّ و اعلی هجرت نمایید... و اگر جهات معنوی به فراموشی سپرده شود، گمان نکنید که از چنگال شیطان نفس می توانید رهایی یابید... . (۲)

آموزه ها و پیام ها

۱. ظرف زمانی ذکر و یاد خدا را رعایت کنید که اثربخش است.

۲. زیربنای احکام حج، تقواست.

۳. به فکر رستاخیز باشید و پارسایی پیشه سازید.

۴. در قوانین حج، پیرو وحی باشید و هر کجا به شما اختیار دادند، به دلخواه عمل کنید.

ص:۱۵۸

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۲، ص ۴۱.

۲- (۲) . صحیفه نور، ج ۱۹، صص ۱۸، ۴۲ و ۴۴. (با اندکی ویرایش)

مدینه (یثرب)

یثرب نام قدیمی مدینه

وَ إِذْ قالَتْ طائِفَهٌ مِنْهُمْ یا أَهْلَ یَثْرِبَ لا مُقامَ لَکُمْ فَارْجِعُوا وَ یَسْتَأْذِنُ فَرِیقٌ مِنْهُمُ النَّبِیَّ یَقُولُونَ إِنَّ بُیُوتَنا عَوْرَهٌ وَ ما هِیَ بِعَوْرَهٍ إِنْ یُرِیدُونَ إِلاّ فِراراً . (احزاب: ۱۳)

و هنگامی که دسته ای از آنان گفتند: «ای مردم یثرب (مدینه) [در اینجا] هیچ منزلگاهی برای شما نیست. پس [به شهر] بازگردید» و دسته ای از آنان از پیامبر رخصت [بازگشت] می خواستند [و] می گفتند: «در واقع، خانه های ما بی حفاظ است» و حال آنکه آنها بی حفاظ نبود؛ [آنان] جز گریز [از جنگ چیزی] نمی خواستند.

نکته ها و اشاره ها

۱. در این آیات، واکنش گروه های مختلف در برابر امتحان جنگ احزاب بیان شده است. در آیات قبل بیان شد که جنگ احزاب آن قدر سخت بود که اعتقاد گروهی از مؤمنان متزلزل شد. در این آیات، منافقان سخنان تهمت آمیز گفتند و بهانه جویی و توطئه گری کردند. در واقع، این روش منافقان است که هنگام سختی ها، چهره واقعی خود را نشان می دهند و توطئه می کنند.

۲. گروهی از منافقان، مردم را برای بازگشت به مدینه تحریک می کردند و گروهی دیگر بهانه می آوردند و می گفتند که خانه های ما باز و بدون در و دیوار و بی پناه و آسیب پذیر است (۱) و می خواستند با این بهانه از صحنه جنگ احزاب خارج شوند.

ص:۱۵۹

۱- (۱) . «عوره» به معنای چیزی است که آشکار کردن آن موجب عار شود. ازاین رو به شکاف در و دیوار و نقاط آسیب پذیر و خانه های بی در و دیوار «عوره» می گویند؛ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۲۸.

۳. «يَثرب» نـام قـديمى شـهر مـدينه و در لغت به معنـاى ملامـت كردن است. بعـد از ورود پيـامبر اكرم(صـلى الله عليه و آله) به يثرب، نام آن شـهر به «مدينهالرسول»، يعنى «شـهر پيامبر» تغيير يافت. سـپس نام هاى ديگرى مانند طيبه، طابه، سـكينه، محبوبه، مرحومه و قاصـمه بر آن نهادنـد. شايد منافقان براى آنكه مى دانسـتند پيامبر(صـلى الله عليه و آله) نام «يثرب» را براى اين شـهر نمى پسـندد، از آن بـا نـام «يثرب» ياد كردنـد تا مردم به ياد دوران جاهليت بيفتنـد و در ضـمن بگوينـد كه هنوز اسـلام در اين سرزمين رسميت ندارد.

آموزه ها و پيام ها

۱. منافقان در هنگام امتحان و سختى جنگ، چهره واقعى خود را نشان مى دهند. پس آنها را در آن هنگام بشناسيد.

۲. نشانه منافقان آن است كه به وعده هاى الهى ايمان ندارند.

۳. منافقان در جنگ، كارشكنى و تفرقه افكنى مى كنند. پس مراقب توطئه هاى آنان باشيد.

۴. از نشانه منافقان آن است كه براى فرار از جنگ، بهانه جويى مى كنند.

مدينه شهر احزاب و گروه ها

وَ مِمَّنْ حَوْلَكُم مِنَ الْأَعْرابِ مُنافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَـدِينَهِ مَرَدُوا عَلَى النِّفاقِ لا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَـنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلى عَذابٍ عَظِيمٍ . (توبه: ۱۰)

و از اطرافيان شـما، برخى عرب هاى صحرانشـين منافق اند و برخى ساكنان مدينه [نيز] به دورويى خو گرفته [و سركشى كرده] اند؛ درحالى كه [تو] آنان

را نمی شناسی. [ولی] ما آنان را می شناسیم. به زودی آنان را دوبار عذاب می کنیم. سپس به سوی عذاب بزرگی باز گردانده می شوند!

نکته ها و اشاره ها

۱. این آیه به منافقان داخل و خارج مدینه توجه داده، و از مسلمانان خواسته است که هر دو گروه را زیرنظر بگیرند و از منافقان خارج شهر غافل نشوند. ولی توجه داشته باشند که منافقان داخل مدینه بر کار خود مسلطتر و خطرناک ترند.

۲. از این آیه استفاده می شود که منافقان چنان از حق عاری شده، و بر کار خود مسلط و تمرین کرده (۱) بودند که می توانستند خود را در صف مسلمانان راستین جا بزنند؛ بدون آنکه کسی متوجه آنان شود.

۳. مقصود از اینکه پیامبر(صلی الله علیه و آله) منافقان را نمی شناسد، شناخت پیامبر با علم عادی و معمولی است؛ وگرنه اشکالی ندارد که او از طریق وحی و اخبار غیبی از اسرار منافقان آگاه شود.

۴. مقصود از «عذاب بزرگ»، همان مجازات های روز رستاخیز است. ولی درباره دو عذاب دیگری که در آیه بدان ها اشاره شده، مفسران دو احتمال داده اند که براساس احتمال نخست، رسوایی اجتماعی منافقان در دنیا و کیفر آنان هنگام مرگ مقصود است و براساس احتمال دوم، مقصود از عذاب دوم، ناراحتی درونی منافقان به علت پیروزی های مسلمانان است.

۱- (۱) . واژه (مَرَدُوا) در اصل به معنای «برهنگی و تجرد» است و به شخص سرکش نیز که به کلی از اطاعت فرمان خارج شده است، گفته می شود. اما برخی لغویان این واژه را به معنای «تمرین» می دانند. شاید این گفته بدین علت باشد که تجرد مطلق از چیزی و خروج کامل از آن، بدون تمرین ممکن نیست؛ ر.ک: نمونه، ج ۸، ص ۱۱۲؛ تاج العروس و قاموس.

آموزه ها و پیام ها

۱. مراقب منافقان داخلی و خارجی باشید.

۲. منافقان داخل شهر، مرموزتر و خطرناک ترند.

۳. منافقان در دنیا و آخرت گرفتار عذاب می شوند.

مساجد خوب و بد در مدینه

لاـ تَقُمْ فِيهِ أَبَداً لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ . (توبه: ۱۰۸)

هرگز در آن [مسجد به عبادت] نایست! حتماً مسجدی که از روز نخست بر پارسایی [و خودنگه داری] بنیانگذاری شده، شایسته تر است که در آن [به عبادت] بایستی؛ در آن مردانی اند که دوست می دارند پاکیزه باشند و خدا پاکیزگان را دوست دارد.

نکته ها و اشاره ها

۱. به گفته برخی مفسران مقصود از مسجد نیکویی که در این آیه بدان اشاره شده، مسجد «قُبا» است که نزدیک مسجد «ضِرار» قرار داشت و نخستین مسجدی بود که در مدینه ساخته شد. (۱) البته احتمال دارد که مقصود، مسجد پیامبر(صلی الله علیه و آله) در مدینه یا هر مسجدی باشد که براساس تقوا بنا شود.

۲. هرچند خطاب آیه به پیامبر(صلی الله علیه و آله) است، مقصود، همه مسلمانان اند. در واقع، خطاب به آن حضرت ازاین روست که وی رهبر و الگوی دیگران است.

۳. واژه «أحَق» به معنای «شایسته تر و سزاوارتر» است. ولی در این

۱- (۱) . کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۰۷؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۷۹.

آیه منظور مقایسه بین شایسته و شایسته تر نیست. بلکه مقایسه بین مسجد ضِرار ناشایست و مسجد قُبای شایسته است؛ مانند آنکه بگوییم برای شما پاکی از ناپاکی بهتر است (۱).

۴. مقصود از طهارت و پاکیزگی در آیه، معنای وسیع آن است؛ یعنی هرگونه پاکسازی روح از شرک و گناه یا پاکسازی جسم از آثار آلودگی را شامل می شود.

۵. پیامبر(صلی الله علیه و آله) به اهل مسجد قبا فرمود: «شما در هنگام پاک ساختن خود چه کاری انجام می دهید که خدا شما را این گونه ستایش کرد»؟ گفتند: «ما آثار مدفوع را با آب می شوییم». البته روشن است که این گونه احادیث، دلیل بر انحصار مفاد آیه نمی شود. بلکه بیان یکی از مصادیق آیه است. (۲)

۶. هرگاه چیز بدی را از مردم گرفتیم، چیز نیکویی به جای آن معرفی کنیم؛ اگر نماز در مسجد ضرار ممنوع می شود، بی درنگ مسجد نیکوی دیگری به جای آن معرفی می گردد. آری، این نفی و اثبات، روش و شعار اسلام است؛ یعنی اگر کسی از تفریح های ناسالم جلوگیری می کند، باید وسایل تفریح های سالم را فراهم سازد. اگر فحشا و بی عفتی ممنوع می شود، باید وسایل ازدواج آسان گردد.

۷. کانون مثبت دینی، پایگاهی است که افزون بر آنکه باید شالوده و هدف آن از آغاز پاک باشد، باید افراد و حامیان آن، انسان هایی درستکار و پاک باشند.

۱- (۱) . افعل تفضیل در این مورد به معنای تفضیل یکی بر دیگری نیست. بلکه به معنای نفی اول و ترجیح دوم است.
۲- (۲) . مجمع البیان، ذیل آیه؛ تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۴۰.

۸. برخی افراد براساس فرمان الهی و ترس از جهنم از آلودگی های روحی و جسمی پرهیز می کنند. اما برخی افراد پاک اند؛ زیرا پاکی را دوست دارند و این خود نوعی کمال برای انسان است که در آیه از آن به نیکی یاد شده است.

آموزه ها و پیام ها

۱. پایگاه های دشمن در شهرهای اسلامی را تحریم کنید؛ حتی اگر آن پایگاه به نام مسجد بنا شده باشد.

۲. اگر مردم را از رفتن به مراکز فساد باز داشتید، مراکز سالم و شایسته را به آنان معرفی کنید.

۳. علاقه به پاکی نشانه کمال انسان است.

۴. انسان های پاک، محبوب خدایند.

۵. ارزش هر مسجد به پاک بنیادی و افراد نیکی است که در آن رفت وآمد می کنند.

مباهله

فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللّهِ عَلَی الْکاذِبِینَ . (آل عمران: ۶۱)

و هرگاه بعد از دانشی که تو را [حاصل] آمده، [باز] کسانی در [مورد] آن با تو، به بحث و ستیز برخیزند، پس بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و خودمان و خودتان را دعوت کنیم. سپس مباهله می کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می دهیم».

شأن نزول

در روایات اسلامی آمده است که وقتی سخن از مباهله بین پیامبر(صلی الله علیه و آله) و مسیحیان شد، نمایندگان مسیحیان نجران از پیامبر مهلت خواستند تا در این باره بیندیشند و مشورت کنند. نتیجه مشاوره آنها این شد که اگر مشاهده کردید محمد با جمعیت زیاد به مباهله آمد، نترسید و با او مباهله کنید؛ زیرا حقیقتی در کار او نیست و ازاین رو متوسل به غوغاسازی شده است. اما اگر مشاهده کردید که محمد با افراد محدود و فرزندان خردسالش به میعادگاه آمد، از مباهله با او بپرهیزید که خطرناک است و بدانید که او پیامبر خداست.

هنگامی که همگان در روز موعود به میعادگاه آمدند، دیدند پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرزندش حسین را به آغوش دارد و دست حسن را گرفته است و علی(علیه السلام) و فاطمه(علیها السلام) نیز همراه اویند و به آنها سفارش می کند که هرگاه من دعا کردم شما «آمین» بگویید.

مسیحیان با دیدن این صحنه، سخت به وحشت افتادند و از مباهله صرف نظر کردند و حاضر به مصالحه شدند و با پذیرش شرایط مسلمانان، تسلیم شدند. (۱)

نکته ها و اشاره ها

۱. مباهله در روز ۲۴ یا ۲۵ ماه ذی الحجه، در محلی بیرون از شهر مدینه واقع شد که اکنون داخل شهر مدینه قرار دارد. در حال حاضر، مسجدی به نام «مسجدالاجابه» در آنجا ساخته شده که حدود یک کیلومتر با مسجدالنبی(صلی الله علیه و آله) فاصله دارد.

۱- (۱) . ر.ک: مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۶۲؛ تفسیر نور، ج ۲، ص ۸۶؛ تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۵۷.

۲. در اصطلاح قرآن، مباهله به معنای نفرین کردن به یکدیگر است؛ (۱) یعنی چند نفر که درباره مسئله مهم مذهبی اختلاف دارند، در یک محل جمع شوند و به درگاه خدا تضرع کنند و از او بخواهند که دروغگو را لعنت و مجازات کند.

۳. جریان مباهله پیامبر(صلی الله علیه و آله) با مسیحیان نجران، نشانه ایمان و راستی دعوت ایشان بود. اگر کسی به کار و دعوت خود و نتیجه مباهله ایمان نداشته باشد، اقدام به این کار نمی کند؛ چراکه اگر دعای او به اجابت نرسد و مخالفان در همان صحنه به مجازات الهی گرفتار نشوند، نتیجه ای جز رسوایی نخواهد داشت. ازاین روست که گفته اند جریان مباهله یکی از نشانه های صدق دعوت پیامبر(صلی الله علیه و آله) است.

۴. مفسران و محدثان شیعه و اهل سنت تصریح کرده اند که آیه مباهله در حق اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) نازل شده است؛ یعنی مقصود از واژه «فرزندان ما»، حسن و حسین(علیهما السلام)، و مقصود از واژه «زنان ما»، فاطمه۳، و مقصود از «جان های ما»، همان علی(علیه السلام) است (۲) و در این مورد روایات فراوانی نقل شده است. (۳)

۱- (۱) . واژه «مباهله» در لغت از ریشه «بَهْل» به معنای رها کردن است و ابتهال در دعا به معنای تضرع و واگذاری کار به خداست و اگر گاهی آن را به معنای «هلاکت و لعن و دوری از خدا» گرفته اند، به سبب آن است که واگذار کردن بنده به حال خود، این نتایج را به دنبال می آورد.

۲- (۲) . واژه های «ابنائنا و نسائنا و انفسنا» در آیه به صورت جمع است؛ ولی مقصود همان علی(علیه السلام)، فاطمه و حسن و حسین(علیهم السلام) هستند؛ چراکه اولاً، شأن نزول قطعی در این مورد وجود دارد. ثانیاً، در قرآن و کلام عرب گاهی کلمات جمع برای مفرد و تثنیه به کار می رود؛ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، صص ۴۴۴ و ۴۴۵.

۳- (۳) . ر.ک: صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰؛ مسند احمدبن حنبل، ج ۱، ص ۱۸۵؛ تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۹۲؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۰؛ مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۸۵؛ کشاف، ج ۱، ص ۱۹۳ که همگی از منابع مهم اهل سنت است. علامه طباطبایی در المیزان، ج ۳، ص ۲۵۷ می نویسد: «ماجرای مباهله را ۵۱ نفر از صحابه به اتفاق نظر نقل کرده اند». قاضی نورالله شوشتری نیز در کتاب احقاق الحق، ج ۳، صص ۴۶ - ۷۶ نام شصت نفر از بزرگان اهل سنت را می برد که این جریان را نقل کرده اند.

برخی این آیه را قوی ترین دلیل فضیلت اهل بیت(علیهم السلام) می دانند. (۱) این مزیتی است که هیچ کس بر اهل بیت(علیهم السلام) در آن پیشی نگرفته، و هیچ انسانی به این فضیلت نرسیده است. (۲)

تویی که نفس رسولی هم از کلام خدای چنان که هست در این آیه مباهله دال

۵. این آیه با تعبیر «أبناءَنا» که حسن و حسین(علیهما السلام)را فرزندان پیامبر(صلی الله علیه و آله) خواند، در حقیقت بر یک تفکر جاهلی عرب خط بطلان کشید؛ چراکه آنان فرزندان دختر را فرزند حقیقی انسان نمی دانستند و تنها فرزندان پسر (نوه پسری) را فرزند خود می دانستند.

۶. دعا، سلاح مؤمنان واقعی است. بنابراین اگر کسی برابر منطق و استدلال و معجزه تسلیم حق نشد، می توان از غیب کمک گرفت و با او به مبارزه ای معنوی برخاست. اما رتبه دعا و نفرین در مبارزه با دشمن، بعد از منطق و استدلال قرار دارد. (۳)

۷. این آیه فقط به مباهله پیامبر(صلی الله علیه و آله) و مسیحیان نجران اشاره می کند. اما مباهله در برابر مخالفان، یک حکم عمومی است؛ یعنی چنانچه

۱- (۱) . این سخن زمخشری، از مفسران بزرگ اهل سنت، در تفسیر کشاف است.
۲- (۲) . این سخن از امام رضا(علیه السلام) حکایت شده است که حضرت آن را در مجلس مأمون فرمود؛ ر.ک: عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۱.
۳- (۳) . تفسیر نور، ج ۲، ص ۸۶.

استدلال های افراد باایمان و پارسا بر دشمن تأثیرگذار نبود، آنان می توانند مخالفان را به مباهله دعوت کنند. در این باره، روایاتی نیز در منابع اسلامی آمده است. (۱)

۸. در این آیه، فاطمه۳ کنار مردان مطرح است. این نشان می دهد که زنان در مواقع حساس تاریخ اسلام، حضور داشته، و به سهم خود در پیشبرد اهداف اسلامی کمک کرده اند.

۹. این آیه و شأن نزولش نشان می دهد که در مباهله که نوعی دعاست، شخصیت افراد مهم تر از تعداد آنهاست. ازاین رو پیامبر(صلی الله علیه و آله) تعدادی اندک، اما بسیار بزرگوار و باشخصیت و عزیز را برای مباهله به همراه برد.

۱۰. واژه «لعنت» به معنای «دوری از رحمت الهی» است و از این آیه استفاده می شود که دروغگویان مستحق لعنت الهی اند؛ یعنی از رحمت الهی دور می شوند.

آموزه ها و پیام ها

۱. از مباهله (نفرین دسته جمعی دو طرفه) می توان برای مبارزه با دشمنان اسلام استفاده کرد.

۲. در مرحله نخست، با دشمنان، مبارزه منطقی کنید و اگر اثر نکرد، مباهله کنید.

۳. پس از روشن شدن حقایق و استدلال منطقی، جای بحث و جدل نیست.

ص:۱۶۸

۱- (۱) . ر.ک: نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۵۱؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۴۷. از علامه طباطبایی(قدس سره) نیز حکایت شده است که می فرمود: «اگر مخالفان اسلام بخواهند، مسلمانان در این عصر نیز حاضر به مباهله اند»؛ ر.ک: اعجاز قرآن، ص ۱۲۸.

۴. در مباهله، از نزدیک ترین و باکیفیت ترین افراد استفاده کنید.

۵. علی(علیه السلام) همچون جان پیامبر(صلی الله علیه و آله)، حسن و حسین(علیهما السلام) فرزندان او و فاطمه۳ خانواده حقیقی اوست. (۱)

۶. دروغگویان سزاوار لعنت الهی و دوری از رحمت خدایند.

غدیر

اَلْیَوْمَ یَئِسَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ دِینِکُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دِیناً . (مائده: ۳)

امروز، کسانی که کفر ورزیدند، از [زوال] دین شما ناامید شدند. پس از آنها نهراسید و [از مخالفت با من] بهراسید! امروز، دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و از اسلام برای شما [به عنوان] دین راضی شدم.

نکته ها و اشاره ها

۱. در این آیه، سخن از روز «اکمال دین و اتمام نعمت» شده که روز ناامیدی کفار است. مفسران شیعه براساس روایات زیادی از شیعه (۲) و اهل سنت (۳) گفته اند که مقصود از «الیوم» روز غدیرخم است؛ یعنی هنگامی که پیامبراعظم(صلی الله علیه و آله) به طور رسمی علی(علیه السلام) را به جانشینی خود تعیین کرد و پشتوانه محکمی برای آینده اسلام فراهم ساخت، دین خدا کامل شد و کافران و دشمنان اسلام مأیوس شدند؛ زیرا مشاهده کردند که اسلام قائم به شخص

۱- (۱) . با توجه به شأن نزول استفاده می شود.

۲- (۲) . تفسیر عیاشی، ج۱، ص ۲۹۳؛ غیبت نعمانی، ص ۲۱۶؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۷ و ج ۲، ص ۶۷۵؛ کافی، ج ۱، صص ۱۹۸ و ۲۹۰.

۳- (۳) . شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۰۸ و ۲۵۶.

نیست و فردی عالم، عادل، پارسا و قدرتمند جای پیامبر(صلی الله علیه و آله) را گرفت. این گونه بود که با تکمیل خط رهبری، اسلام کامل شد و با موهبت الهی امامت، نعمت های خدا بر بشر تمام شد و در آن روز بود که پروردگار از برنامه کامل شده اسلام اعلام رضایت کرد و آن را آیین نهایی بشر دانست.

۲. در روایات فراوانی از اهل سنت و شیعه، به ارتباط این آیه با غدیرخم و ولایت علی(علیه السلام) تصریح شده است. برخی از دانشمندان و راویان اهل سنت که بدین امر تصریح کرده اند، عبارت اند از: «ابن جریر طبری» از زید، صحابی پیامبر(صلی الله علیه و آله)، حکایت می کند که این آیه در روز غدیر خم و درباره علی(علیه السلام) نازل شد.

همچنین «حافظ ابونعیم اصفهانی» از ابوسعید خِدْری، صحابی معروف پیامبر(صلی الله علیه و آله)، حکایت می کند که در روز غدیرخم و پس از نصب علی(علیه السلام) به ولایت، هنوز مردم متفرق نشده بودند که این آیه نازل شد و پیامبر(صلی الله علیه و آله) صدا به تکبیر بلند کرد. حتی خطیب بغدادی از ابوهریره نقل می کند که پس از جریان غدیر، عُمر به علی(علیه السلام) تبریک گفت که مولای او و مولای هر مسلمانی شده است. (۱)

از دانشمندان و راویان شیعه، در کتاب الغدیر، ۱۶ روایت (۲) و در تفسیر صافی، (۳) برهان و نورالثقلین، ده روایت از طرق مختلف نقل شده

۱- (۱) . عمر گفت: «بخّ بخّ یاابن ابی طالب اصبحت مولای و مولا کل مسلم»؛ ر.ک: تفسیر فرات، ص ۵۱۵؛ امالی صدوق، ص۲؛ اعلام الوری، ص ۱۶۵؛ بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۳۵؛ الهدایه الکبری، ص ۵؛ الغدیر و از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۳۴؛ من حیاه الخلیفه عمربن الخطاب، ص ۱۹۴.

۲- (۲) . الغدیر، ج ۱، صص ۲۲۲، ۲۳۰ - ۲۳۳، ۲۷۲، ۲۷۵ و ۳۹۲.

۳- (۳) . تفسیر صافی، ج ۲، صص ۹ و ۱۰.

است که این آیه، درباره علی(علیه السلام) می باشد و در روز غدیر بر مردم ابلاغ شده است. (۱)

۳. دو آیه از سوره مائده درباره ولایت علی(علیه السلام) در غدیرخم است: یکی آیه ۶۷ و دیگری آیه ۳. فاصله زیاد این دو آیه بدان سبب است که قرآن طبق ترتیب نزول آیات جمع آوری و مرتب نشده است؛ گاهی آیات مکی در سوره های مدنی آمده است و گاهی به عکس.

همچنین نقل شده است که جای آیات به دستور پیامبر(صلی الله علیه و آله) تعیین می شد. در ضمن، احتمال دارد که بخش اول سوره مائده یکجا نازل شده باشد. سپس پیامبر این بخش از آیه سوم را به همراه آیه ۶۷ در روز غدیر خوانده باشد. (۲)

۴. درخور توجه است مطلب مربوط به ولایت علی(علیه السلام) در آیه سوم سوره مائده، احکام غذاهای حلال و حرام قرار گرفته است تا از دسترس تحریف مخالفان در امان بماند. مخالفانی که از هرگونه تهمت به پیامبراکرم(صلی الله علیه و آله) و اسلام و مبارزه با ولایت علی(علیه السلام) کوتاهی نکردند. (۳)

۵. از این آیه، با توجه به روایات، استفاده می شود که قوام مکتب اسلام به رهبری صحیح است؛ به طوری که با وجود او، دین کامل می شود و مورد رضایت خدا قرار می گیرد و نعمت با او تمام می شود و کافران ناامید می گردند.

۶. همه امید کافران به نبودن رهبر اسلام است. پس با وجود رهبری لایق همچون علی(علیه السلام) در جامعه، مسلمانان نباید از کافران ترسی داشته

ص:۱۷۱

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۶۶.
۲- (۲) . ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۵، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.
۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۷۰.

باشند. در واقع، خطر کافران وقتی زیاد می شود که مردم از خط ولایت فاصله بگیرند. (۱)

آموزه ها و پیام ها

۱. دین با وجود رهبر الهی کامل می شود.

۲. رهبر الهی از نعمت های خداست.

۳. با نهادینه کردن رهبری الهی، دشمنان را مأیوس و دوستان را ایمن سازید.

برائت

اشاره

بَراءَةٌ مِنَ اللّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی الَّذِینَ عاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ . (توبه: ۱)

[این آیات، اعلام] عدم تعهدی است از طرف خدا و فرستاده اش به کسانی از مشرکان که [با آنان] پیمان بسته اید.

نکته ها و اشاره ها

۱. طبق نقل بسیاری از مفسران و محدثان و مورخان اسلام، هنگامی که آیه فوق و ۲۷ آیه بعد از آن نازل شد و پیمان های مشرکان را لغو کرد، پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله) این فرمان را برای ابلاغ، به ابوبکر داد تا در مراسم حج بر مردم بخواند. ولی به فرمان جبرئیل آن را پس گرفت و ابلاغ آن را به علی(علیه السلام) واگذار کرد تا در روز حج اکبر برای مردم بخواند و فرمود: «این سوره را تنها کسی باید ابلاغ کند که از من است و من از اویم».

۱- (۱) . تفسیر نور، ج ۳، صص ۱۹ - ۲۱.

این ماجرا، فضیلتی بزرگ برای امام علی(علیه السلام) به شمار می آید؛ به طوری که اصل واقعه، در بسیاری از کتاب های شیعه و اهل سنت از راه های مختلفی نقل شده است. (۱)

۲. این آیه به سال هشتم هجری مربوط است که مکه فتح شده بود. اما مشرکان همچنان برای انجام دادن مراسم عبادی خود که آمیخته با خرافات و انحرافات بود، به مکه می آمدند و گاهی برهنه به طواف کعبه می پرداختند. تحمل این وضع برای مسلمانان ناممکن بود. ازاین رو، آیه مذکور و آیات بعد از آن نازل شد و به این وضع نامطلوب خاتمه داد.

۳. در عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) گروه های مختلفی بودند که برخی از آنان یا با مسلمانان هیچ پیمانی نداشتند، یا اگر هم پیمان داشتند، به صورت موقت یا دائمی بود. اما این گروه اخیر درصدد پیمان شکنی و یافتن فرصتی برای حمله به مسلمانان بودند. (۲) این آیه نیز پیمان مسلمانان با آنان را لغو، و تعهد نداشتن به آنان را اعلام کرد (۳) تا فرصت پیمان شکنی، توطئه و شبیخون به مسلمانان را پیدا نکنند.

۴. با اینکه اسلام به وفای عهد بسیار اهمیت می دهد، از این آیه

۱- (۱) . ر.ک: مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۱ و ج ۳، ص ۲۱۲؛ خصائص نسائی، ص ۲۸؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۲۲؛ جامع الاصول، ج ۹، ص ۴۷۵؛ ذخائر العقبی، ص ۶۹؛ طبری، ج ۱۰، ص ۴۶؛ احقاق الحق، ج ۵ ، ص ۳۶۸؛ در الغدیر، ج ۶، ص ۳۳۸، نام ۷۳ نفر نقل شده است که این ماجرا را حکایت کرده اند. همچنین ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۷۵ به بعد.

۲- (۲) . از آیات چهارم، هفتم و هشتم این سوره به خوبی استفاده می شود که مشرکان درصدد پیمان شکنی بودند و ازاین رو، پیمان مسلمانان با آنان لغو شد.

۳- (۳) . واژه «برائت» به معنای قطع ارتباط و برداشتن امان و اعلام نداشتن تعهد به دیگران است؛ ر.ک: مجمع البیان، ج ۵ ، ص ۲.

استفاده می شود که هرگاه نشانه هایی از توطئه و نقض پیمان مشاهده شد، مسلمانان حق دارند پیمان را یک جانبه لغو کنند. ولی باید جوانمردانه لغو پیمان را اعلام نمایند.

آموزه ها و پیام ها

۱. خدا و رسولش در برابر مشرکان پیمان شکن، تعهدی ندارند.

۲. از مشرکان بیزاری بجویید و برائت خود را اعلام کنید.

ذکر و دعا در ایام حج

فَإِذا قَضَيْتُمْ مَناسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللّهَ كَذِكْرِكُمْ آباءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْراً فَمِنَ النّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنْيا وَ ما لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلاقٍ . (بقره: ۲۰۰)

و هنگامی که اعمال [حج] خود را به جای آوردید، همانند یادآوری شما از نیاکانتان، یا با یادمانی شدیدتر، خدا را به یاد آورید و از مردم کسی است که می گوید: «[ای] پروردگار ما! به ما، در [همین] دنیا بده» و حال آنکه برایش در آخرت هیچ بهره ای نیست.

نکته ها و اشاره ها

۱. از امام باقر(علیه السلام) نقل شده است که مردم در زمان جاهلیت، پس از انجام دادن مراسم حج، اجتماعی تشکیل می دادند و افتخارات موهومی که از پدرانشان نصیب آنها شده بود و شرح حال آنان را برمی شمردند. (۱)

قرآن کریم در این آیه یادآور می شود که پس از مراسم حج، به یاد

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۷.

خدا باشید و دست کم، خدا را با همان شور مخصوصی که در فخرفروشی به پدران خود دارید و حتی پرشورتر و عمیق تر یاد کنید.

۲. در احادیث از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است که مقصود از «ذکر الله» در این آیه، تکبیرهایی است که از ظهر روز عید قربان تا نماز صبح روز سیزدهم خوانده می شود: «الله أَکْبَرُ الله أَکْبَرُ، لا اله الاّ الله والله أَکْبَرُ، الله أَکْبَرُ وَلله الحَمد، الله اکبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، الله أَکْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَهِ الْأَنْعَام». (۱)

۳. مردم درباره دنیا و آخرت سه دسته اند:

الف) گروهی فقط آخرت را می خواهند و از دنیا می گذرند و با گوشه گیری، به عبادت می پردازند.

ب) گروهی فقط دنیا را می طلبند و آخرت خود را فدای لذت ها و منافع مادّی دنیوی می کنند.

ج) گروهی هم نیکی در دنیا و آخرت را می خواهند. اینان از مواهب و نعمت های دنیوی استفاده می کنند و آنها را مقدمه آخرت قرار می دهند.

گفتنی است اسلام، گروه اول و دوم را سرزنش و محکوم می کند؛ در واقع، این آیه، دنیاطلبان را سرزنش می کند و احادیث نیز رهبانیت را سرزنش کرده است. (۲) بنابراین اسلام راه سوم را پیشنهاد می کند که همان خواستن نیکی دنیا و آخرت است.

۱- (۱) . کافی، ج ۴، ص ۵۱۶.

۲- (۲) . عن النبی(صلی الله علیه و آله): «لیس فی امّتی الرهبانیه»؛ ر.ک: بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۱۵. عن النبی(صلی الله علیه و آله): «ان الله تبارک و تعالی لم یکتب علینا الرهبانیه» همان.

آموزه ها و پیام ها

۱. با انجام دادن مراسم حج، وظیفه خود را تمام شده ندانید. بلکه با یاد خدا، پیوند خویش را با پروردگار استمرار بخشید.

۲. بیش از نیاکان خود به فکر خدا باشید.

۳. هرکس به دنیا قانع شود، از آخرت محروم می شود.

۴. در دعاهای خود سطحی نگر نباشید و به زندگی دنیا قانع نشوید و دعای ناقص نکنید.

ص:۱۷۶

کتابنامه

۱. احقاق الحق، نورالله تستری، بی نا، بی جا، بی تا.

۲. ارشاد القلوب الی الصواب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، اول، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.

۳. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، بیروت، المکتبهالعصریه، ۱۴۲۵ ق.

۴. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ابوجعفر محمد بن حسن الطوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.

۵. إعلام الوری، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (امین الله)، طهران، دارالکتب الإسلامیه، بی تا.

۶. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۵ ش.

۷. البرهان فی تفسیرالقرآن، سید هاشم بحرانی، اول، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

ص:۱۷۷

۸. پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸ ش.

۹. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی حسینی الزبیدی، دارالهدایه، بی جا، ۱۴۰۰ ق.

۱۰. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت(علیهم السلام)، بی تا.

۱۱. تحریر الوسیله، امام خمینی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۶ ش.

۱۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، الطبعهالاولی، ایران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ ش.

۱۳. تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، حسین بن مسعود الفراء البغوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق – ۲۰۰۴ م.

۱۴. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۵. تفسیر العیاشی، محمدبن مسعود عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ش.

۱۶. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، نشر دار احیاء التراث العربی، بی جا، ۱۴۱۵ ق.

۱۷. تفسیر فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم کوفی، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق، اول.

۱۸. تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، محمد بن احمد قرطبی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.

۱۹.

تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.

۲۰. تفسیر کبیر منهج الصادقین، ملافتح الله کاشانی، تعلیق میرزا ابوالحسن شعرانی، دوم، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۴ ش.

۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش.

۲۲. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش.

۲۳. تفسیرنور الثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی الحویزی، المطبعهالعلمیه، قم، ۱۳۸۳ ق.

۲۴. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، محمد بن حسن شیخ طوسی، چهارم، ۱۳۶۵ ش.

۲۵. تهذیب التهذیب، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، اول، بیروت، دارالفکر للطباعهوالنشر والتوزیع، ۱۴۰۴ ق - ۱۹۸۴ م.

۲۶. جامع الاخبار، محمد سبزواری، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۱۴ ق.

۲۷. جامع الأصول فی أحادیث الرسول، أبو السعادات المبارک بن محمد الجزری، تحقیق: عبدالقادر الأرنؤوط، اول، مکتبه الحلوانی/ مطبعهالملاح/ مکتبهدارالبیان، بی جا، ۱۳۹۲ ق.

۲۸. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.

۲۹. جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، با تصحیح شیخ عباس قوچانی، نجف، افست بیروت، ۱۳۷۷ ق.

۳۰.

ص:۱۷۹

الخصائص الکبری، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی،

دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۰ ق.

۳۱. الدرّ المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۳۲. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، شهاب الدین سید محمود آلوسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۳۳. سنن النسائی، احمد بن شعیب بن علی النسائی، بیروت، اول، دارالفکر، ۱۹۳۰ م.

۳۴. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، تحقیق: شیخ محمدباقر بهبودی، اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۳۵. الصافی، فیض کاشانی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطعبهالثالثه، ۱۴۰۲ ق.

۳۶. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، تحقیق: محمد سالم هاشم، دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۴ م.

۳۷. صحیفه نور، امام خمینی، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ ش.

۳۸. علل الشرایع، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۴ ش.

۳۹. عوالی اللآلی، ابوجعفر محمد بن علی بن ابی جمهور احسائی، اول، قم، انتشارات سید الشهداء(علیه السلام)، ۱۴۰۵ ق.

۴۰. عیون اخبار الرضا(علیه السلام)، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، تحقیق: شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۴ ق.

۴۱.

الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، عبدالحسین امینی، دارالکتاب

العربی، چهارم، بیروت، ۱۳۹۷ ق.

۴۲. الغیبه، محمد بن ابراهیم النعمانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبهالصدوق، ۱۳۹۷ ق.

۴۳. فقه القرآن، قطب الدین راوندی کاشانی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، دوم، ۱۴۰۵ ق.

۴۴. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه،۱۳۶۱ ش.

۴۵. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.

۴۶. الکامل فی التاریخ، علی بن ابی الکرم الشیبانی (ابن اثیر)، الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق.

۴۷. کتاب الخصال، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۴۱۶ ق.

۴۸. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر زمخشری، نشر دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.

۴۹. کمال الدین و تمام النعمه، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، دوم، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

۵۰. کنز العرفان فی فقه القرآن، مقداد بن عبدالله فاضل مقداد سیوری، ایران، محمداسماعیل بن علی اکبر خوانساری (چاپ سنگی)، ۱۳۱۳ ق.

۵۱. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق.

۵۲.

ص:۱۸۱

لسان العرب، ابن منظور، نشر أدب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ ق.

۵۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (امین الله)، پنجم، تهران، المکتبه الاسلامیه ، ۱۳۹۵ ق.

۵۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری، تحقیق و نشر موسسه آل البیت(علیهم السلام)، اول، قم، ۱۴۰۸ ق.

۵۵. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ ق.

۵۶. مسند احمد، احمد بن حنبل، داراحیاء التراث العربی، الطبعهُالثالثه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

۵۷. مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ابو عبدالله محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۵۸. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، اول، دمشق، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۵۹. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.

۶۰. مناسک حج، امام خمینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ش.

۶۱. مناقب آل ابی طالب(علیهم السلام)، ابن شهر آشوب مازندرانی، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.

۶۲. مناقب اهل البیت، ابن مغازلی، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه.

۶۳. من حیاه الخلیفه عمر بن الخطاب، عبدالرحمان احمد بکری،

ص:۱۸۲

الارشاد، بیروت، بی تا.

۶۴. من لا یحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۶۵. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش.

۶۶. نمونه بینات در شأن نزول آیات، محمد باقربن محمد مؤمن محقق سبزواری، تهران، اسلامی، ۱۳۵۹ ش.

۶۷. نهج البلاغه، صبحی صالح، مرکز البحوث الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ ق.

۶۸. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، قم، مؤسسهآل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.

۶۹. الهدایه الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، مؤسسه الصادق(علیه السلام)، للطباعه والنشر، ۱۳۸۰.

ص:۱۸۳

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹